

آموزش ابتدایی

رشد

برای آموزگاران دبستان، دانشجویان تربیت معلم و کارشناسان آموزشی

دوره هفدهم / بهمن ماه ۱۳۹۲ / شماره پی در پی ۱۳۸

ماهنامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع رسانی



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی

مدیر مسئول: محمد ناصری
سردبیر: اصغر ندیری
شورای برنامه ریزی:
حسن طاهری، یدالله رهبری نژاد،
فاطمه رضانی، محبت الله همتی،
سیده زهراسادات یاسینی
مدیر داخلی: فهیمه دهقان
ویراستار: لیلا بنی طباء خان آبادی
طراح گرافیک: فریبا بندی
نشانی دفتر مجله:
تهران، ایرانشهر شمالی، پلاک ۲۶۶
صندوق پستی: ۱۵۸۷۵/۳۳۳۱
تلفن: ۸۸۸۳۹۱۷۸
۹ - ۸۸۸۳۱۱۶۱ (داخلی ۳۷۵)
نمبر: ۸۸۳۰۱۴۷۸
وبگاه:
www.roshdmag.ir
پیامنگار:
ebtedayi@roshdmag.ir
تلفن پیام گیر نشریات رشد:
۸۸۳۰۱۴۸۲
● کد مدیر مسئول: ۱۰۲
● کد دفتر مجله: ۱۰۹
● کد مشترکین: ۱۱۴
نشانی امور مشترکین:
تهران، صندوق پستی: ۱۶۵۹۵/۱۱۱
تلفن امور مشترکین:
۷۷۳۳۶۶۵۵ - ۷۷۳۳۶۶۵۶
شمارگان: ۳۵۰۰۰
چاپ: شرکت افست (سهامی عام)

یادداشت سردبیر ۲: زمینه سازی به سوی کمال / اصغر ندیری

آموزش ۴: نگاه برنامه ی درسی ملی به ارزش یابی تحصیلی - تربیتی دانش آموزان / حسن ذوالفقاری و نادر جهان آرای

با گروه های درسی ۶: مطالعات اجتماعی و سوالات آموزگاران / منصور ملک عباسی

یادداشت ۸: تعریف دفاع مقدس در نگاه نسل چهارم انقلاب با استفاده از تدریس گروهی / علیرضا شیخ الاسلامی

تجربه ی سبز ۹: دانا / مهدی رضانی متین

گفت و گو ۱۰: معلم زابلی / سمانه آزاد

تجربه ی سبز ۱۳: قدم های نویسنده ی به قلم آموزگار / عبرت الله صدیقی

پژوهش ۱۴: کاهش رفتارهای نامطلوب / اعظم فاضلی

نکته ۱۷: تأثیرات کیف و کوله پشتی سنگین بر دانش آموزان / حدیثه اوجانی

تجربه ی سبز ۱۹: رانندگی برای املا / زهرا شاهرودی

سلامت حرفه ای ۲۰: آقای معلم، خانم معلم، استقامت قلبی - تنفسی دارید؟ / جواد آزمون

نکته ۲۲: دشواری های میز و نیمکت / پریسا مصطفی نژاد

گفت و گو ۲۴: عدل در اصفهان! / فهیمه دهقان

از مامانان به خانمان ۲۶: شما قضاوت کنید! / کبری محمودی

خاطره ۲۷: معلم برادر / ترگس باقری تیرتاشی

میزگرد ۲۸: چشم خود بر خود گشا / اصغر ندیری

پژوهش های دانش آموزی ۳۲: دوست داشتن چگونه رفتار می کردم! / لیلی رحیمزاده

تجربه ی سبز ۳۵: شنیدن کی بود مانند دیدن؟ / سوسن آزاد درخت

میراث ما ۳۶: مجموعه ی کاخ گلستان نگین جهانی در قلب تهران / شکوفه احمدی

ریاضی در خانواده ۳۸: ریاضی و رعایت نظم در سفرهای جاده ای / مترجم: نسرین امامی زاده

آموزش ۴۰: کاربردهای آموزشی روش حل مسئله / دکتر پریسا ایران نژاد، دکتر نیره شاه محمدی

آموزگاران وبلاگ نویسی ۴۳: به اشتراک گذاری تجربه ها

کتابخانه ی مدرسه ۴۴: سی وسه روش برای کمک به شمارش اعداد

کتابخانه ی مدرسه ۴۴: به کودک خود کمک کنیم علم بیاموزد

۴۵: جدول فیلم های DVD رشد آموزش ابتدایی

همراهان ما ۴۶: پاسخ به نامه ها و نوشته های خوانندگان / شورای برنامه ریزی مجله

خاطره ۴۸: خانم اجازه، سهم شما / شهلا الله مرادی

قابل توجه نویسندگان و مترجمان محترم

● مقاله هایی که برای درج در مجله می فرستید، باید با اهداف و ساختار این مجله مرتبط باشد و قبلاً در جای دیگری چاپ نشده باشد. ● مقاله های ترجمه شده باید با متن اصلی همخوانی داشته باشد و متن اصلی نیز همراه آن باشد. چنانچه مقاله را خلاصه می کنید، این موضوع را قید بفرمایید. ● مقاله یک خط در میان، در یک روی کاغذ و با خط خوانا نوشته یا تایپ شود. مقاله ها می توانند با نرم افزار word و بر روی CD و یا از طریق رایانامه مجله ارسال شوند. ● نثر مقاله باید روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه های علمی و فنی وقت لازم مبذول شود. ● محل قرار دادن جدول ها، شکل ها و عکس ها در متن مشخص شود. ● مقاله باید دارای چکیده باشد و در آن هدفها و پیام نوشتار در چه سطر تنظیم شود. ● کلمات حاوی مفاهیم نمایه (کلید واژه ها) از متن استخراج و روی صفحه ای جداگانه نوشته شوند. ● مقاله باید دارای تیتراژ اصلی، تیتراژ فرعی در متن و سوتیتراژ باشد. ● معرفی نامه ی کوتاهی از نویسنده یا مترجم همراه یک قطعه عکس، رنگی، عناوین و آثار وی پیوست شود. ● مجله در رد، قبول، ویرایش و تلخیص مطالب مقاله های رسیده مختار است. ● نوشته های دریافتی بازگردانده نمی شود. ● آرای مندرج در مقاله ضرورتاً مبین رأی و نظر مسئولان مجله نیست.



عکس از اعظم لاریجانی

زمینه‌سازی به سوی کمال

● اصغر ندیری

شایستگی‌های لازم (فردی، خانوادگی، اجتماعی) که متریان برای وصول به مرتبه‌ای از آمادگی جهت تحقق حیات طیبه در همه‌ی ابعاد فردی، خانوادگی و اجتماعی باید آن‌ها را به‌دست آورند. از این‌رو مدرسه فضای اجتماعی (جامعه) هدفمندی است که از طریق زنجیره‌ای از موقعیت‌ها، فرصت حرکت رشدیابنده و تعالی‌بخش را برای متریان فراهم می‌سازد که در آن شایستگی‌های لازم برای درک و بهبود موقعیت خود و دیگران از طریق یادگیری‌های رسمی و غیررسمی کسب می‌شود.

به‌طور کلی، برخورداری از حیات طیبه در بعد جمعی و تحقق جامعه‌ی صالح نیازمند مدرسه‌ی صالح است. لذا با عنایت به غایت جریان تربیت در دیدگاه اسلامی یعنی آماده شدن متریان برای تحقق مراتب حیات طیبه در همه‌ی ابعاد فردی، خانوادگی و اجتماعی و نیز با توجه به اصل عقلانی تناسب بین وسیله و هدف، لازم است فضاهای تربیتی و به‌خصوص مدرسه و زندگی مدرسه‌ای، که در واقع زمینه‌ی اجتماعی سامان‌یافته‌ای برای تحقق حیات طیبه است، از ویژگی‌های جمعی حیات طیبه برخوردار باشد تا به مثابه کانون تجلی‌بخش حیات طیبه، امکان تجربه‌ی این نوع زندگانی را برای همه‌ی متریان فراهم آورد.^۲

هدف از تشکیل حکومت در اسلام

«هدف از تشکیل حکومت در اسلام یا حکومت منطبق با ملاک‌های دینی، زمینه‌سازی برای هدایت مردم به‌سوی کمال و برپایی عدالت است (ر- ک به سوره‌ی حدید/ ۲۵). از این‌رو ضروری است لوازم و عوامل زمینه‌ساز تحقق اهداف مذکور به تناسب شرایط زمانی و مکانی، مورد توجه قرار گیرد. یکی از لوازم حکومت زمینه‌ساز هدایت و برپاکنده‌ی عدالت، تربیت است. تربیت بیشترین نقش را در برپایی و تداوم چنین حکومتی دارد. در روایات و سیره‌ی معصومین(ع)

در روزهایی به سر می‌بریم که مقارن است با پیروزی انقلاب اسلامی و جشن سی‌وپنجمین سالگرد این نهضت رهایی‌بخش، اما هدف از تشکیل حکومت اسلامی در جامعه‌ی ما چه بوده است؟ این امر را با دقت در بند ۲-۴-۴ «مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران» در ذیل بحث «حکومت» چنین بیان شده است: «هدف از تشکیل حکومت در جامعه‌ی اسلامی براساس مبانی دینی، تحقق جامعه‌ی صالح در راستای برپایی جامعه‌ی عدل جهانی است و لذا این نوع حکومت باید زمینه‌ی هدایت آحاد مردم به‌سوی تحقق حیات طیبه را فراهم کند. بنابراین حکومت اسلامی، دولت زمینه‌ساز حیات طیبه است نه صرفاً دولت مسئول نظم و امنیت اجتماعی و تأمین رفاه عمومی.

باتوجه به لزوم آمادگی عموم افراد جامعه برای تحقق حیات طیبه، زمینه‌سازی جهت تربیت ایشان در تلاش‌های این دولت اولویت دارد.^۱ اما چه کسانی شایستگی به‌دست دادن این آمادگی‌ها در افراد جامعه را دارند؟ بی‌تردید مربیانی می‌توانند این وظیفه و شایستگی را داشته باشند که به برقراری رابطه‌ی «احسان و عدالت» در میان متریان و آحاد جامعه باور دارند. «رابطه‌ی عدالت و احسان که از اصول حاکم بر روابط بین افراد در مدرسه است مانع از تحقق این احتمال خواهد شد که اقتدار و سندیّت مربی یا کارگزاران مدرسه به سخت‌گیری و خشونت علیه متریان و به حاکمیت جوی استبدادمنشانه در مدرسه بینجامد.

مربی باید چنان محبوبیتی را داشته باشد تا نقش وی، که زمینه‌ساز تحولات رشد‌پاینده‌ی هویت متریان است، به‌درستی تحقق یابد.^۲ و در ادامه، تحقق‌بخشی اهداف بالا مستلزم داشتن مدرسه‌ی صالح است. در بخش دیگری از «مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران» آمده است: «مدرسه محیط اجتماعی سازمان‌یافته‌ای (مشمتمل بر مجموعه‌ای از افراد و روابط و ساختارهای منظم) است. برای کسب مجموعه‌ای از

به‌ویژه پیامبر اکرم(ص) و امام علی(ع)، اشارات فراوانی مبنی بر دخالت دولت در تربیت آحاد جامعه وجود دارد. دستور پیامبر(ص) مبنی بر تعلیم سواد به مسلمانان توسط اسرای جنگ بدر و عهدنامه‌ی حضرت به معاذ، همچنین در عهدنامه‌ی امام علی(ع) به مالک‌اشتر، این وظیفه استنباط می‌شود.

علاوه بر شواهد نقلی مذکور، از منظر عقلی نیز ورود دولت اسلامی به مدیریت فرایند تربیت رسمی و عمومی قابل توجه است. دولت اسلامی به‌منظور لزوم مداخله در تحقق حق بر تربیت، بنابر دلایل، در این نوع تربیت بیشتر و اثرگذارتر خواهد بود. دلایل حضور اثرگذارتر دولت در تربیت رسمی و عمومی عبارت‌اند از:

- رسمیت داشتن و قانونی بودن این شکل از تربیت و نیاز به حضور نهادی قدرتمند برای اعتبار آن؛
- وحدت‌بخشی تربیت رسمی و عمومی و فراهم آوردن زمینه‌ی شکل‌گیری هویت مشترک؛
- اجتناب‌ناپذیر بودن حضور نهاد قدرت در تدبیر و مدیریت آن در

صورتی که تربیت رسمی و عمومی از واجبات نظامیه تلقی گردد. از این‌رو در برقراری تربیت و سازوکارهای تحقق تربیت، به‌ویژه تربیت رسمی و عمومی، به مثابه یک حق اساسی در جامعه‌ی اسلامی، دولت اسلامی یکی از ارکان است و ضرورت دارد که در مدیریت آن دخالتی آشکار و وسیع داشته باشد ...

مطابق بند اول از اصل سوم قانون اساسی، دولت موظف است تمامی امکانات کشور را برای رشد و تعالی افکار و اندیشه‌های افراد به کار گیرد و با این کار موجبات تحقق عدالت را در جامعه فراهم آورد. در بندهای اول تا چهاردهم اصل سوم و اصل نوزدهم و اصل بیستم قانون اساسی بر این حقوق و احقاق آن در جامعه‌ی اسلامی تأکید شده است»^۴.

پی‌نوشت
۱. مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران. آذرماه ۱۳۹۰. صفحه‌ی ۱۷۸.
۲. همان. صفحه‌ی ۲۸۰.
۳. همان. صفحه‌ی ۲۸۸.
۴. همان. صفحه‌ی ۳۱۳.



نگاه برنامه‌ی درسی ملی به ارزش‌یابی تحصیلی - تربیتی دانش‌آموزان

»

• حسن ذوالفقاری و نادر جهان‌آرای

کارشناسان سنجش و ارزش‌یابی فعالیت‌های یادگیری دفتر دبستانی

اشاره

رویکرد حاکم بر برنامه‌های درسی و تربیتی نظام آموزشی جمهوری اسلامی ایران فطرت‌گرایی توحیدی است که منظور اصلی آن دست‌یابی به مراتبی از حیات طیبه است. این رویکرد به عنصر ارزش‌یابی نگاهی خاص و متفاوت با رویکرد سنتی حاکم بر برنامه‌ی درسی فعلی دارد که ویژگی‌هایی را برای آن برشمرده است. در این نوشتار به‌طور مختصر به بررسی و تبیین دیدگاه برنامه‌ی درسی ملی نسبت به ارزش‌یابی تحصیلی - تربیتی دانش‌آموزان پرداخته می‌شود. هم‌چنین سعی می‌شود ضمن تعمق در این نگاه، به‌منظور تحقق اهداف و اصول مطرح شده در سند برنامه‌ی درسی ملی الگویی مناسب نیز معرفی گردد.

شناخت موضوع

تاریخچه‌ی نظام تعلیم و تربیت تطبیقی نشان می‌دهد که تحول بسیاری از کشورها از نظام ارزش‌یابی آغاز شده و به دیگر مؤلفه‌ها سرایت کرده است. از این رو ارزش‌یابی می‌تواند محور اساسی و مبادی فعالیت‌های آموزش و یادگیری محسوب شود و به‌عنوان محرکی بنیادی در نشاط‌آفرینی ذهنی تلقی گردد. فرایندی که دانش‌آموزان را در حیطه‌های آموختن، مهارت‌آموزی، نگرش در گستره‌ی فراگیری حوزه‌های مختلف تربیت و یادگیری کمک می‌کند. اثربخشی و کارایی این عنصر مهم در نظام آموزشی زمانی افزایش می‌یابد که رویکردهای جدید آموزش و یادگیری با نگاه تحولی به تعلیم و تربیت به کار گرفته شوند. زیرا ارزش‌یابی فراتر از انجام دادن آزمون است و هدف آن رسیدن به نقطه‌ی تصمیم‌گیری و یا مجاز بودن برای انجام دادن کاری است. برنامه‌ی درسی ملی به عنصر مهم ارزش‌یابی از نظر متناسب‌سازی موقعیت‌ها با ظرفیت‌ها و نیازهای دانش‌آموزان و ایجاد زمینه‌های انتخاب‌گری و خودمدیریتی به‌منظور رشد مداوم دانش‌آموز با تأکید بر خودسنجی و برطرف کردن کاستی‌های یادگیری با حفظ کرامت انسانی و بهبود و اصلاح نظام آموزشی، ایجاب می‌کند نگاه‌ها و نگرش‌های یک‌سویه به آموزش و یادگیری که ارزش‌یابی را به حد امتحان گرفتن تنزل داده‌اند و سنجش

دانشی دانش‌آموز را دارند موجب برجسب زدن‌های غیرواقعی به آنان می‌شود. از این رو، بایستی در موقعیت‌های آموزشی ساز و کاری ایجاد کرد تا محرک‌های اصیل که با فرایندهای عالی ذهنی دانش‌آموزان مطابقت دارند، جایگزین محرک‌های بیرونی، آنی، زودگذر و ناسازگار با فعالیت‌های شناختی شوند.

با توجه به حاکمیت رویکرد فطرت‌گرایی توحیدی بر برنامه‌ی درسی ملی و

مهارت‌ها و نگرش‌ها را فقط با ارزش‌یابی کتبی و شفاهی و بهره‌مندی از یک نوع ابزار، آن هم آزمون مداد - کاغذ مورد تأکید قرار می‌دهند، اصلاح گردد و رشد و بالندگی همه‌جانبه‌ی دانش‌آموزان در نظر گرفته شود.

دریافت پاسخ قطعی، جزم‌گرایانه و کلیشه‌ای از طریق امتحان سنتی و انتظار این مطلب که دانش‌آموزان دقیقاً آنچه در کتاب است پس دهند، با رویکرد حاکم بر برنامه‌ی درسی ملی در تضاد است و عدم پاسخ‌گویی دانش‌آموزان به تعدادی از سؤالات حافظه‌سنج که فقط توانایی اندازه‌گیری سطح



بازتعریف فرایند یاددهی - یادگیری در این سند و نگاهی تحولی متناسب با فطرت دانش آموزان نسبت به تغییرات شناختی، مهارتی و نگرشی در ابعاد وجودی آنان و تأکید بر این موارد که یادگیری‌های همراه با دلهره و اضطراب، انفرادی و سخت‌گیرانه، رقابت‌های ناعادلانه‌ی کلیشه‌ای کینه‌توزانه، مخرب و آزاردهنده باید به یادگیری‌های بامعنا، تعاملی خلاق، ارتباط‌دهنده به خالق هستی، خلقت و خلق و خو تبدیل شود و هراس کمتری در دل دانش آموزان به وجود آورد و موقعیت یادگیری برای دانش آموزان به گونه‌ای فراهم شود که آرامش و آسایش بیشتری برای درس خواندن آنان به وجود آید. از این رو باید تکنیک‌های ارزیابی تحصیلی - تربیتی دانش آموزان مطابق با دیدگاه حاکم بر برنامه درسی ملی طراحی و اجرا شود.

در سند مذکور ویژگی‌هایی به شرح زیر برای ارزش‌یابی پیشرفت تحصیلی در نظر گرفته شده است:

۱. به صورت مستمر تصویری روشن و همه‌جانبه از موقعیت کنونی دانش آموز، فاصله‌ی او با موقعیت بعدی و چگونگی اصلاح آن متناسب با ظرفیت‌ها و نیازهای وی ارائه می‌کند.

۲. زمینه‌ی انتخاب‌گری، خودمدیریتی و رشد مداوم دانش آموز را با تأکید بر خودارزیابی فراهم می‌کند و... ضمن حفظ کرامت انسانی، کاستی‌های یادگیری را فرصتی برای بهبود موقعیت دانش آموز می‌داند.

۳. کاستی‌های یادگیری را فرصتی برای بهبود و اصلاح نظام آموزشی می‌داند.

براساس خصوصیات بیان شده، ارزش‌یابی پیشرفت تحصیلی این گونه تعریف می‌شود:

ارزش‌یابی پیشرفت تحصیلی، فرایند جامعی است که از طریق افراد ذی‌مدخل در فرایند یاددهی - یادگیری (مانند: مربی، برنامه‌ریز یا ارزش‌یابان و متربی) با بهره‌گیری از شیوه‌های متفاوت (مانند: ارزش‌یابی تشخیصی، ارزش‌یابی تکوینی، ارزش‌یابی مجموعی) و با استفاده از ابزارهای گوناگون (مانند: انواع آزمون‌های کتبی، شفاهی، عملی، خودارزش‌یابی، سیاهه مشاهده رفتار و ارزش‌یابی توسط همتایان) صورت می‌گیرد و با توجه به نتایج آن در مورد پیشرفت تحصیلی و میزان تحقق اهداف برنامه‌های درسی و تربیتی در متریبان و تغییرات ناشی از فرایند یاددهی - یادگیری براساس الگوی هدف‌گذاری درسی

و تربیتی برنامه درسی ملی، قضاوت می‌شود (مصوبه‌ی هفت‌صد و چهل و پنجمین جلسه‌ی شورای عالی آموزش و پرورش مورخ ۱۳۸۶/۲/۴).

اما در رابطه با به وجود آوردن محیطی شایسته و متناسب با نیازها، علایق و ویژگی‌های دانش آموزان سؤالات زیر در رابطه با ارزش‌یابی تحصیلی - تربیتی قابل طرح می‌باشد:

۱. ارزش‌یابی سنتی (امتحانات) چگونه می‌تواند قدرت انتخاب و خویش‌تن‌داری را در دانش آموزان تقویت کند و آنان به این مهم دست یابند؟

۲. چه رویکردی در واقع در نظام ارزش‌یابی تحصیلی - تربیتی کشور می‌تواند ضمن ایجاد خودباوری، اعتمادبه‌نفس، میل به مطالعه و یادگیری مادام‌العمر، خلاقیت و خودفرمان بودن (خودارزیابی) به حفظ کرامت انسانی دانش آموزان کمک نماید؟ (ایجاد و رشد شایستگی‌های پایه)

۳. عناصر و مؤلفه‌های فرایند آموزش و یادگیری با بهره‌گیری از چه رویکردی می‌توانند شایستگی‌های فردی و اجتماعی را در دانش آموزان به وجود آورند؟

۴. نظام ارزش‌یابی سنتی (حاکمیت ارزش‌یابی پایانی) تا چه میزان توانسته است بر مغز، قلب و دست دانش آموزان تأثیر داشته باشد؟

۵. کدام یک از روش‌ها و ابزارهای ارزش‌یابی تحصیلی - تربیتی قادرند در محیط‌های یادگیری گسترده بینش‌ها، مهارت و میزان شناخت دانش آموزان را مورد ارزش‌یابی قرار دهند؟

۶. آیا صرفاً به کارگیری ابزار سنتی آزمون مداد - کاغذی کرامت ذاتی و موقعیت یادگیری تعاملی را مورد تردید قرار نمی‌دهد؟

اصول حاکم بر ارزش‌یابی پیشرفت تحصیلی و تربیتی (برنامه‌ی درسی ملی جمهوری اسلامی ایران اسفند ۱۳۹۱)

برای نظام بخشی به تصمیمات درخصوص ارزش‌یابی تحصیلی و تربیتی در کلیه‌ی دوره‌های تحصیلی اصول زیر باید در نظر برنامه‌ریزان درسی و معلمان قرار گیرد:

- با استفاده از انواع روش‌ها و ابزارها، بتواند توانایی دانش آموزان را در بهره‌گیری از شایستگی‌های پایه در موقعیت‌های مختلف به صورت معنادار منعکس کند.

- با ارائه‌ی شواهد متنوع و کافی، امکان

قضاوت درخصوص سطح دست‌یابی دانش آموزان به اهداف برنامه‌ی درسی را تعیین نماید.

- به صورت منعطف و مستمر، با توجه به وجوه متفاوت یادگیری هر یک از دانش آموزان فرایند دستیابی به اهداف و چگونگی اقدام مؤثر را منعکس کند.

- با تأکید بر خودآگاهی، خودارزیابی و تصمیم‌گیری از سوی دانش آموزان، چگونگی جبران رفع کاستی‌ها و دست‌یابی به سطوح بالاتر شایستگی در هر یک از حوزه‌های یادگیری را تدارک ببیند.

- برای حفظ شأن و کرامت انسانی دانش آموزان و تقویت خودپنداره‌ی مثبت آنان از به کارگیری روش‌ها و ابزارهای ارزش‌یابی اضطراب‌آور و مأیوس‌کننده پرهیز شود.

- در فرایند ارزش‌یابی، نقش محوری و تصمیم‌سازی مدرسه و معلم در چارچوب سیاست‌های کلی آموزش و پرورش حفظ شود.

- با تأکید بر کار گروهی و فعالیت‌های جمعی و روش حل مسئله، وجه رقابت‌زایی یا رقابت‌جویی را به حداقل برساند و زمینه‌ی شکوفایی دانش آموزان را نیز فراهم کند.

- ارزش‌یابی به عنوان بخش جدایی‌ناپذیر فرایند یاددهی - یادگیری تلقی شده و از نتایج آن برای برنامه‌ریزی رشد حرفه‌ای معلمان و بهبود برنامه‌ی درسی و نظام آموزشی استفاده شود.

- با تأکید بر بهره‌گیری از تکالیف عملکرد در سنجش میزان دست‌یابی دانش آموزان به شایستگی‌ها و تلاش برای تحقق جامعه عدل مهدوی (عج) و دست‌یابی به مراتبی از حیات طیبه، گزارش عملکرد تحصیلی و تربیتی آنان با همکاری دانش آموز، اولیای مدرسه و والدین تنظیم و ارائه شود.

ضرورت ایجاد می‌کند با عنایت به اصول طرح شده در برنامه‌ی درسی ملی پیرامون ارزش‌یابی تحصیلی - تربیتی معماری جدیدی با هندسه‌ی نو و با بهره‌گیری از مفاهیم بنیادی در اسناد بالادستی (درباره‌ی ارزش‌یابی) به افق چشم‌انداز ۱۴۰۴ نزدیک‌تر شویم.

منابع

۱. آیین‌نامه‌ی ارزش‌یابی کیفی - توصیفی دوره‌ی ابتدایی، ۱۳۸۸
۲. برنامه‌ی درسی ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۱
۳. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۰

مطالعات اجتماعی وسؤالات آموزگاران



● منصور ملک عباسی
کارشناس ارشد گروه مطالعات اجتماعی

اشاره

مجموعه‌ی پرسش و پاسخ‌های زیر از آموزگاران دوره‌ی ابتدایی با یکی از کارشناسان گروه مطالعات اجتماعی دفتر برنامه‌ریزی و تألیف است. به نظر می‌رسد این سؤالات منتخب تا حدود زیادی به پرسش‌های نهان و آشکار آموزگاران این دوره پاسخ داده باشد و زمینه‌ای را نیز فراهم کند تا چنانچه سؤالات، ابهامات و پیشنهادهای دیگری از سوی همکاران و معلمان به دفتر مجله رشد آموزش ابتدایی برسد، در فضای پرسش و پاسخ مطرح و دنبال شود.

آموزگار: با تشکر از کلیه‌ی دست‌اندرکاران، برنامه‌ریزان و مؤلفان درس جدید مطالعات اجتماعی، این درس؛ کدام پایه‌های دوره‌ی ابتدایی را در بر می‌گیرد و جایگزین چه درسی است؟

کارشناس: با تشکر متقابل از آموزگاران که تدریس این درس را برعهده دارند، باید توجه داشته باشند که مطالعات اجتماعی جایگزین درس تعلیمات اجتماعی است و از پایه‌ی سوم تا پنجم ابتدایی چنین درسی ارائه می‌شده است و در نظام جدید آموزشی، طبیعی است که از سال سوم تا ششم ابتدایی درس مطالعات اجتماعی مطرح است.

آموزگار: درس مطالعات اجتماعی چه تفاوت‌هایی با درس تعلیمات اجتماعی دارد؟

کارشناس: این کتاب هم از نظر ساختار ظاهری و هم از نظر محتوایی و نیز از بُعد روش با کتاب تعلیمات اجتماعی تفاوت‌های زیادی دارد. در تعلیمات اجتماعی در پایه‌ی چهارم و پنجم ابتدایی، حوزه‌های تاریخ، مدنی و جغرافیا به صورت فصول مجزا از هم مطرح

شده است؛ در حالی که کتاب مطالعات جدید براساس برنامه‌ریزی تلفیقی طراحی و تألیف شده است که بیشتر صحبت خواهیم کرد. از نظر محتوایی با توجه به تغییرات حاصله در دهه‌های اخیر در جامعه، در محیط زندگی، در کشور و در سطح جهان، ضرورت بازنگری اقدامی اجتناب‌ناپذیر است و از جنبه‌ی روشی در ارائه‌ی طرح درس‌های این کتاب آموزگاران نیازمند به تغییر مدل‌های تدریس خود نیز هستند و روش‌های تدریس فعال و دانش‌آموز محور در نظر برنامه‌ریزان است.

آموزگار: در مورد برنامه‌ریزی تلفیقی بیشتر توضیح دهید.

کارشناس: تعلیمات اجتماعی در دوره‌ی ابتدایی یک کتاب ولی با فصول مجزا از هم تاریخ، جغرافیا و مدنی ارائه می‌شد و حتی در دوره‌ی راهنمایی برای سه حوزه‌ی مذکور سه کتاب جداگانه به نام درس تاریخ، درس جغرافیا و درس اجتماعی تألیف و تدریس شد. حال آنکه در نظام جدید آموزشی و در دوره‌ی اول متوسطه هم درس مطالعات اجتماعی در سه پایه دانش‌آموزان و آموزگاران هر سال با یک عنوان درس روبه‌رو هستند ولی

مفاهیم سه حوزه‌ی ذکر شده به شکل تلفیقی بیان می‌شود، مثلاً بحث خانواده یک بحث اجتماعی است، اعضای خانواده، ابعاد خانواده و... لیکن در همین بحث و درس می‌توان شکل خانواده در گذشته را نیز مورد بحث قرار داد (تاریخ). در ادامه، خانه و خانواده در موقعیت‌های جغرافیایی، قطب، منطقه‌ی استوا، خانواده در نواحی کوهستانی و... (جغرافیا) مورد مطالعه قرار می‌گیرد می‌توان موضوعاتی را یافت که در زندگی ما انسان‌ها، از جنبه‌های گوناگون قابل طرح باشند. اگر کمی دقت کنید می‌بینید که اصولاً زندگی ما انسان‌ها، مزوج و تلفیقی از موضوعات اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، جغرافیایی، تاریخی و... است. لذا برنامه‌ریزی تلفیقی در مطالعات اجتماعی به نحوه‌ی زندگی ما انسان‌ها بسیار نزدیک‌تر است تا اینکه از آموزگار و دانش‌آموز بخواهیم در این ساعت فقط به جغرافیا فکر کنند، در ساعتی بعد تاریخی فکر کنند و حالا در این ساعت موضوعات اجتماعی را بررسی کنند. خوش‌بختانه این گونه تلفیق موضوعی را در چندین کشور دیگر سراغ داریم و ما در بحث‌های کارشناسی خود آن‌ها را نیز مطالعه کرده‌ایم.

این درس در کشورهای مختلف با عنوان «social studies» مطرح است و در ایران با عنوان «مطالعات اجتماعی» وارد نظام درسی کشور شده است.

آموزگار: معلوم شد که از سال سوم ابتدایی تا ششم و از سال هفتم تا نهم دوره‌ی اول متوسطه ما درسی به عنوان مطالعات اجتماعی به شکل تلفیقی خواهیم داشت. ممکن است بفرمایید تاکنون برای چه بایدهایی کتاب نوشته شده و یا در دست تألیف است؟

کارشناس: اولین کتابی که در این حوزه به رشته‌ی تحریر درآمد یک سال در ۱۹ مدرسه‌ی ابتدایی شهر تهران و شهرستان‌های آن به شکلی آزمایشی تدریس شد و نتایج آن مورد بررسی گروه مطالعات اجتماعی قرار گرفت، کتاب مطالعات اجتماعی سال سوم ابتدایی بود که جایگزین کتاب تعلیمات اجتماعی سوم (خانواده‌ی آقای هاشمی) شد. البته داستان آقای هاشمی هم نوعی تلفیق بین چند حوزه بود که از این جهت کتاب تألیفی جدید به آن نزدیک است.

علاوه بر این، برای سال ششم ابتدایی نیز کتاب دیگری نوشته شد که از سال تحصیلی ۹۱-۹۲ در مدار آموزش قرار گرفت و در سال تحصیلی جدید ۹۳-۹۲ هم کتاب جدیدالتألیف سال هفتم و نیز کتاب مطالعات اجتماعی سال سوم ابتدایی در اختیار دانش‌آموزان و آموزگاران این دو پایه قرار می‌گیرد.

بدیهی است کتاب‌های مذکور در حین تدریس، کاستی‌های خود را بهتر نشان می‌دهند که در چاپ بعدی در سال‌های آینده برطرف خواهد شد. گروه مطالعات اجتماعی در تدارک تألیف کتاب‌های سال چهارم ابتدایی و هشتم متوسطه خواهد بود. لازم به ذکر است که در برنامه‌ریزی درس این حوزه (مطالعات اجتماعی) که از سال‌های اواخر دهه‌ی هشتاد آغاز شده، برنامه‌ی کلی مطالعات اجتماعی اهداف، حوزه‌ها، رویکردها، عناصر و مؤلفه‌ها

تدوین شده و مورد اعتباربخشی صاحب‌نظران، استادان و گروهی از آموزگاران قرار گرفته است و در حال حاضر ما در حال تولید محتوای کتاب درسی برای هر سال تحصیلی هستیم.

آموزگار: سرفصل دروس این کتاب‌ها چیست و در آن‌ها درباره‌ی چه موضوعاتی صحبت به میان آمده است؟

کارشناس: اشاره کردیم که این درس، حوزه‌های مختلفی را که به هم ارتباط دارند، دربرمی‌گیرند و در مجموع، درباره‌ی پنج موضوع راهبردی صحبت به میان آمده است که عبارت‌اند از:

۱. «زمان - تداوم - تغییر»: که گویای مباحث مربوط به تاریخ، تغییرات و استمرار وقایع در طول یکدیگر در بُعد زمان است.
۲. «فضا و مکان»: که مباحث جغرافیایی، موقعیت مکانی، تغییرات در محیط‌های مختلف از محیط کوچک خانه، مدرسه، محله، شهر، کشور تا جهان را دربرمی‌گیرد.
۳. «نظام اجتماعی»: که نظام اولیه‌ی خانواده، سازمان‌ها، نهادها، دولت و... را تحت پوشش دارد.

۴. «فرهنگ و هویت»: که به مباحث هویت‌سازی و فرهنگ‌شناسی از شناخت

خود تا خانواده، دوستان، مردم، ملت و... توجه دارد.

و بالاخره راهبرد موضوعی یا آخر که «منابع و فعالیت‌های اقتصادی» مباحثی چون تولید، ثروت، کار، اشتغال و مصرف را مطرح می‌کند. با اندکی دقت معلوم می‌شود که جمع همه‌ی این مباحث همان زندگی شخصی و اجتماعی و تعاملات ما انسان‌ها بر روی کره‌ی زمین و در قالب یک ملت در طول زمان است. اگر مطالعات اجتماعی درباره‌ی این مباحث بحث و گفت‌وگو می‌کند، این آموزش را در کلاس همراه با مشارکت، کارگروهی برقراری ارتباط با یکدیگر، خلاقیت، بررسی و کاوش و واکنش‌های تخصصی به دانش‌آموزان می‌دهد و از این رو پس از یک دوره‌ی آموزشی دانش‌آموزان به چنین مهارت‌هایی دست می‌یابند. یقیناً آموزش‌های این پنج راهبرد موضوعی، توأم با مهارت‌های ذکر شده دانش‌آموز را به یک نگرش خاص رهنمون می‌سازد که در آن حس اعتمادبه‌نفس، خودتکایی، حقی‌طلبی، عدالت‌جویی و میهن‌دوستی در نهاد او شکل می‌گیرد و پایدار می‌ماند.



تعریف دفاع مقدس در نگاه نسل چهارم انقلاب با استفاده از تدریس گروهی

● علیرضا شیخ‌الاسلامی
دبیر مطالعات اجتماعی پایه‌ی ششم

آزادگان و ایثارگران

محمدرضا حشمتی از استادان دانشگاه و ایثارگران گرانقدر دفاع مقدس و نمونه‌های بارز شهروندان جامعه‌ی ما از معلمان دبستان مفید است. باتوجه به تحقیقات گسترده‌ای که در موضوع آزادگان دارد، برای دانش‌آموزان پایه‌ی ششم در کلاس مطالعات اجتماعی صحبت کرد. او که خود از رزمندگان دفاع مقدس است و پژوهش‌هایش در موضوع «آموزش در دوران اسارت آزادگان» انجام داده، از منظر جدید و جذابی برای دانش‌آموزان، به نحوه‌ی آموزش و تحصیل آزادگان سرفراز با تمام مشقت‌ها و خطرات در دوران اسارت پرداخت.

پایان‌بخش این اقدامات برایی نمایشگاه عکسی از خرمشهر در راهروهای مدرسه بود که اطلاعات کامل و جامعی از منابع گوناگون پیرامون آزادسازی خرمشهر به دانش‌آموزان داد و باعث شد آن‌ها با اشتیاق و رغبت فراوان به تماشای عکس‌ها بپردازند.

به این ترتیب پی بردیم که دغدغه‌ی توجه به موضوع مهم دفاع مقدس در ذهن این دانش‌آموزان شکل گرفته است و ادامه‌ی مسیر یقیناً منجر به آن خواهد شد که این نسل ارتباط خود را با مفاهیم ارزشی این دوره‌ی پرافتخار از کشورمان ایجاد کند و موجبات انتقال پیام شهدای گرانقدر به جامعه، بیش از پیش میسر گردد.

پی‌نوشت
team teaching .1

بخش‌هایی از «مستند دفاع مقدس» که در واحد مرکزی خبر صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران تهیه شده است، پخش گردید. بخش‌هایی نظیر آغاز جنگ تحمیلی، اشغال و آزادسازی خرمشهر به‌ویژه باتوجه به فیلم‌های کمیاب مستند مورد توجه دانش‌آموزان قرار گرفت و باعث شد در فضای موضوع قرار بگیرند و موضوعات آن به‌وسیله‌ی معلم مطالعات اجتماعی به بحث و تحلیل گذاشته شد.

در قدم بعدی مدیریت مدرسه، با حضور در کلاس مطالعات اجتماعی به بیان خاطرات خود از دوران جنگ تحمیلی و تأکید بر نقش دانش‌آموزان و نوجوانان به‌ویژه شهید **محمدی** به‌عنوان شهید نوجوان خرمشهر پرداخت که مورد استقبال دانش‌آموزان واقع شد. سپس برای دانش‌آموزان بازدیدی از «باغ موزه‌ی دفاع مقدس» ترتیب داده شد که باتوجه به جلوه‌های هنری و زیبایی‌های درخور توجه این موزه، دانش‌آموزان بیش از پیش نسبت به موضوع دفاع مقدس جذب شدند. حتی دانش‌آموزان در گزارش‌هایی که بعداً از بازدید موزه ارائه دادند، تشنگی بیش از پیش خود را برای دانستن تاریخ جنگ تحمیلی آشکار ساختند. مجموعه‌ی مدارس مفید، نزدیک به ۷۰ شهید تقدیم انقلاب اسلامی کرده است و آشنایی دانش‌آموزان با شهدای مدرسه می‌تواند در شناخت برنامه‌های مطالعات اجتماعی مفید واقع شود.

با گذشت نزدیک به ۲۵ سال از پایان جنگ تحمیلی، در شرایط کنونی انتقال مفاهیم ارزشمند و بنیادین این حادثه‌ی عظیم تاریخی به نسل‌های جدید جامعه اهمیت‌ی دوچندان یافته است. لذا در تألیف و نگارش کتاب «مطالعات اجتماعی پایه‌ی ششم» دبستان در فصل ۱۲ به موضوع «آزادی خرمشهر» پرداخته شده است و دبستان مفید منطقه‌ی دو نیز این فرصت را مغتنم شمرد تا از این طریق، معرفت دانش‌آموزان را نسبت به موضوعات دفاع مقدس افزایش دهد. به همین جهت شیوه‌ی تدریس گروهی^۱ برای این کار انتخاب شده تا با اهداف خاصی به این گروه سنی انتقال یابد. تدریس گروهی به روشی اطلاق می‌شود که چندین معلم برای بهبود کار تدریس با یکدیگر همکاری و در راستای یک هدف آموزشی حرکت می‌کنند. آنان به‌شکل جمعی طرح می‌ریزند و هر موضوع درسی را به چند بخش تقسیم می‌کنند. این عده که شامل گروهی از معلمان هستند، اطلاعات دانش‌آموزان را تحلیل کرده و درباره‌ی هدف‌های آموزشی آنان تصمیم می‌گیرند. با این روش، هر معلم احساس می‌کند که از همکاران خود و ویژگی‌ها و اطلاعات آنان بهتر استفاده کرده است و به‌صورت گروهی به مطلوب خود دست یافته‌اند. این روش با همراهی گروه ۴ نفره‌ای از معلمان مدرسه انجام شد. به همین منظور ابتدا برای دانش‌آموزان



دانا

معرفی طرح دانا از مهدی رمضانی متین، آموزگار از قم

با این مدیر آموزگار پیشتر در شماره‌ی هشت مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی در سال ۱۳۸۶ آشنا شده‌ایم. در آن زمان فعالیت‌های او به‌حدی بود که دست‌اندرکاران مجله تصمیم گرفتند تجربه‌های وی را در مجله منعکس کنند.

بله، از **مهدی رمضانی متین** کارشناس تکنولوژی و گروه‌های آموزشی فعلی قم می‌گوییم که در کلاس چندپایه‌ی روستایی در مؤمن‌آباد قم در پایه‌های اول و پنجم درس می‌داد و از تجربه و علاقه‌ی بچه‌های پایه‌های بالاتر در تدریس به پایه‌های پایین‌تر استفاده می‌کرد. او حتی انشای یکی از دانش‌آموزان خود به‌نام مهرداد سعدوند را فرستاده بود و می‌خواست نظر مسئولان مجله را هم بداند. مسئولان مجله نیز همراه نامه‌ی چند جلد کتاب به‌عنوان هدیه برای مهرداد فرستادند. او هم در جواب

رمضانی متین معتقد است: «با اجرای روش او دانش‌آموزان در یادگیری حروف و نشانه‌ها از جزء به کل می‌روند و نماد دانا دانش‌آموزان را با آموزگار همراه می‌کند.»

زحمات شما تشکر کنم. کتاب‌خانه‌ی رمضانی متین، که مدیر مدرسه است، کم است... اگر می‌توانید کاری کنید تا باشد، به دبستان روستای ما بدهند.»

نوشت: «سلام... نمی‌دانم چگونه از مدرسه‌ی ما با زحمت‌های آقای کتاب‌های خوبی دارد اما تعدادشان کتاب‌های بیشتری که مناسب سن ما

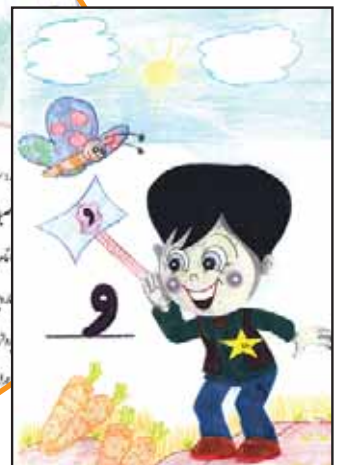
این همکار فعال همچنان با

و علاقه‌مندی خود را به مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی نشان می‌دهد و به‌تازگی نیز تجربه‌ها و نتیجه‌ی کارهای کلاسی دیگری از خود را برای ما فرستاده است. در هر حال رمضانی متین یکی دیگر از طرح‌های خود به نام «دانا» را فرستاده و در توضیح آن نوشته است: «توسازی و بازیابی محتوای کتاب‌های آموزشی مطابق با تحولات روزافزون اجتناب‌ناپذیر است و ما شاهد تغییرات شایسته‌ای در پایه‌ی اول و کتاب‌های فارسی و ریاضی هستیم. کتاب‌های اخیر تا اندازه‌ای توانسته است روحیه‌ی هم‌یاری و همکاری را در دانش‌آموزان و به همت آموزگاران قوت بخشد.»

رمضانی متین با سیزده سال سابقه‌ی تدریس در پایه‌ی اول، در تدریس نشانه‌های دروس فارسی نوعی خستگی در دانش‌آموزان می‌بیند و به‌همین

دلیل به فکر اجرای طرحی می‌افتد. وی درباره‌ی مزایای طرح خود می‌گوید: «این طرح برخلاف روش‌های سنتی قبلی در دانش‌آموزان انگیزه ایجاد می‌کند، روحیه‌ی شادی و نشاط ناشی از همکاری به‌وجود می‌آورد و با اهمیت دادن به ذوق و سلیقه‌ی دانش‌آموزان آن‌ها را به فراگیری اخلاق نیکو رهنمون می‌شود.»

مبتکر طرح دانا معتقد است: «با اجرای روش او دانش‌آموزان در یادگیری حروف و نشانه‌ها از جزء به کل می‌روند و نماد دانا دانش‌آموزان را با آموزگار همراه می‌کند.»



معلم زابلی

مدیر مدرسه‌ی قائم از خاطرات و تجربه‌هایش می‌گوید

● سمانه آزاد

عکس: رضا بهرامی

اشاره

در سال ۱۳۱۴ در یکی از روستاهای اطراف زابل به دنیا آمده است. از همان دوره‌ی کودکی و بعد از گذراندن دوره‌ی مکتب‌خانه در حضور مادر بزرگش، علاقه به معلمی در وجودش شکل گرفته تا اینکه بالاخره در سال ۱۳۳۶ به عنوان آموزگار وارد کلاس درس شده است. اگرچه بعد از گذشت بیش از پنجاه سال هنوز نمی‌داند چه کسی او را به مدیر مدرسه‌ی اسلامی قائم معرفی کرده است! آموزگار داستان ما برخلاف میلش در سال ۱۳۵۲ معلمی را رها می‌کند اما خاطره‌ها و تجربه‌هایش را نه. او مدتی پیش نوشتن خاطراتش را آغاز کرده است تا آن‌ها را در اختیار آموزگاران جوان قرار دهد اما پیش از آن ما به سراغش رفتیم تا از دوران معلمی، تجربه‌ها و شیرینی‌های آن دوران برایمان بگوید. اکنون غلامرضا حدادی از آن روزها می‌گوید.

هم به عنوان سرپرست شبانه‌روزی تربیت معلم شهید باهنر و شهید هاشمی‌نژاد فعالیت کردم. تا سال ۱۳۵۲ در آموزش و پرورش خدمت کردم اما در این سال به اجبار و به علت اینکه ساواک اجازه نمی‌داد در آموزش و پرورش استخدام شوم با کارنامه‌ی قبولی استخدام ادواری وارد سازمان اوقاف شدم.

● چرا ساواک و اداره‌ی امنیت اجازه نمی‌داد؟

در پایه‌ی پنجم متوسطه باید انشایی درباره‌ی نقش شاه در جامعه می‌نوشتیم. من هم که از واقعه‌ی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ دل خوشی از نظام نداشتم، قلم را آزاد گذاشتم. قلم هم هرچه دلش خواست نوشت. در آن سال من که درس عربی سال ششم را نیز تدریس می‌کردم، عربی را صفر شدم! در واقع نمره‌ی صفر به من دادند. در انشا هم همین اتفاق افتاد و در نهایت مرا مرود کردند. این انشا وارد پرونده‌ی من شد و زمانی که می‌خواستم به استخدام رسمی آموزش و پرورش درآیم، ساواک مخالفت می‌کرد.

● پس به سازمان اوقاف رفتید و

ابوالفتح دور هم جمع شده بودیم و از خاطراتمان می‌گفتم که آقایی شبک‌پوش و خوش‌قیافه وارد شد. ما به احترامش بلند شدیم. او پرسید: «حدادی کدام‌یک از شما هستید؟» دوستان به من اشاره کردند. گفت: «ما به آموزگار کلاس دوم نیاز داریم و شما را به ما معرفی کرده‌اند. آیا حضری این کار را قبول کنی؟» گفتم: «من تجربه‌ای در این زمینه ندارم. چه کسی مرا معرفی کرده است؟» جواب داد: «شما به معرف کاری نداشته باش؛ به موضوعی که پیشنهاد دادم فکر کن.» از او مهلت خواستم تا در این باره فکر کنم. او که خودش را لطفی، مدیر دبستان اسلامی قائم معرفی کرده بود پذیرفت و کاغذی را که نشانی دبستان روی آن نوشته شده بود به من داد و خداحافظی کرد.

همه‌ی دوستانم مرا به قبول این کار تشویق کردند. من هم کار را پذیرفتم و خودم را به مدرسه معرفی کردم و با ماهی هشتصد ریال در سال ۱۳۳۶ وارد مدرسه شدم. مدت شانزده سال در مدارس ابتدایی اسلامی و ملی تهران معلم بودم. وقتی بچه‌ها ورزش داشتند، به یک مدرسه‌ی راهنمایی می‌رفتم و ادبیات درس می‌دادم. دو سال

● با وجود اینکه سال‌هاست دیگر معلم نیستید، با نوشتن خاطره‌هایتان نشان دادید که هنوز به معلمی و انتقال تجربه‌ها علاقه دارید. این علاقه از کی در شما به وجود آمد؟

حدود هفتاد سال قبل که کلاس اول دبستان بودم علاقه به شغل معلمی در من ایجاد شد. در آن زمان پدرم که تنها باسواد روستا بود، مرا وادار می‌کرد درس‌های مدرسه را پیشاپیش بخوانم. معلم وقتی می‌دید که من این کار را کرده‌ام، کلاس را به من تحویل می‌داد تا مطالب را به بچه‌ها یاد دهم. ما در روستا زندگی می‌کردیم و هم بچه‌های خان و هم بچه‌های مردم عادی در همان مدرسه درس می‌خواندند. وقتی برایشان معلمی می‌کردم احساس استقلال داشتم و رؤیای معلمی را در ذهنم می‌پروراند. در واقع من معلمی را انتخاب کردم نه معلمی من را!

● چه طور شد که به رؤیای کودکی‌تان رسیدید؟

سال ۱۳۳۶ بود که معلم شدم. یک روز بعد از ظهر با دوستانمان در مدرسه‌ی علمیه حاج

در پایه‌ی پنجم متوسطه باید انشایی درباره‌ی نقش شاه در جامعه می‌نوشتیم. من هم که از واقعه‌ی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ دل خوشی از نظام نداشتیم، قلم را آزاد گذاشتم. قلم هم هرچه دلش خواست نوشت. در آن سال من که درس عربی سال ششم را نیز تدریس می‌کردم، عربی را صفر شدم! در واقع نمره‌ی صفر به من دادند

بازنشسته‌ی این سازمان هستید؟

بله. سال ۱۳۶۵ هم بازنشسته شدم. از سال ۱۳۷۲ تا ۱۳۸۸ هم در وزارت بازرگانی مسئول امور شهدا و ایثارگران بودم. بعد هم به‌عنوان مشاور وزیر فعالیت می‌کردم.

• چه شد که نوشتن خاطرات را شروع کردید؟

علاقه‌ای که به معلمی و بچه‌ها داشتم و دارم. حتی هنوز هم وقتی از جلوی مدرسه‌ای رد می‌شوم و بچه‌ها را می‌بینم، خوشحال می‌شوم.

• معلوم می‌شود شما از آن دست معلمانی بوده‌اید که محبت بی‌دریغی به دانش‌آموزان دارند.

من برای اینکه بچه‌ها به درس خواندن علاقه‌مند شوند، درس را با چاشنی محبت و احترام ارائه می‌دادم. این محبت بود که بچه‌ها را وادار می‌کرد درس بخوانند و چه در درس و چه در ادب بهترین باشند و نمونه شوند. هیچ‌وقت هم بالحن توهین آمیز با بچه‌ها صحبت نکردم. همین باعث شده بود بچه‌ها درس خواندن را دوست داشته باشند و با دانش‌آموزان کلاس‌های دیگر

متفاوت باشند. روزی بازرس آموزش و پرورش به دبستان برهان مجرد در خیابان خراسان - جایی که تدریس می‌کردم - آمده بود. مدیر مدرسه او را به طبقه بالا برده و گفته بود شاگردان آقای حدادی را می‌توان از رفتار و پوشششان در میان بچه‌های دیگر تشخیص داد.

• چه کار کرده بودید که دانش‌آموزان شما تفاوت داشتند؟

من همیشه قبل از بچه‌ها به کلاس می‌رفتم. وقتی بچه‌ها وارد می‌شدند با همه‌شان دست می‌دادم و احوال‌پرسی می‌کردم. بعد از اینکه می‌نشستند به چهره‌هایشان دقت می‌کردم و اگر کسی را ناراحت و افسرده می‌دیدم بعد از اتمام کلاس با او صحبت می‌کردم که مبادا از من ناراحت باشد. در نهایت هر مشکلی که دانش‌آموز داشت، با والدینش مطرح می‌کردم تا نگرانی دانش‌آموز برطرف شود. بعد از آخرین کلاس هم با تک‌تک بچه‌ها دست می‌دادم و برایشان آرزوی خوشبختی و سعادت می‌کردم.

• در کلاس از چه روشی برای تدریس استفاده می‌کردید؟

اولین کاری که انجام می‌دادم گروه‌بندی دانش‌آموزان بود؛ به‌طوری که هر ردیف از کلاس باید یک سرگروه را انتخاب می‌کرد. سرگروه‌ها باید دانش‌آموزانی را انتخاب می‌کردند تا همه‌ی شاگردان عضو یکی از گروه‌ها باشند. هر سرگروه باید تخته‌ی امتیازی را برای امتیازهای مثبت و منفی در کلاس نصب می‌کرد. هر کار مثبت و هم‌چنین منفی گروه به‌عنوان یک امتیاز برای کل گروه در نظر گرفته می‌شد. این کار بسیار نتیجه بخش بود. در آخر هر ماه هم به گروه موفق جایزه می‌دادیم. الان هم اگر وارد کلاس شوم، همین کار را ادامه می‌دهم.

• در دوران معلمی تان با دانش‌آموزی که مشکل اخلاقی یا رفتاری داشت، چگونه برخورد می‌کردید؟

من در دوران تدریس با این مشکلات بسیار درگیر بودم. به یاد دارم وقتی در دبستان ابوذر جوادیه تدریس می‌کردم، یکی از شاگردان کلاس بزرگ‌تر از بقیه‌ی بچه‌ها بود. در مدارس اسلامی سن بچه‌ها در کلاس متفاوت بود؛ چون به دلیل ترحمی که داشتند هر سنی را می‌پذیرفتند. این دانش‌آموز هم قوی‌هیکل بود هم زورگو و بددهان. روزی مادرش به مدرسه آمد و با من درباره‌ی فرزندش صحبت کرد و از من چاره خواست. مدتی فکر کردم که چگونه باید این دانش‌آموز را از راهی که می‌رود برگردانم تا اینکه به نتیجه رسیدم. یک روز از او پرسیدم: «آیا می‌خواهی مبصر کلاس

شاید نویسنده‌ی این کتاب‌های داستان را بشناسید: «شهرهای بدون نردبان»، «درخت و دختر»، «دفتر کوچولو و سایه‌اش»، «قصه‌ی یک سیاره‌ی قشنگ»، «خانواده‌ی ۱۸ نفره»، «دشت قرمز قرمز» و «لالایی موش‌ها». بله این‌ها از آثار تهمینه حدادی، دختر معلم زابلی است. به گفته‌ی او، پدر در خانه نه معلم بلکه مشاور بوده و البته هیچ‌گاه نسبت به تحصیل وی و خواهرانش سخت‌گیری نشان نداده است. شاید به‌دلیل همین ویژگی همراه با مراقبت باشد که خلاقیت تهمینه حدادی در زمینه‌ی داستان‌نویسی شکوفا شده است.





یکی دیگر از دختران آقای حدادی نیز موفقیت‌های بسیاری در زمینه‌ی تصویرگری کسب کرده است. **هدی حدادی** که نویسنده و شاعر هم هست، تا به حال جوایز معتبری هم چون **افق‌های تازه‌ی بولونیا** را در زمینه‌ی تصویرگری کتاب‌های کودک و نوجوان از آن خود کرده و همراه با احمد رضا احمدی نامزد دریافت جایزه‌ی معتبر **آسترید لیندگرن** شده است.

از کتاب‌هایی که تصاویر هدی بر آن‌ها نقش بسته است می‌توان به این موارد اشاره کرد: «**بی‌سیم‌چی کوچک**»، «**سرود لاله و سرو**»، «**آلبالوهای بهشت رسیده‌اند**»، «**دو دوست**»، «**دزد یک چشم و شاه‌خل‌ها**»، «**فقط ماه مال من نبود**» و «**بادکنک به شرط چاقو**».

بگویید.

تازه معلمی را شروع کرده بودم و به این فکر می‌کردم که چگونه کلاس را اداره کنم. تنها راهی که به ذهنم رسید، استفاده از محبت بود. بچه‌ها ابتدا باید مرا به‌عنوان دوست می‌پذیرفتند تا به اهداف آموزشی خود می‌رسیدم. **حسن قامتی** یکی از شاگردان محبوب بود که هم من و همه‌ی مسئولان مدرسه دوستش داشتیم. زمانی میان من و مدیر مدرسه کدورتی پیش آمد و من مدرسه را ترک کردم. چند بار مدیر به سراغم آمد اما بازنگشتم تا اینکه روزی با پدر حسن به سراغم آمد و خواست که به مدرسه برگردم اما من قبول نکردم. سپس نگاهی به پدر حسن انداخت و با نگاه به او فهماند که حرف بزنند. پدر حسن از من پرسید: «آیا حسن را دوست داری؟» گفتم: «بله.» گفت: «از وقتی شما مدرسه را ترک کرده‌اید، حسن بیمار شده است. در خانه خوابیده است و نه غذا می‌خورد و نه مدرسه می‌رود. به چند دکتر مراجعه کردیم اما نتیجه نگرفتیم. او را پیش یک متخصص معروف بردم. دکتر وقتی با حسن صحبت کرد به من گفت تنها راه بهبودی فرزندت بازگشت معلمش است و هیچ راه دیگری ندارد. حالا اگر حسن را دوست داری به مدرسه برگرد.» من به‌خاطر حسن به مدرسه رفتم. مدتی که گذشت، دیدم حسن به کلاس آمد و خود را در آغوشم انداخت. بعد از این ماجرا پدرش برایم تعریف کرد که محض اینکه به حسن گفتم معلمت به مدرسه آمده است، چنان از جایش بلند شد که انگار اصلاً مریض نبوده و دوان‌دوان خود را به مدرسه رساند. هیچ‌وقت لحظه‌ای که او خود را در آغوشم انداخت، فراموش نمی‌کنم.

معلمشان و نتیجه‌ی خوبی هم داشت. معلم باید عاشق تدریس، بچه‌ها و آموزش‌وپرورش باشد. با روان‌شناسی کودکان و مشکلات آن‌ها آشنایی داشته باشد. آگاهی تنها کفایت نمی‌کند؛ باید عشق هم باشد. خیلی از مشکلات در سایه‌ی عشق به معلمی حل می‌شود. از طرفی همه‌ی بچه‌ها نزد من یکسان و عزیز هستند.

● **کمی از گذشته به حال بیایم. آموزش و پرورش امروز را چگونه می‌بینید؟**
الان متأسفانه متون درسی در میان دانش‌آموزان طرف‌دار ندارد. مادر کتاب‌های درسی چیزی را می‌نویسیم که خودمان می‌خواهیم. کتاب را برای معلمی که قرار است آن را تدریس کند، نمی‌نویسیم. معلم باید در تدوین کتاب‌های درسی نقش داشته باشد. چون اوست که با کتاب سروکار دارد و اشکالات متون درسی را می‌داند. هم‌چنین در تدوین کتاب باید به تفاوت فرهنگ‌های گوناگون کشور توجه داشت. ما نمی‌توانیم به‌خاطر کنکور همه‌ی متون درسی را یکسان کنیم. از سوی دیگر، معلمان هم دغدغه‌ی معیشتی دارند. در حالی که معلم نباید جز تدریس فکری داشته باشد. این موضوع باید اصلاح شود.

● **با وجود این مشکلات، آیا اگر به گذشته برگردید باز هم معلمی را انتخاب می‌کنید؟**

بله؛ به‌خاطر عشقی که به بچه‌ها دارم و شیرینی به ثمر نشستن تلاش‌ها. من از همه‌ی کلاس‌هایم راضی بودم. همه‌ی خاطراتم در ذهنم هستند. حتی از خاطرات بدی که داشتم در سایه‌ی خاطرات خوش چشم‌پوشی کرده‌ام.

● **حالا که حرف از خاطرات شد، از شیرین‌ترین خاطره‌ی دوران معلمی‌تان**

باشی؟» با تعجب پرسید: «من؟» گفتم: «بله، شما. مگر شما با دیگران چه فرقی داری؟ خداوند تو را مانند دیگران آفریده است و اگر دوست نداشت تو را نمی‌آفرید. خداوند تو را خلق کرده و به‌دلیل آفرینش تو به خودش آفرین گفته است. تو انسان مهمی هستی فقط قدر خودت را نمی‌دانی.»

پرسید: «آقا شوخی می‌کنید؟» گفتم: «من کاملاً جدی هستم. اگر می‌خواهی مبصر کلاس باشی اعلام کن تا برنامه‌ریزی کنم.» او هم پذیرفت چون همه‌ی بچه‌ها دوست دارند که مبصر کلاس باشند. من این موضوع را در شورای معلمان مطرح کردم. همه از این تصمیم تعجب کردند و قرار شد با مسئولیت خودم این کار را انجام دهم. با آن شاگرد صحبت کردم و گفتم مبصر شدن شرایطی دارد. به او گفتم بعد از من معلم کلاس تو هستی یعنی مقام معلمی داری.

روز بعد دیدم به حمام رفته و لباس خوب و مرتبی پوشیده است و من هم او را به عنوان مبصر به بچه‌ها معرفی کردم و به دانش‌آموزان دیگر گفتم زمانی که من نیستم، ایشان معلم شما خواهند بود.

این کار معجزه‌آسا بود. چون در آخر سال به‌عنوان شاگرد نمونه‌ی مدرسه معرفی شد. دانش‌آموز کتیف، زورگو و بی‌نظم تبدیل به دانش‌آموز نمونه شد. این معجزه‌ی احترام به دانش‌آموز است.

● **از سخنانتان این‌طور برداشت می‌کنم که به اعتقاد شما در کنار روش تدریس مناسب این محبت و احترام است که در نتیجه‌ی مطلوب تأثیر می‌گذارد؟**

بله. من اول دوست بچه‌ها بودم بعد

قدم‌های نویسنده‌گی به قلم آموزگار

● عبرت‌الله صدری
آموزگار، تالش

مختلف به‌ویژه مساجد، طبیعت، محل نگهداری گیاهان و جانوران اهلی و یا باغ‌وحش ببریم. در آن محیط‌ها باید فضایی را به‌وجود بیاوریم که کودکان بتوانند نقاشی کنند. هر بار که کودک یک یا چند نقاشی در رابطه با موضوعی می‌کشد، در مورد آن با کودک حرف می‌زنیم و از او در زمان صحبت کردن از فعالیت خودش فیلمی تهیه می‌کنیم. در این مرحله است که متوجه می‌شویم کودک به دنبال تجربه کردن چیزهای جدیدی است که در ذهن دارد و می‌خواهد مطالب جدید را به آندوخته‌های قبلی خود اضافه کند. در ماه‌های بهمن و اسفند که اکثر نشانه‌ها را خوانده‌ایم، کم‌کم به او کمک می‌کنیم که گفته‌های خودش را در مورد نقاشی‌ای که قبلاً کشیده یا طراحی کرده است، بنویسد.

کتاب مصور

تا این‌جا کودک ما کتابی مصور با یک داستان کوتاه به‌وجود آورده و از خواندن آن و اینکه قدرت نوشتن و بیان خود را دارد، خشنود است. این موضوع او را آن‌چنان تشویق می‌کند که گویی کار عظیمی انجام داده است. در مرحله‌ی بعدی باید به کودک کمک کنیم که از منابع مختلف و آثار دیگران که در دسترس او هستند، کمک بگیرد.

کمک نویسنده

در این مرحله به دانش‌آموز یادآور می‌شویم که می‌تواند در نوشتن از کتاب‌ها، دوستان، پدر، مادر، هم‌کلاسی‌ها و کتاب‌خانه کمک بگیرد. دانش‌آموز با بیان احساسات و عواطف خود در واقع گنجینه‌ی لغاتش را افزایش می‌دهد و مفاهیم کتاب‌ها را راحت‌تر درک می‌کند. این‌جاست که متوجه می‌شویم سخن گفتن به نوشتن تبدیل شده است و می‌بینیم یک نویسنده‌ی کوچک در کنارمان ایستاده است.

آخرین مرحله‌ای که به کودک یاد می‌دهیم، مرحله‌ی بازنویسی است. به کودک می‌آموزیم که نکات غیرضروری را حذف و به‌جای آن‌ها و در صورت نیاز مطالبی را اضافه کند.

یکی از مشکلات دانش‌آموزان ما ناتوانی در نوشتن است. مدت‌هاست به این فکر افتاده‌ام که «چگونه می‌توانم دانش‌آموزان را به نوشتن علاقه‌مند سازم و آن‌ها را نویسنده بار بیاورم؟» از خود می‌پرسم: «از چه راه‌هایی می‌توانم انگیزه‌ی نویسنده‌گی را در آنان به‌وجود آورم تا مهارت لازم را پیدا کنند؟» با توجه به تحقیقی که انجام دادم، به این نتیجه رسیدم که کودک قبل از اینکه در نوشتن مهارت لازم را کسب کند، در سخن گفتن و حرف زدن تواناست. یکی از راه‌هایی که کودک می‌تواند در نوشتن مهارت کسب کند این است که در مورد هرچه سخن می‌گوید، بنویسد. برای رسیدن به مهارت نوشتن، مرحله‌ی در نظر گرفته‌ام که عبارت‌اند از:

۱. مرحله‌ی نقاشی که کودکان آن‌چه را در ذهن دارند، نقاشی می‌کنند.

۲. بعد از مهارت پیدا کردن در نقاشی، نوبت مهارت سخن گفتن درباره‌ی نقاشی است. در نقاشی کودک را باید طوری راهنمایی کنیم که حول محور یک ایده نقاشی‌های متفاوتی بکشد. زمانی که متوجه شدیم از این طریق قدرت بیان کودک بهتر شده است و می‌تواند درباره‌ی نقاشی خود جمله‌هایی که در فکر و ذهنش دارد صحبت کند، نوبت مرحله‌ی ضبط صدا یا گرفتن فیلم در زمان سخن گفتن است.

۳. در این مرحله صدا یا فیلم را برای کودک پخش می‌کنیم. باید توجه کودک را به سمتی ببریم که در نقاشی او وجود دارد یا قبل از آن به کودک می‌گوییم: «به فیلم نگاه کن. اگر خواستی می‌توانی به جمله‌هایی که گفته‌ای، جمله‌هایی اضافه کنی.»

به این ترتیب متوجه می‌شویم که کودکان می‌توانند برای نقاشی خود داستان کوتاهی تعریف کنند. به آنان کمک می‌کنیم که با استفاده از تخیل خود قصه بگویند. ناگفته نماند که وقتی کودکان صحبت کردن خود را می‌شنوند و یا در فیلم می‌بینند، از آن خیلی لذت می‌برند و دوست دارند به دنبال تجربه‌های جدید بروند و سخنان جدیدی بگویند.

محیط جدید

این سخن گفتن میسر نمی‌شود مگر اینکه کودکان را به محیط‌های

کاهش رفتارهای نامطلوب

● اعظم فاضلی

آن را بکوبی» و یا «آفرین تو بندهای کفشت را بدون آنکه من به تو کمک کنم، بستی».

مزایای استفاده از تحسین اشاره کننده

۱. می تواند مشکل را قبل از اینکه شروع یا بدتر شود، متوقف سازد.
۲. به والدین کمک می کند تا به کودکان از طریق مثبت یاد دهند که چه نباید بکنند.
۳. به همراهی مهارت های مثبت دیگر برای یاد دادن رفتارهای مطلوب است.

۴. کودک را قبل از اینکه رفتار نامطلوبی انجام دهد، به ادامه ی رفتار مطلوب تشویق می کند.

این نوع تحسین روش جدیدی برای والدین و مهارتی است که بسیاری از والدین تا به حال از آن استفاده نکرده اند. والدین با مهارت پیدا کردن در دادن توجه، تحسین و پاداش به کودکان به خوبی می توانند این شیوه را نیز بیاموزند. تحسین اشاره کننده به خصوص برای والدینی که همیشه شکایت دارند که هیچ چیز قابل تحسینی در کودکان وجود ندارد، مهم است. چراکه با این نوع

اشاره

در شماره های قبل به پیش گیری از رفتارهای نامطلوب و راه های رسیدن به کردار و کنش مطلوب در فرزندان به وسیله والدین و آموزگاران پرداختیم. در این شماره به شیوه های عملی دیگری از مهارت های تحسین و موارد مقابل آن اشاره می شود.

جلسه ی چهارم: تحسین اشاره کننده

توصیف مهارت: این نوع تحسین به انجام ندادن رفتار نامطلوب اشاره می کند. یعنی کودک برای انجام ندادن رفتار نامطلوب مورد ستایش و تحسین قرار گیرد. در این نوع تحسین به کودک نشان داده می شود که چه رفتار مناسبی انجام داده و از چه رفتار نامطلوبی اجتناب ورزیده است. همچنین از کلماتی مانند: «برای اینکه»، «به جای اینکه» و «بدون» استفاده می شود. مثال هایی در این مورد عبارت اند از: «متشکرم برای اینکه شما بشقاب ها را روی میز جا گذاشتی»، «عالی است! تو در را به آرامی بستی به جای آنکه



را روی میز بریزد، می گوید: «امروز شیرت را نریختی! معلوم است دست از دست و پاچلفتگی برداشته‌ای.» این توصیف بیشتر انتقادی است. یک تحسین خالصانه می‌تواند این‌گونه باشد: «آفرین، تو شیرت را بدون آنکه روی میز بریزی نوشیدی.»

• می‌توان تحسین اشاره‌کننده را با توجه مثبت و پاداش و امتیاز همراه کرد

والدین زمانی که از کودکشان، برای اینکه رفتار نامطلوبی انجام نداده است، خشنودند می‌توانند همراه با این تحسین از پاداش و امتیاز نیز استفاده کنند

• می‌توان تحسین اشاره‌کننده را با محبت فیزیکی همراه کرد:

والدین می‌توانند برای به نمایش درآوردن خشنودی‌شان از محبت فیزیکی استفاده کنند؛ چراکه محبت فیزیکی از قبیل بغل کردن یا بوسیدن سبب نزدیک‌تر شدن کودک و والد می‌شود.

• تحسین اشاره‌کننده باید مطابق خواسته و علایق کودک باشد:

والدین باید شیوه‌ای را انتخاب کنند که بهترین تأثیر را داشته باشد.

• والدین باید برای تحسین از کلمات متنوع استفاده کنند.

کاهش رفتارهای نامطلوب

در این مقوله شیوه‌های متفاوتی برای کاهش رفتارهای نامطلوب کودک آموزش داده می‌شود اما باید در نظر داشت که این شیوه‌ها فقط زمانی باید عملی شوند که ارتباط خوب و مثبتی بین والد و کودک برقرار شده باشد و همچنین اطمینان حاصل کنیم که والدین به‌خوبی بر مهارت‌های مثبت تسلط پیدا کرده‌اند.

والدین معمولاً شیوه‌های تنبیهی را وسیله‌ای برای حذف مشکل می‌دانند و بر نتایج مثبت شیوه‌های مثبت تکیه نمی‌کنند. باید به والدین توضیح داد که آن‌ها با تنبیه فقط به کودک یاد می‌دهند که چه نباید بکنند اما دقیقاً یاد نمی‌دهند که چه باید بکنند. در صورتی که شیوه‌های مثبت دقیقاً آن را به کودک نشان می‌دهد.

جلسه پنجم: نادیده گرفتن

نادیده گرفتن مهارتی است که کمتر دخالت‌کننده بوده و می‌توان گفت که یکی از مشکل‌ترین مهارت‌ها می‌باشد. معمولاً زمانی که والدین با کودکان خود مشکلاتی دارند معتقدند که برای توقف این مشکلات هر کاری را باید انجام دهند. به دلیل تلاش‌های مداخله‌گرانه‌ای که والدین در گذشته داشته‌اند، نادیده گرفتن می‌تواند مفهومی بیگانه و مهارتی دشوار

تحسین یاد می‌گیرند که کودکان همیشه رفتار نامطلوب انجام نمی‌دهند.

اصول استفاده از روش تحسین اشاره‌کننده

برای به کار بردن مؤثرتر این روش باید اصول زیر را رعایت کرد:

• این نوع تحسین با عبارتهایی چون «برای اینکه»، «به جای اینکه» و «بدون» همراه است. والدین با استفاده از این عبارات به کودک یادآوری می‌کنند که از چه رفتار نامطلوبی پرهیز کرده است. به‌طور مثال، «تو اسباب‌بازی‌هایت را سر جای خود گذاشتی بدون آنکه نق بزنی.»

• این نوع تحسین زمانی باید استفاده شود که کودکان رفتار نامطلوب انجام نمی‌دهند. والدین می‌توانند زمانی که کودک رفتاری را به‌طور نامطلوب انجام نمی‌دهد وی را تحسین کنند. آن‌ها می‌توانند با تشخیص موقعیتی که کودک مکرراً در آن رفتار نامطلوبی انجام می‌دهد، وی را زمانی که در آن موقعیت رفتار نامطلوب از خود نشان نمی‌دهد تحسین و تشویق نمایند.

می‌توان به والدین توضیح داد که کودکان اغلب پیش از آنکه رفتار نامطلوبی انجام دهند، رفتار مطلوبی دارند و این بهترین زمان برای تحسین آنان است. برای مثال، کودکان ممکن است قبل از اینکه با هم دعوا کنند، با هم به آرامی بازی کنند یا یک کودک ممکن است با آب‌رنگ خود قبل از اینکه روی میز را کثیف نماید، به پاکیزگی کار کند. بنابراین، والدین باید دقیق باشند و در مناسب‌ترین زمان از این نوع تحسین استفاده کنند؛ قبل از اینکه رفتاری نامطلوب رخ دهد.

• توضیح و تشریح تحسین

جملات تحسینی باید طوری باشند که کودک از اینکه چه رفتاری را انجام نداده است و باعث خشنودی والدینش شده است، آگاه شود. اگر والدین تحسین خود را به‌وضوح توصیف نکنند، کودکان رفتار مطلوبی را که انجام داده‌اند به‌درستی تشخیص نمی‌دهند و در این صورت، مشکل کاهش نخواهد یافت. برای مثال، مادری به دختر خود می‌گوید: «خوب است تو امروز مثل روزهای قبل غذا نمی‌خوری» در اینجا ممکن است کودک اصلاً هیچ دربارهی آن چه مادر از آن صحبت می‌کند، ایده‌ای نداشته باشد. بنابراین، بهتر است گفته شود: «امروز از قاشق و چنگال استفاده می‌کنی، به جای آنکه دست‌هایت را در غذا فرو ببری.»

• صادقانه و خالصانه بودن تحسین

زمانی که مشکل جدی و طولانی‌ای وجود دارد، والدین از کودکان خود ناراحت و دلگیر می‌شوند و ممکن است برایشان مشکل باشد که با خلوص نیت آنان را تحسین کنند. برای مثال پدری به پسرش، که عادت دارد شیر

جهت یادگیری باشد.

نگاه کردن نیز نوعی توجه است. باید کوشید که هیچ گونه حالت عاطفی - هیجانی قابل مشاهده برای کودک در چهره‌ی والدین نشان داده نشود. بعضی والدین به اشتباه از نشانه‌های نافذ و ظریفی در جواب رفتارهای نامطلوب کودکان استفاده می‌کنند. مثلاً ممکن است آه عمیقی بکشند، اسم کودک را با تنی زمخت بگویند و سرشان را تکان دهند. این پاسخها در واقع نوعی توجه است و در جهت افزایش رفتار است تا توقف آن.

• از نادیده گرفتن باید به‌طور مداوم و هر زمان که رفتار نامطلوبی اتفاق می‌افتد، استفاده کرد. اگر به رفتار نامطلوب گاه‌گاهی بی‌توجهی شود، تصادفاً کودک یاد می‌گیرد که اگر رفتار نامطلوب را به اندازه‌ی کافی ادامه دهد بالاخره توجه والدین را جلب خواهد کرد. این توجه گاه‌گاهی رفتار نامطلوب را قوی‌تر می‌کند و نه ضعیف‌تر. عدم ثبات والدین در نادیده گرفتن به کودکان یاد می‌دهد که رفتار نامطلوب را برای دوره‌های طولانی انجام دهند تا توجه بعدی را کسب کنند. در واقع، کودکان یاد می‌گیرند که برای توجه بعدی تحمل داشته باشند. نق‌نق و گریه‌ی کودکان مثال خوبی است، اگر این رفتار به‌طور بی‌ثبات نادیده گرفته شود، اغلب تا سطوح تحمل‌ناپذیر می‌رسد. چراکه زمانی که نق‌نق یا گریه‌ی کودک به درجه‌ی شدت جدیدی می‌رسد و در نتیجه والدین جواب می‌دهند، به‌طور غیرعمد به کودکان یاد می‌دهند که به‌شدت مؤثر کنونی گریه کنند.

• **وقتی رفتاری را نادیده می‌گیرید، ممکن است قبل از بهتر شدن بدتر شود:**

اگر کودکان به‌طور مرتب برای رفتار نامطلوبشان توجه کسب نموده باشند، با نادیده گرفتن متوجه می‌شوند که کنترل بر موقعیت را از دست داده‌اند و ممکن است برای برگرداندن موقعیت رفتار را شدیدتر کنند. بنابراین، باید به والدین تذکر داد که برای به نتیجه رسیدن وقت لازم است.

• **از هرگونه بحث و گفت‌وگو با کودک بپرهیزید:**

در موقع استفاده از نادیده گرفتن هیچ‌گونه توجهی، چه مثبت چه منفی، به کودک نمی‌شود. به هیچ‌وجه با وی وارد بحث نباید شد؛ چراکه بحث کردن یعنی توجه والدین جلب شده است. اگر کودک صحبتی کند که منطقی به‌نظر برسد، به او گفته می‌شود که هرگاه آرام گرفت با وی دربارهی آن موضوع صحبت خواهد شد.

• **برای کمک به کنترل نادیده گرفتن می‌توان کارهایی را جهت منحرف کردن توجه انجام داد:**

مسلماً نادیده گرفتن کودکی که رفتار نامطلوبی دارد، بسیار مشکل است. بنابراین، برای انحراف توجه می‌توان کارهایی چون صحبت با همسر، ترک اتاق و آواز خواندن انجام داد.

نادیده گرفتن برای اغلب والدین بیگانه است ولی ما در تمام مهارت‌های قبلی آن را معرفی نموده‌ایم. در مهارت اول ما بحث کردیم که والدین باید توجه خود را تا زمانی که کودک رفتار نامطلوبی نشان نداده است، باز دارند. در مهارت دوم توضیح دادیم که والدین نباید زمانی که کودک رفتار نامطلوبی انجام می‌دهد، پاداش یا امتیازی به وی بدهند. در مهارت سوم نیز به والدین یاد دادیم که تحسین اشاره‌کننده را فقط زمانی به کار برند که کودکانشان رفتار نامطلوبی انجام نمی‌دهند.

اساس ایده‌ی نادیده گرفتن در این است که والدین توجه خود را از تمام رفتارهایی که میل به توقف آنان دارند بازدارند و فقط به رفتارهایی توجه کنند که می‌خواهند مجدداً تکرار شوند.

توصیف مهارت: نادیده گرفتن عبارت است از توجه نکردن به رفتارهای نامطلوب کودک به شیوه‌ای خاص.

مزایای استفاده از نادیده گرفتن

۱. نادیده گرفتن هیچ کاری نکردن نیست بلکه روش و مهارت مؤثری است برای حل مشکل و نیازمند ثبات و کنترل بسیار می‌باشد.
۲. روش مؤثری است که به کودک یاد می‌دهد رفتارش توجه شما را جلب نمی‌کند.
۳. وقتی شما رفتار نامطلوبی را نادیده می‌گیرید، کودکان را در انجام دوباره‌ی آن دلسرد می‌کنید.
۴. نادیده گرفتن فقط یکی از روش‌های کاهش رفتارهای نامطلوب است. در جلسات بعدی روش‌های دیگری برای توقف رفتارهای نامطلوب جدی‌تر یاد خواهیم گرفت.

اصول استفاده از روش نادیده گرفتن

برای استفاده‌ی مؤثر از نادیده گرفتن رعایت نکات زیر ضروری است:

- **استفاده از روش نادیده گرفتن برای رفتارهای نامطلوب خفیف:**

این روش را می‌توان در برابر رفتارهای نامطلوبی چون ناله کردن، قشقرق و عصبانیت نشان دادن به کار برد اما در برابر رفتارهای نامطلوب شدیدتر و خطرناک چون کتک زدن خواهر کوچک به کار گرفته نمی‌شود.

- هر زمان که کودک رفتار نامطلوبی از خود نشان می‌دهد و به‌نظر می‌رسد که این رفتار برای جلب توجه شماست، آن را نادیده بگیرید و به آن بی‌توجه باشید. این بدان معنی است که هیچ توجهی از هیچ نوعی نباید داده شود. خیره نگاه کردن، اظهار دادن، نچ‌نچ کردن یا چپ‌چپ

تأثیرات کیف و کوله پشتی سنگین بر دانش آموزان

● حدیثه اوچانی

آموزگار، دبستان دخترانه‌ی عدالت، ناحیه‌ی سه کرج

اشاره

از مشکلات جسمانی که امروزه اکثراً با آن روبه‌رو هستند، ناهنجاری‌ها و دردهای ناشی از کتف، ستون فقرات و کمر است که اغلب علت و عامل اصلی آن به زمان تحصیل ما - از مدرسه تا دانشگاه - برمی‌گردد. زمانی که مجبور بودیم کیف‌ها و کوله‌های سنگین پر از کتاب و دفتر را از مسیر خانه تا محل آموزش حمل کنیم. متأسفانه امروزه به‌جای اینکه از حجم این کتاب‌ها کاسته و بر کیفیت آن‌ها افزوده شود، تعداد کتاب‌ها و دفترها افزایش یافته است و حتی برخی از معلمان نیز اصرار دارند که برای یک کتاب چند دفتر وجود داشته باشد. هدف من در این مقاله بیان دلایل سنگینی کیف و کوله‌پشتی دانش‌آموزان و راه‌های پیشگیری از آن و همچنین بیان برتری کوله‌پشتی نسبت به کیف و عوارض جسمی و روحی سنگینی کیف و کوله‌پشتی دانش‌آموزان است.

مشکلات جسمانی به تدریج خود موجب مشکلات روحی و روانی می‌شود و عوارض روحی، خود علل بسیاری از مسائل و ناهنجاری‌های اجتماعی می‌گردد. برای اینکه جامعه‌ای بهنجار و معتدل با افراد کامل و پیش‌رو داشته باشیم، می‌بایست از همان دوران آغازین تحصیلی مبانی درست را آموزش دهیم و رفتارهای غلط را اصلاح کنیم. یکی از رفتارهای غلط حمل کیف‌های حجیم و سنگین و پیرو آن مبتلا شدن تدریجی به دردها و ضایعات جسمی در جوانی است که همواره گریبان‌گیر ما خواهد بود. این مسئله می‌تواند موجب کندی فراگیری نیز شود؛ زیرا فرد بیمار و دردمند، کمتر به درس توجه می‌کند.

۲. دلایلی که منشأ آن‌ها برنامه‌ریزی خرد و در سطح مدرسه است

در سطح مدرسه یک عامل معلم و عامل دیگر دست‌اندرکاران مدرسه اعم از مدیر و معاونان هستند که تنظیم برنامه‌ی هفتگی کلاس‌ها را به‌عهده دارند.

۳. دلایلی که منشأ آن‌ها خانواده و دانش‌آموز است

خانواده‌ها هنگام تهیه‌ی لوازم مدرسه بدون توجه به وزن لوازم و مسائل پزشکی، لوازم‌التحریر، کیف، دفتر و... تهیه می‌کنند. خرید کیف‌های بزرگ

دلایل سنگینی کیف دانش‌آموزان دوره‌ی ابتدایی

سنگین بودن کیف دانش‌آموزان تأثیرات بسیار بدی بر استخوان‌بندی و اسکلت استخوانی آن‌ها می‌گذارد و انحرافات در ستون فقرات به‌وجود می‌آورد. دلایل متعددی برای سنگین بودن کیف دانش‌آموزان وجود دارد که شامل موارد زیر می‌شود.

۱. دلایلی که منشأ آن‌ها برنامه‌ریزی‌های کلان است

در سطح کلان و در چاپ و ارائه‌ی موضوعات و مطالب برای بعضی از دروس دو کتاب در نظر گرفته شده است.

و سنگین، جامدای‌های فلزی، دفترهای دویست‌برگ و سیمی و گاهی اوقات در اندازه‌های بزرگ و با جلد‌های گالینگور از علل سنگینی کیف دانش‌آموز است.

تأثیر اضافه‌وزن کیف بر عمل‌کرد جسمانی دانش‌آموزان

نتیجه‌ی مطالعاتی که در کشورهای مختلف از جمله ایران انجام شده است نشان می‌دهد که وقتی کیف مدرسه از ده درصد وزن بدن بیشتر باشد، تأثیر محدود کننده‌ای بر گنجایش ریه‌ها دارد. هم‌چنین این بررسی‌ها بر تأثیر زیان‌بخش حالت قوز در عمل‌کرد ریه‌ها و نیاز به مراقبت از سلامت جسمی و توصیه به داشتن حالت و وضعیت مناسب به دانش‌آموزان و والدین تأکید می‌کند.

حمل کیف‌های سنگین از سوی دیگر موجب ناهنجاری‌های ساختار قامتی دانش‌آموزان مانند شانه‌ی نامتقارن، کمر گود، پشت گرد، زانوی ضرب‌دری و سر به جلو می‌شود.

نقش بسیار مهمی در جلوگیری از جابه‌جایی لوازم و وسایلی داشته باشد که دانش‌آموز حمل می‌کند.

۲. به‌جای اینکه دو کتاب مجزا برای یک موضوع درسی طراحی کنند، بهتر است یک کتاب را به دو قسمت تقسیم کرده و محتوا را در آن بگنجانند. به این ترتیب، هم دانش‌آموز راحت‌تر است و هم اینکه وجود دو کتاب با اندازه‌های مختلف از بی‌نظمی داخل کیف می‌کاهد. محتوای کتاب‌های درسی باید به‌گونه‌ای طراحی شود که موضوعات کمتری را با عمق بیشتر و مفصل‌تر پوشش دهد و به صفحات کمتری نیاز داشته باشد.

۳. دادن آموزش‌های لازم به دانش‌آموزان و اولیای آن‌ها درباره‌ی نقش و اهمیت کوله‌پشتی و کیف در سلامت کودکان و هم‌چنین تهیه و خرید کوله‌پشتی مناسب برای فرزندان.

معلم

معلم باید دقت لازم را در برنامه‌ریزی سالانه داشته باشد که دانش‌آموز در روزهای هفته از آوردن کتاب‌های زیاد خودداری کند. تکالیف دانش‌آموزان باید در حد توان آن‌ها باشد و براساس برنامه‌های از قبل تعیین شده صورت گیرد. کیفیت روش آموزش باید به‌گونه‌ای باشد که دانش‌آموز بدون استفاده از کتاب‌های کمک‌درسی متوجه مفاهیم درسی بشود. آموزش‌های متنوع می‌توانند توجه و علاقه‌ی دانش‌آموز را برانگیزند و لازم نیست همه‌ی آموزش‌ها به‌صورت کتبی و یادداشت‌برداری باشد.

بهترین نوع کیف و ویژگی‌های آن

کوله‌پشتی بهترین نوع کیف برای دانش‌آموزان است؛ چون وزن بار را به دو قسمت تقسیم می‌کند. کوله‌پشتی‌هایی که یک بند کمری هم دارند بهتر هستند؛ چون باعث می‌شوند به کمر فشار کمتری وارد شود. البته طرز استفاده از کوله‌پشتی هم خیلی مهم است. کوله‌پشتی را نباید روی یک شانه انداخت و باید از هر دو بند آن استفاده کرد. به عقیده‌ی متخصصان، بار داخل کوله‌پشتی نباید بیشتر از ده یا پانزده درصد وزن بدن دانش‌آموز باشد.

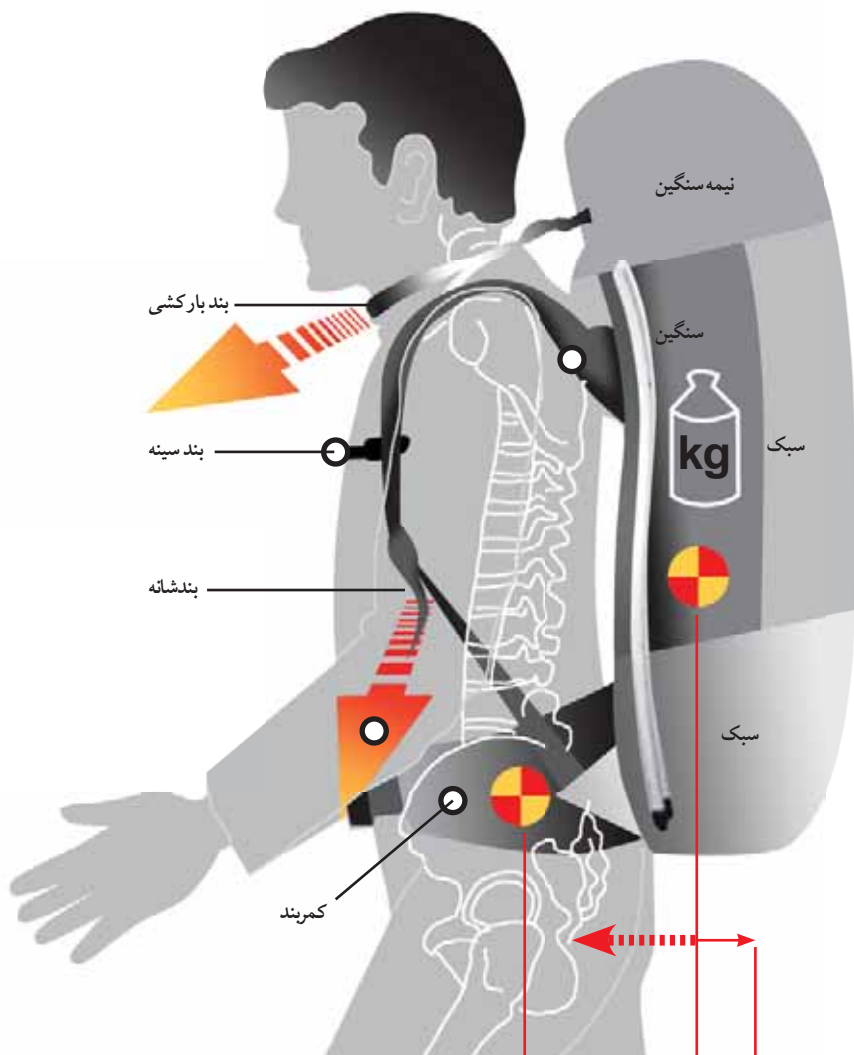
نتیجه

«عقل سالم در بدن سالم است.»

سلامت جسمی و روانی در یادگیری تأثیری بسزا دارد. اگر دانش‌آموزان بیمار باشند، نمی‌توانند با قدرت و حضور ذهن در کلاس حضور یابند و درس را فرا گیرند. نتیجه‌ی این امر افت تحصیلی در طول سال است. کیف سنگین در بلندمدت موجب عوارض مختلف جسمانی و پیرو آن عوارض روحی در دانش‌آموزان می‌شود. بنابراین، برای اینکه دانش‌آموزان بتوانند از معضلات جسمی و روحی رهایی یابند و درس‌های مختلف را با آسودگی فراگیرند، راهکارهای زیر ارائه می‌شود.

آموزش و پرورش

۱. آموزش و پرورش می‌تواند در مدارس و در کلاس درس با تهیه‌ی کمد‌های بزرگی که دارای کشوها یا فایل‌های کوچک‌تری هستند و اختصاص دادن هر کشو به یک دانش‌آموز،



رانندگی برای املا

خلاقیت یک آموزگار برای آموزش املا با رانندگی

● زهرا شاهرودی

آموزگار دبستان سجادیه، منطقه ۵ شش تهران

اشاره

بسیاری از آموزگاران در تدریس به ابتکار و خلاقیت دست می‌زنند. من هم برای اینکه از این قافله عقب نمانم، تصمیم گرفتم فعالیت «رانندگی و املا» را در زمینه‌ی خارج کردن روش‌های قبلی از تکرار و کسالت به اجرا درآورم.

چگونگی این فعالیت

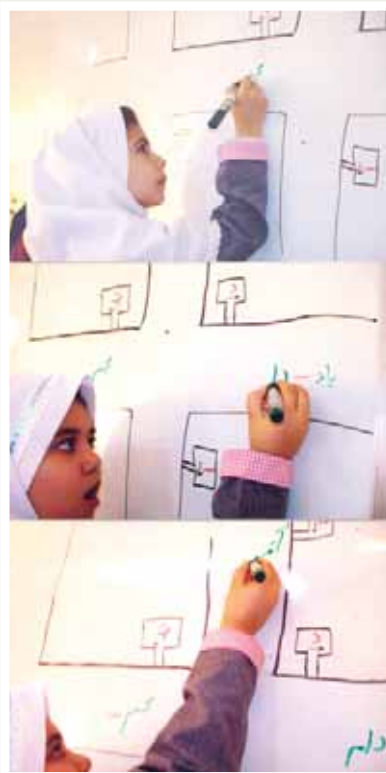
عکس‌العمل دانش‌آموزان در طول جلسه‌های تکراری املا مرا بر آن داشت تا آموزش را با بازی همراه کنم. گاه دیکته‌ی پاتخته‌ای چنان پس‌زننده می‌شد که دانش‌آموزان نسبت به آن علاقه نشان نمی‌دادند. بنابراین، در زنگ دیکته‌ی پاتخته‌ای روی تخته‌ی کلاس خیابان‌ها و چهارراه‌هایی رسم کردم و بر سر هر کوچه یا گذرگاه تابلوهایی کشیدم که روی هر یک حرف‌های الفبا را نوشته بودم. به دانش‌آموزانم توضیح دادم که هر کسی را صدا کردم، خود را مانند راننده‌ی خودرو نشان دهد و در حالی که اتومبیل خیالی خود را می‌راند، بیاید و کلمه‌ای که آن حرف را دارد، مقابل تابلوی مربوطه بنویسد. هر

کسی کارش را درست انجام داد، تشویق می‌شود و با همان شکل به جایش برمی‌گردد. آن‌هایی هم که اشتباهی داشتند، یک دور در کلاس می‌زدند، نفسی تازه می‌کردند و دوباره برمی‌گشتند تا اشتباه خود را اصلاح کنند. مثلاً اگر حرف (د) را نوشته بودم، دانش‌آموز باید کلمه‌هایی مانند «باد» و «سبد» را می‌نوشت که آن حرف را دارند.

هدف از این بازی

من در طراحی این آموزش و بازی به نتایج رسیدم:

۱. بالا بردن انگیزه‌ی یادگیری
۲. ایجاد فضای شاد آموزشی
۳. تشخیص صداها
۴. تقویت دقت دانش‌آموزان.



خبرگزاری فارس گزارش می‌دهد:

کوله‌پشتی‌های سنگین کلاس اولی‌ها + برنامه‌ی هفتگی

به‌طور میانگین وزن هر کتاب درسی ۳۳۰ گرم است؛ حال تصور شود دانش‌آموزان کلاس اولی چند کتاب، دفتر، تنقلات و لوازم‌التحریر جانبی را حمل می‌کند؛ ساختار قامتی این دانش‌آموز در آینده چه خواهد شد؟

مادر یک دانش‌آموز کلاس اولی در تهران: «براساس برنامه‌ی هفتگی فرزندم، او باید هر روز با همه‌ی کتاب‌های خود به مدرسه برود.»

وی ادامه داد: «بحث فقط کتاب درسی نیست بلکه در کنار آن باید دفتر مشق و دفتر نقاشی هم باشد؛ اگر مدام، پاک‌کن، تراش، خط‌کش، لیوان آب و تغذیه کودک را هم در نظر بگیریم، کیف سنگین دانش‌آموز را تصور خواهید کرد.»

یکی از مسئولان اداره‌ی کل تربیت‌بدنی و سلامت آموزش و پرورش درباره‌ی خرید کیف برای دانش‌آموزان اظهار کرد: «در برخی مواقع می‌بینیم دانش‌آموزی که خودش ۱۷ کیلو است یک کیف چند کیلویی را حمل می‌کند.»

وی افزود: «افراد باید ۱۰ درصد وزن بدن خود، نسبت به حمل وسیله اقدام کنند در غیر این صورت، ضربه‌های فیزیکی و جسمی بدی را به بدن وارد می‌کنند.»

براساس گفته‌ی یکی از مسئولان سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش، «به‌طور میانگین وزن هر کتاب درسی ۳۳۰ گرم است؛ اگر دانش‌آموز سه کتاب را در روز حمل کند، یک کیلو به وزن کیف اضافه می‌شود و اگر دو تا سه دفتر نیز به آن اضافه شود در کل، دو کیلو بار را باید حمل کند!»

خانواده

از آنجا که پدر و مادر نسبت به سلامتی، شادابی و رفاه فرزندان خود حساس‌اند، باید بهترین نوع کیف و کوله‌پشتی را برای فرزندشان تهیه کنند. هم‌چنین باید نظارت داشته باشند که دانش‌آموزان کتاب‌ها، وسایل و مواد غذایی غیرضروری با خود به مدرسه نبرند و کیف خود را سنگین نکنند.

منابع

۱. هویدن، اج؛ بهداشت آموزشگاه‌ها و دانش‌آموزان، ترجمه‌ی ابوالفضل هشترودی، چهر، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۵.
۲. نوری، سیدمحمدرضا؛ بهداشت مدارس، واقعی، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۳.
۳. امام، مهدی؛ «کیف مدرسه»، مجله‌ی درد، شماره ۲۰، ۱۳۸۱.

• جواد آزمون

استادیار تربیت بدنی دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی

آقای معلم، خانم معلم استقامت قلبی - تنفسی دارید؟

اشاره

ماشین‌ها با سرعت سرسام‌آوری همه‌ی ابعاد زندگی بشر را تحت سیطره‌ی خود آورده‌اند. مهم‌ترین خاصیت آن‌ها، یعنی آسان‌سازی کارها، هم مفید است و هم مضر. مفید است؛ چون به کمک آن‌ها آسان زندگی می‌کنیم و مضر است؛ چون زندگی را آسان کرده است! آسان دومی از این جهت مضر است که ماشین مانع استفاده از اندام و سیستم‌های زنده بدن می‌شود. اگر قرار شود به جای راه رفتن، بالا رفتن از پله و انجام دادن کارهای بدنی از ماشین‌ها استفاده کنیم، سیستم‌های زنده‌ی بدن به تدریج ضعیف و ناتوان خواهند شد. ماشین و استفاده از آن زمانی ارزشمند است که سلامتی ما را به خطر نیندازد. یکی از سیستم‌های مهم و حیاتی در بدن انسان سیستم قلبی و عروقی است که امکان حیات و حرکت موجود زنده را مهیا می‌کند. هرچه این سیستم قوی‌تر باشد، سایر سیستم‌ها نیز بهتر عمل می‌کنند و فرد برای ادامه‌ی حیات و انجام کارهای روزمره مبتنی بر نیروی بدنی، کمتر دچار خستگی و ضعف خواهد شد.

یکی از مشکلاتی که امروزه معلمان نیز همانند سایر اقشار جامعه، با آن مواجه‌اند، خستگی‌های جسمی زودرس است. این نقص ناشی از توانایی پایین بدن در تأمین انرژی مورد نیاز برای انجام کارهای عادی است. تأمین انرژی بدن در قالب جذب اکسیژن، دفع دی‌اکسیدکربن و تأمین مواد غذایی برای سایر سیستم‌های بدن به‌عده‌ی سیستم قلب و عروقی است. نظر به اینکه فعالیت‌های جسمانی منظم، به‌ویژه از نوع هوازی، یکی از روش‌های مناسب برای تقویت این سیستم محسوب می‌شود، در این مقاله سعی کرده‌ایم شما را در مقابل این سؤال قرار دهیم: «آقای معلم، خانم معلم، استقامت قلبی - تنفسی دارید؟»

برای آگاه کردن شما از توانایی سیستم قلبی و عروقی، ابتدا یک روش میدانی ساده را معرفی می‌کنیم و چون این احتمال وجود دارد که سطح استقامت قلبی - تنفسی‌تان پایین باشد، چند تمرین ساده برای تقویت و ارتقای استقامت قلبی - تنفسی را نیز به شما آموزش می‌دهیم.

اجزای مهم آمادگی جسمانی مرتبط با تندرستی است. دو سیستم عمده عهددار تأمین انرژی لازم برای فعالیت‌های بدنی (هم فعالیت‌های عادی و هم ورزشی) هستند؛ سیستم بی‌هوازی و سیستم هوازی. به دلیل اینکه استقامت قلبی و عروقی با کارایی هوازی بدن در ارتباط است، در این مقاله بیشتر بر سیستم هوازی تأکید می‌شود.

زاید از بدن مسئله‌ای اساسی است. فعالیت‌های شدید و پیوسته یا مداوم (مثل دویدن و راه رفتن به مدت طولانی) به کارایی سیستم قلب و عروق بستگی دارد و چنانچه کارایی این سیستم ارتقا یابد، خطر بروز امراض قلبی و عروقی کاهش و ظرفیت کار و مقاومت بیشتر در مقابل خستگی افزایش می‌یابد. استقامت قلبی و عروقی یکی از

استقامت قلبی - تنفسی و سیستم هوازی

استقامت قلبی - عروقی عبارت است از توانایی بدن در اکسیژن‌رسانی به عضلات در حال کار، جهت انجام فعالیت جسمانی. کارکرد مؤثر سیستم قلب و عروق و سیستم تنفس (ریه‌ها) در توزیع اکسیژن و سایر موارد تغذیه‌ای و دفع مواد

اکنون با اطلاع از وضعیت آمادگی هوازی خود باید تصمیم بگیرید. نتیجه‌ی این آزمون هرچه باشد، پرداختن شما به فعالیت‌های جسمانی هوازی را نفی نمی‌کند. اگر آمادگی هوازی شما خوب یا عالی است، برای حفظ آن و رسیدن به تندرستی بی‌نیاز از تمرین نیستید و چنانچه آمادگی هوازی شما در حد بد و ضعیف است، ضرورت پرداختن به فعالیت‌های هوازی دو چندان می‌شود. برای پرداختن به فعالیت‌های هوازی نیاز به دستگاه خاصی ندارید. یک جفت

کفش مناسب ورزشی لازم دارید و یک محل مناسب برای دویدن یا پیاده‌روی به مدت طولانی (بیش از ۴۵ دقیقه) حداقل سه جلسه در هفته. اگر دوچرخه دارید، مسافتی طولانی را رکاب بزنید و یا برای مدتی بیش از ۴۵ دقیقه در هر

جلسه دوچرخه‌سواری کنید. اگر یک رشته طناب و مهارت طناب‌زنی دارید، شروع کنید به تعداد زیاد طناب زدن. اگر امکان استفاده از استخر را دارید، به مدت طولانی و مسافت زیادی را شنا کنید. برای رسیدن به آمادگی هوازی کافی است تحرک جسمانی داشته باشید (پیاده‌روی، دوچرخه‌سواری، طناب‌زنی، کوه‌پیمایی و...) البته به شرط اینکه منظم باشد و حداقل سه جلسه در هفته و هر جلسه ۴۵ دقیقه اجرا شود.



۲. یک کرومومتر یا زمان‌سنج مهیا کنید (چنانچه از یک دوست بخواهید زمان را نگه دارد، بسیار مطلوب است).



۳. با اعلام وقت نگاهدار، شروع به ۱۲ دقیقه دویدن و راه رفتن کنید.



۱. مسیری مناسب برای دویدن و یا راه رفتن پیدا کنید (مثل دور زمین فوتبال، به شرط اینکه هر دور آن ۴۰۰ متر باشد). شما مختارید در طی آزمون، ۱۲ دقیقه راه بروید و یا بدوید. بدیهی است با دویدن مسافت بیشتری طی خواهید کرد. به هر حال مختارید به هر یک از طرق گفته شده عمل کنید.

چگونه استقامت قلبی-تنفسی یا آمادگی هوازی خود را بسنجیم؟

روش‌های متعددی برای سنجش آمادگی هوازی وجود دارد که یکی از ساده‌ترین و ایمن‌ترین آن‌ها که مناسب افراد غیرورزشکار نیز می‌باشد - آزمون ۱۲ دقیقه راه رفتن یا دویدن (معروف به کوپر) است. برای کسب اطلاع از میزان آمادگی هوازی خود کافی است از مراحل زیر تبعیت کنید.

۴. در پایان مدت اجرای آزمون مسافت طی شده را (براساس گروه سنی خود) با جدول زیر مقایسه کنید و از میزان آمادگی هوازی خود مطلع شوید.

گروه سنی				سطح آمادگی هوازی
۵۰ سال به بالا	۴۰ تا ۴۹ سال	۳۰ تا ۳۹ سال	زیر ۳۰ سال	
زیر ۱۲۵۰ متر	زیر ۱۳۵۰ متر	زیر ۱۵۰۰ متر	زیر ۱۶۰۰ متر	بد
۱۲۵۰ تا ۱۵۸۰ متر	۱۳۵۰ تا ۱۶۵۰ متر	۱۵۰۰ تا ۱۸۰۰ متر	۱۶۰۰ تا ۲۰۰۰ متر	ضعیف
۱۶۰۰ تا ۲۰۰۰ متر	۱۶۵۰ تا ۲۰۵۰ متر	۱۸۰۰ تا ۲۲۰۰ متر	۲۰۰۰ تا ۲۴۰۰ متر	متوسط
بالای ۲۴۰۰ متر	۲۰۵۰ تا ۲۵۰۰ متر	۲۲۰۰ تا ۲۶۰۰ متر	۲۴۰۰ متر تا ۲۸۰۰ متر	خوب
بالای ۲۴۰۰ متر	بالای ۲۵۰۰ متر	بالای ۲۶۰۰ متر	بالای ۲۸۰۰ متر	عالی

منابع

۱. آزاد، احمد؛ مبانی تربیت‌بدنی و ورزش؛ انتشارات کمیته‌ی ملی المپیک، تهران، ۱۳۷۶.
۲. شیخ، محمود و همکاران؛ سنجش و اندازه‌گیری در تربیت‌بدنی و علوم ورزشی؛ بامداد کتاب، تهران، ۱۳۹۰.
۳. رحمانی‌نیا، فرهاد؛ فیزیولوژی ورزش؛ وزارت آموزش و پرورش، تهران، ۱۳۸۲.

دشواری‌های میز و نیمکت

● پریسا مصطفی‌نژاد
آموزگار ناحیه‌ی دو، کرج

به‌عنوان معلمی که سابقه‌ی بیش از دو دهه تدریس داشتم، کمتر در خاطرم بود که کلاسی این‌گونه داشته باشم. با وجود اینکه کوله‌باری از تجربه درباره‌ی کلاس‌داری همراهم بود؛ باز هم مشکل عدم تمرکز و جنب و جوش‌های ریز و درشت و مداوم دانش‌آموزان هنوز برایم حل نشده بود. اگرچه نسبت به دوران اول کاری‌ام در کلاس‌داری بسیار ماهرانه‌تر عمل می‌کردم اما این معضل فقط کم‌رنگ‌تر شده بود.

وقتی درباره‌ی این مسئله در محافل و مجالس مختلف با دوستان و همکاران گفت‌وگو می‌کردیم، هر کدام راهکار و پیشنهادی ارائه می‌کردند. یکی می‌گفت: «فقط یک نگاه عمیق و پرمعنا از طرف معلم می‌تواند دانش‌آموز را به خود بیاورد.» دیگری می‌گفت: «گنجاندن یک صندلی انضباطی در قسمتی از کلاس برای دانش‌آموزان اخلاط‌گر بسیار مفید است.» به همین منوال هر کدام تجربه‌های شخصی خود را ابراز می‌کردند و از ابتکارات و ابداعات خود حرف‌ها می‌زدند و نکته‌ها می‌گفتند اما همیشه در آخر حرف‌ها دوباره سر درد دل معلمان باز می‌شد و هر چه رشته بودند، خود

در حال تماشای یک برنامه‌ی تلویزیونی بودم که کلاس درس دوره‌ی ابتدایی در یکی از کشورهای آسیای شرقی را نشان می‌داد. معلم جوان کلاس در حال تدریس بود و دانش‌آموزان با فاصله‌ای مناسب از هم در سکوت و آرامش و نگاه در نگاه معلم سرپا گوش بودند.

مانند همه‌ی معلمان، اولین چیزی که توجهم را جلب کرد، تعداد دانش‌آموزان کلاس بود. احتمالاً تعدادشان بالای ۳۰ نفر بود. راستی، چه‌طور همه‌ی کودکان تا این حد آرام و منظم بودند؟ نه دانش‌آموزی کج نشسته بود، نه کسی روی میز خم شده بود و نه کسی در حال جابه‌جا شدن بود. معلم کلاس با چه ترفندی توانسته بود چنین فضایی را در کلاس مسلط کند و خود با آرامش و طمأنینه قدم بزند و تدریس کند؟

بار دیگر حدس و گمانم را به کار انداختم؛ شاید جلوی دوربین بودند و فضای فیلم‌برداری آن‌ها را در بهت و حیرت فرو برده بود. شاید هم قبلاً برای دانش‌آموزان خط و نشانی کشیده شده بود که بدون هیچ حرکتی آرام نشسته بودند؛ نه دست به سینه بودند و نه دزدکی اطراف را نگاه می‌کردند.



نیمکت‌های کم‌عرض و بدون تکیه‌گاه می‌نشستیم (که البته تکیه‌گاش قاعدتاً باید می‌بود اما سازندگان آن یا نمی‌دانستند یا فراموش کرده بودند که لبه‌ی اضافی چوب روی میزها را برش بزنند تا قابل تکیه دادن برای دانش‌آموزان نیمکت جلویی باشد)، تازه متوجه می‌شدیم که فقط دورنمای آن‌ها جذاب و بدون نقص است.

باریک بودن میزها و کم‌عرض و کوچک بودن فضای داخل آن‌ها برای کیف و کتاب و ابزار و وسایل دانش‌آموزان معضل دیگری بود که مطمئناً از مشکلات دانش‌آموزان به‌شمار می‌رفت. احساس کردم که گذشت زمان طول و عرض میز و نیمکت‌ها را به آب داده است. به یاد آوردم که ما نیز دوران تحصیلمان را با همین میز و نیمکت‌ها که شاید بسیار کثیف‌تر و رنگ‌ورورفته‌تر از این‌ها بودند گذرانیدیم، اما آن‌ها پهن‌تر و عریض‌تر و البته جادارتر بودند.

به هر حال، همه‌ی دشواری‌های نهفته در یک میز و نیمکت دست به دست هم می‌دهند تا هر روز بعد از چهار یا پنج ساعت، دانش‌آموز با بدنی خسته و بی‌حال روانه‌ی کاشانه‌اش شود. حالا هر چه قدر هم درس معلم زمزمه‌ی عشق و محبت باشد یا رنگ دیوار و در و کمد و پرده جذاب و دلربا باشد و در کلاس‌ها، تخته‌ها مدرن و هوشمند باشد (که البته همه‌ی این‌ها از زیبایی‌ها و محسنات مدارس ما هستند)، وقتی مهم‌ترین و اساسی‌ترین وسیله که دانش‌آموز هر روز با آن در تماس است موجب خستگی جسمانی و به هم ریختگی تمرکز شود، تمام این تجهیزات و طرح‌های نوین چه قدر بهره‌وری خواهند داشت؟

مسئله‌ی میز و نیمکت‌های دانش‌آموزی، مشکل چند مدرسه نیست اما هم‌چون گازهای نامساعدی که در هوای آلوده‌ی شهرهای ما وجود دارند اما ما آن‌ها را نمی‌بینیم، در مدرسه‌هایمان نیز این معضل را که محل آسایش و آرامش کلاس‌های ماست، نمی‌بینیم و قادر به درک آن نیستیم. دانش‌آموزان را مقصران اصلی می‌دانیم و ناخواسته و به غلط تنها گوش‌های آنان شنوای فریاد ما معلمان است.

علاوه بر آن یکی بودن میزها برای دو یا سه دانش‌آموز با توجه به وسایل و ابزارهای مختلفی که همراه هر دانش‌آموز هست و نبودن کشوی مناسبی برای قرار دادن این ابزارها خود بهانه‌ای است برای جدل‌های کودکانه، به‌ویژه در مقطع دبستان. آیا زمان آن نرسیده است که ما برای این مسئله فکری بکنیم و چاره‌ای بیاندیشیم؟

ما در مدارسمان هر هفته با انبوهی از بخشنامه‌هایی که به سویمان سرازیر می‌شوند مواجهیم، از طرح‌های نوین آموزش و پرورش گرفته تا مصرف کالای ایرانی و آب‌وهوای پاک و همیار پلیس و... گویی در هر جایی از کشور ما که بخشنامه‌ای صادر می‌شود، رونوشتی از آن را هم به مدارس ما می‌فرستند! کاش روزی هم شاهد بخشنامه‌ای باشیم با موضوع تحویل میز و صندلی دانش‌آموزی با طراحی به‌روز و استاندارد.

پنبه می‌کردند و بار دیگر این سؤال تکرار می‌شد که راستی چرا با وجود این همه تجربه و نکته‌های علمی و روان‌شناختی‌ای که شنیده و خوانده و به کار برده‌ایم، باز هم همگی در کلاس‌هایمان کم و بیش با این معضل درگیریم. آیا به قول بزرگان تعلیم و تربیت، درس ما معلمان خالی از زمزمه‌ی محبت است یا به گفته‌ی متخصصان علوم تغذیه فست‌فودها و خوراکی‌های پر از رنگ و ادویه، سکون و آرامش را از بچه‌ها سلب کرده است و یا به قول روان‌شناسان، آپارتمان‌ها و خانه‌های کم‌وسعت و کوچک، مجال تخلیه‌ی انرژی را از کودکان ما گرفته و به ناچار کلاس درس محل تخلیه‌ی انرژی‌های مازادشان شده است؟

صندلی سقوط

خاطرم هست چند سالی بود که در کلاس‌م با مسئله‌ی دیگری نیز مواجه بودم. البته نه تنها من بلکه تمامی معلمان که در کلاسشان دیگر میز و نیمکت نبود بلکه پشت هر میز دو صندلی چوبی قرار گرفته بود تا هر دانش‌آموز روی صندلی مخصوص خود بنشیند، این مشکل را داشتند. سقوط هر روزه‌ی تعدادی از بچه‌ها از روی این صندلی‌ها و در پی آن به هم ریختگی فضای کلاس همه‌ی ما را سخت‌آزده می‌کرد. این اتفاق هر روز برای چند نفر از دانش‌آموزان می‌افتاد و ما معلمان بی‌توجه به شکل و نوع صندلی‌ها، شیطنت کودکانه را عامل اصلی می‌دانستیم و در پی آن، هر از گاهی فریادی هم نثار دانش‌آموز سقوط کرده از صندلی می‌کردیم. تا اینکه یک روز برحسب اتفاق مجبور شدم نیم‌ساعت روی یکی از این صندلی‌های چوبی بنشینم. صندلی‌هایی که به ظاهر برای کودکان ساخته شده‌اند اما آنچه در این نیم‌ساعت احساس کردم با آنچه در تصورم بود، بسیار فاصله داشت.

من باید تمام انرژی و تمرکز را صرف می‌کردم تا از روی صندلی سُر نخورم. شکل نشیمن‌گاه این صندلی به قدری انرژی مرا صرف خود کرده بود که بعد از سی دقیقه کاملاً احساس خستگی و آزرده‌گی می‌کردم. حالا پاسخ سؤال همیشگی خود را دریافته بودم که چرا دانش‌آموزان به‌ویژه در ابتدایی همیشه ترجیح می‌دهند که کیف و وسایلشان را روی صندلی بنشانند و خود بایستند. آری، ما همه چیز را دیده بودیم و نظر داده بودیم الا آنچه مقابل چشمانمان بود. تصمیم گرفتم دقت و تمرکز بیشتری روی میز و نیمکت کلاس‌ها داشته باشم. از دوستان و همکاران در مدارس و نواحی مختلف پرس‌وجو کردم. برحسب اتفاق گذرم به یک مدرسه‌ی راهنمایی نمونه دولتی افتاد که قدمت ساختمان و وسایلش، از جمله میز و نیمکت‌ها، بیشتر از دو سال نبود. در یک نگاه سطحی از روی سکوی جلوی کلاس، که معمولاً جایگاه بازرسان و بازدیدکنندگان محترم کلاس‌ها می‌باشد، میز و نیمکت‌ها بسیار تمیز و یکدست به‌نظر می‌آمدند. اما وقتی مانند یک دانش‌آموز چندین ساعت پشت میزهایی که سازندگان حتی از صیقل دادن لبه‌های آن‌ها دریغ کرده بودند،

عدل در اصفهان!

گفت‌وگو با اکبر احمدیان باغبادرانی، مدیر دبستان عدل و سه آموزگار این مدرسه

● تنظیم گفت‌وگو: فهیمه دهقان
عکس: عدید فیروزی

اشاره

اکبر احمدیان باغبادرانی مدیر دبستان «عدل» است. این مدرسه‌ی ابتدایی با ۴۳۰ دانش‌آموز در دانشگاه اصفهان قرار دارد و فرزندان استادان و دانشجویان و بسیاری شهروندان دیگر در آن تحصیل می‌کنند. البته ما به این دلیل به فکر گفت‌وگو با احمدیان افتادیم که او برای ما مقالات و نامه‌های بسیاری فرستاده است و یکی از مخاطبان فعال و خستگی‌ناپذیر مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی به حساب می‌آید. وقتی آقای مدیر را در دبستان عدل ملاقات کردیم به همکاری‌اش گفتیم که او با همه‌ی مشغله‌اش دست‌کم هر ماه یک یا دو بار برای مجله‌ی نامه یا مقاله می‌فرستد؛ آن هم در چندین صفحه. برای اینکه علاقه و پشتکار اکبر احمدیان را هم نشان داده باشیم، تعدادی از نامه‌های او را به آن‌ها نشان دادیم و سر صحبت را باز کردیم... آن چه در ادامه می‌آید حاصل گفت‌وگوی کوتاه ما با مدیر دبستان عدل است اما پیش از آن باید به خون‌گرمی و شیرین‌سخنی احمدیان اشاره کنیم. او حتی سه نفر از همکاری‌اش را نیز وارد بحث کرد که نظر آن‌ها را هم در ادامه خواهید خواند.

در واقع ما نیز همپای تغییرات پیش می‌رویم. مدیریت مجتمع بر به‌روز بودن و همراهی با سند برنامه‌ی درسی کشور تأکید دارد. همه‌ی کلاس‌های ما به سیستم هوشمند تدریس مجهزند. همکاران ما با نرم‌افزارها آشنایی دارند و در تولید محتوا و نوشتن وبلاگ فعال‌اند.

در نظر همکاران این تحول ضروری است. ما باید خانواده‌ها را نیز با اهمیت این طرح آشنا کنیم. ما این‌جا به آموزش مهارت‌های زندگی و تفکر می‌پردازیم. این‌ها را به آن دلیل می‌گوییم که محیط و فضای دانشگاه نیز به ما امکان فعالیت‌های ویژه و حتی تابستانی و ورزشی را می‌دهد. مدرسه‌ی ما عضو کانون مدارس اسلامی کشور است و در طرح‌های خود بر تربیت دینی و کار گروهی اهتمام داریم.

اکبر احمدیان آموزگار مجرب‌تری را در مجموعه‌ی خود دارد. او با شعار مدیریت روابط انسانی و عمل به آن تأثیر بسیاری بر همکاری‌اش گذاشته است. سه نفر از این آموزگاران درباره‌ی کتاب‌های درسی ابتدایی صحبت‌های کوتاهی داشتند که نظر خوانندگان گرامی مجله را به آن جلب می‌کنیم.

رشد را می‌خریدم. به معلمی هم علاقه‌مند بودم. بنابراین، با توجه به مشوق‌های موجود انگیزه‌های تفکر و نوشتن در من فعال شد. فکر می‌کنم یکی دیگر از ابزارهای شما در فرایند جلب مخاطب، وجود مطالب خاص تعلیم و تربیتی و صفحه و سؤال مسابقه در مجله است. بارها در جمع همکاران گفته‌ام که ابزار کار ما مطالعه و نوشتن است. وقتی مطالعه می‌کنم و می‌نویسم شاد می‌شوم. هنوز پس از ۳۶ سال از مدرسه و کار و مطالعه خسته نشده‌ام و دوست دارم با دانش‌آموزان مأنوس باشم.

○ با توجه به اینکه دبستان شما در محوطه‌ی دانشگاه واقع است، آیا با استادان و دانشکده‌ها ارتباط علمی و فرهنگی دارید؟

بله. با دانشکده‌ی علوم تربیتی در ارتباط هستیم. گاه استادان و دانشجویان ارشد و دکترا فعالیت‌های تحقیقی و پژوهشی خود را در مدرسه‌ی ما انجام می‌دهند.

○ با برنامه‌ی درسی جدید و چشم‌اندازهای تحول بنیادین تا چه حد همراه شده‌اید؟



○ آقای احمدیان از سوابق تحصیلی و شغلی خود بگویید.

حدود ۳۷ سال سابقه‌ی کاری دارم و ده سال هم تدریس کرده‌ام. در سال ۱۳۸۶ به این مجتمع آموزشی دعوت شدم. فوق‌دیپلم آموزش ابتدایی هستم.

○ شما از مخاطبان فعال ما هستید و نامه‌های بسیاری برایمان فرستاده‌اید. چرامی نویسد؟

از زمانی که دانش‌آموز بودم به مطالعه علاقه داشتم و «پیک» و بعدها مجلات



برنامه خرد
۹۵۵۵
با ۱۴۰۱ و خرداد با سلام، ریاضیات و زبان برای کلاس اول است. سرپرست مدرسه سید امین است. این کلاس به صورت آنلاین برگزار می‌شود. در این کلاس، معلمان و دانش‌آموزان با هم گفتگو می‌کنند و به سوالات پاسخ می‌دهند. در این کلاس، دانش‌آموزان با معلمان و همسالان خود گفتگو می‌کنند و به سوالات پاسخ می‌دهند. در این کلاس، دانش‌آموزان با معلمان و همسالان خود گفتگو می‌کنند و به سوالات پاسخ می‌دهند. در این کلاس، دانش‌آموزان با معلمان و همسالان خود گفتگو می‌کنند و به سوالات پاسخ می‌دهند.

به درستی از جلسات آموزش توانا در دروس تحت مدیریت
کلاسها که در سالها ۱۳۵۶ تا ۱۳۵۸ رئیس دانشکده آموزشی
تاسکرم بود و حال که در سالها از دستگیری سیرین برد و از دستگیری خدیجه
وقتی بنده به عنوان مدیر دروس (نیزان) ایشان را معرفی کردم
بیان بنده حکم ادب و احترام معلم و شاگردی خوشگوار ایشان
را قلمرو مشاوره ایشان داد است و در این باره به شما عرض می‌کنم
که با ایشان هم

تغییرات لازم بود!



آموزگار پایه‌ی اول

فرزانه شاهرخیان، آموزگار پایه‌ی اول با ۱۳ سال سابقه‌ی تدریس می‌گوید: «بازبینی کتاب‌های درسی ضروری بود. هر سال ما شاهد استعداد و نبوغ بیشتری در دانش‌آموزان هستیم؛ به‌ویژه اگر از پایه‌ی اول ملاحظه شود. مطالب جدید در بچه‌ها شوق یادگیری ایجاد می‌کند. نکته‌ای که قابل توجه بیشتر است محتوای طولانی درس ریاضی است. در عددنویسی نیز تا ۱۹ عددنویسی را گفته است و معلم باید تا ۹۹ را ادامه دهد.»



ایشان شش
معلم و شاگردی
هما که در این باره
کسب یا تحسین
بنده به یاد چندی
سند ما گویم با
که معمولاً شاگرد
معلم ناراحت می
نوسن عشق ما
خیزد و این دانشگاه
دارای در این باره

آموزگار پایه‌ی دوم

عادلہ تنباکویی، آموزگار پایه‌ی دوم با پنج سال سابقه‌ی تدریس دارای لیسانس آموزش ابتدایی است. او می‌گوید: «کتاب علوم پایه‌ی دوم خوب تألیف شده است. بچه‌ها آن را دوست دارند. هم تصاویر و هم مطالب کارهای عملی را نشان می‌دهد. کتاب ریاضی نیز تغییرات بجایی دارد اما مباحث آن بسیار طولانی و سرفصل‌هایش زیاد است.»



ایشان شش
معلم و شاگردی
هما که در این باره
کسب یا تحسین
بنده به یاد چندی
سند ما گویم با
که معمولاً شاگرد
معلم ناراحت می
نوسن عشق ما
خیزد و این دانشگاه
دارای در این باره



آموزگار پایه‌ی ششم

صدیقه دستجردی در پایه‌ی ششم تدریس می‌کند و سن زیادی ندارد. با این همه دوره‌های تخصصی رایانه را گذرانده است و ریاضی پایه‌ی ششم، تفکر و پژوهش و رایانه تدریس می‌کند. به نظر دستجردی پایه‌ی ششم پلی میان دبستان و دوره‌های بالاتر تحصیل است. او می‌گوید: «به این ترتیب، اگر کار به درستی انجام شود به دلیل تعدد دبیران و تغییر فضا و دوره از افت تحصیلی دانش‌آموزان کاسته می‌شود. در پایه‌ی ششم؛ درس کار و فناوری هم لحاظ شده است که می‌تواند مکملی برای تجربه‌های زندگی دانش‌آموزان باشد.»

ایشان شش
معلم و شاگردی
هما که در این باره
کسب یا تحسین
بنده به یاد چندی
سند ما گویم با
که معمولاً شاگرد
معلم ناراحت می
نوسن عشق ما
خیزد و این دانشگاه
دارای در این باره

شما قضاوت کنید!



● کبری محمودی

سد کرده بود، هم‌چنان داشت به وظیفه‌ی سد کردن راه اولیا ادامه می‌داد. ناخودآگاه لحظاتی روی او متمرکز شدم. مادری به همراه فرزندش اجازه‌ی ورود می‌خواست و سرایدار اجازه نمی‌داد. مادر مدام دلیل می‌آورد که خانم باید با ناظم صحبت کنم، مشکلی برای پسرم پیش آمده... اما سرایدار می‌گفت: «خانم، ناظم الان وقت ندارد. لطفاً بعداً بیایید.»

در این گیرودار، پدر یا مادرهای دیگر به همین ترتیب آمدند تا با اولیای مدرسه صحبت کنند، اما دریغ از گوشی شنوا.

من همان‌طور که مشغول تماشای این واقعی‌ترین فیلم زندگی مدرسه بودم، در ذهنم آن را نقد می‌کردم که: «کار ضعف دارد؛ پاسخ‌گویی ضعیف است، به اولیا بها نمی‌دهند، هیچ نیرویی نیست تا جواب اولیا را بدهد و...» انگار حضورم در آنجا طولانی شده بود؛ زیرا همان خانم سرایدار، بعد از بیرون کردن همه‌ی اولیا از مدرسه، مرا هم خطاب قرار داد که «خانم کارمند! کار شما چی شد؟ چرا بیرون نمی‌روید؟»

نگاهش کردم. حرفی برای گفتن نداشتم. سرم را پایین انداختم و از در مدرسه خارج شدم. عصر آن روز، یادداشتی برای ناظم نوشتم و به این وسیله غیبت پسرم را خبر دادم. اما آن قدر از این برخورد ناراحت بودم که به یکی از دوستانم که معاون دبستان دخترانه است، تلفن کردم و با گله ماجرا را برایش

پسرم به خاطر ناراحتی و عفونت گلو یک روز از مدرسه غیبت کرد. روز بعد، چند دقیقه‌ای زودتر از معمول او را به مدرسه رساندم تا بتوانم قبل از مراسم صبح‌گاهی ناظم یا معلم را ببینم و غیبت پسرم را موجه کنم. چشم‌تان روز بد نبیند! وقتی خواستم از در مخصوص معلمان وارد مدرسه شوم، سرایدار جلویم را گرفت که: «خانم، کجا؟»

گفتم: «سلام. صبح‌به‌خیر. می‌خواهم غیبت پسرم را موجه کنم.»
گفت: «الان وقتش نیست خانم؛ لطفاً یک ساعت دیگر بیایید.»
گفتم: «نمی‌توانم. من کارمندم و راهم دور است؛ چه‌طور یک ساعت دیگر دوباره برگردم اینجا؟»

اجازه داد؛ در حالی که چهره‌اش چندان راضی نمی‌نمود. انگار که به حریم خصوصی‌اش وارد شده باشم!

همین که پا به درون مدرسه گذاشتم، خود را در راهرویی کوچک دیدم که انتهای آن دفتر مدیر و دفتر معلمان بود. به رسم ادب، چند لحظه‌ای مکث کردم. کمی دور و برم را بررسی کردم تا دقیقاً ببینم کجا باید بروم؟ ناظم مدرسه را دیدم در حالی که داشت به یکی از کلاس پنجمی‌ها تذکر می‌داد. رویم را برگرداندم که یعنی آن دورا در این حال ندیده‌ام. به این ترتیب، دقایقی منتظر ماندم. در همین احوال، سرایدار و نگهبانی که لحظه‌ی ورود راهم را



معلم برادر

● نرگس باقری تیر تاشی

شهرستان گلوگاه



گاهی اوقات دانش آموزان تأثیر بهتر و بیشتری از همدیگر می پذیرند، لذا ما باید بستر چنین کاری را فراهم کنیم تا زمینه‌ی پیشرفت و تغییر را در آن‌ها ببینیم

سال دوم خدمتم در یکی از روستاهای اطراف نکا که از شهر فاصله‌ی کمی داشت، مشغول شدم. روستای محرومی بود. مسیر روستا از میان زمین‌های کشاورزی و شالیزارها می‌گذشت و در فصل زمستان برای عبور از آن باید چکمه می‌پوشیدیم. حتی در بعضی از قسمت‌ها باید تا مدت‌ها می‌ایستادیم تا وسیله‌ی عبوری ما را سوار کند در طول این مسیر جز مدرسه‌ای چند پایه با سه معلم هیچ خانه یا ساختمانی نبود.

آنجا پایه‌ی اول و دوم با من، سوم و چهارم با یکی از خانم‌معلم‌ها که از شهرستان نکا می‌آمد و پایه‌ی پنجم و مدیریت با یکی از آقایان بود که از روستاهای اطراف می‌آمد. برای یک آموزگار کم‌سابقه و کم‌تجربه داشتن دو پایه‌ی مختلط بسیار مشکل است. روزهای اول، کنترل کلاس و همچنین تدریس برای یک پایه و دادن تکلیف به پایه‌ی دیگر و انجام دادن سریع آن مشکل به نظر می‌رسید و و شلوغ شدن کلاس هم مسئله‌ای مضاعف شده بود. به این نتیجه رسیدم که در پایه‌ی دوم به دانش‌آموزان باهوش‌تر مسئولیت بدهم و خودم به پایه‌ی اول رسیدگی بیشتری کنم تا به شناخت حروف برسند. برای نمونه روزی در کلاس متوجه شدم که دو برادر هستند، یکی پایه‌ی اول و بسیار ضعیف و دیگری پایه‌ی دوم که نسبتاً متوسط بود. بزرگ‌تر را معلم برادر پایه‌ی اول قرار دادم. او با تشویق برادرش و دادن تکلیف در بعضی از درس مشترک و حتی تکرار و تمرین البته با مشورت من توانست برادرش را به درس خواندن تشویق کند و پیشرفت چشمگیری نشان دهد. با مدیر صحبت کردم که هدایایی تهیه و در جمع دانش‌آموزان به هر دو برادر داده شود. به یکی به‌عنوان پیشرفت در درس و به دیگری به‌عنوان معلم برادر.

به این ترتیب خاطره‌ی تدریس دو پایه در پایان سال برایم بسیار جالب توجه شد و از نتیجه‌ی کارم بسیار خوش‌حال شدم چون همه‌ی دانش‌آموزانم با وضعیت درس عالی به پایه‌ی بالاتر راه یافته بودند. آن سال فهمیدم که گاهی اوقات خود دانش‌آموزان تأثیر بهتر و بیشتری از همدیگر می‌پذیرند، لذا ما باید بستر چنین کاری را فراهم کنیم تا زمینه‌ی پیشرفت و تغییر را در آن‌ها ببینیم.

شرح دادم. منتظر بودم از من دفاع کند و دست‌کم آرامم کند ولی او با چنان استدلال و منطقی از موضع معاونت مدرسه و خود مدرسه دفاع کرد که ناچارم حرف‌هایش را برایتان شرح دهم تا شما قضاوت کنید.

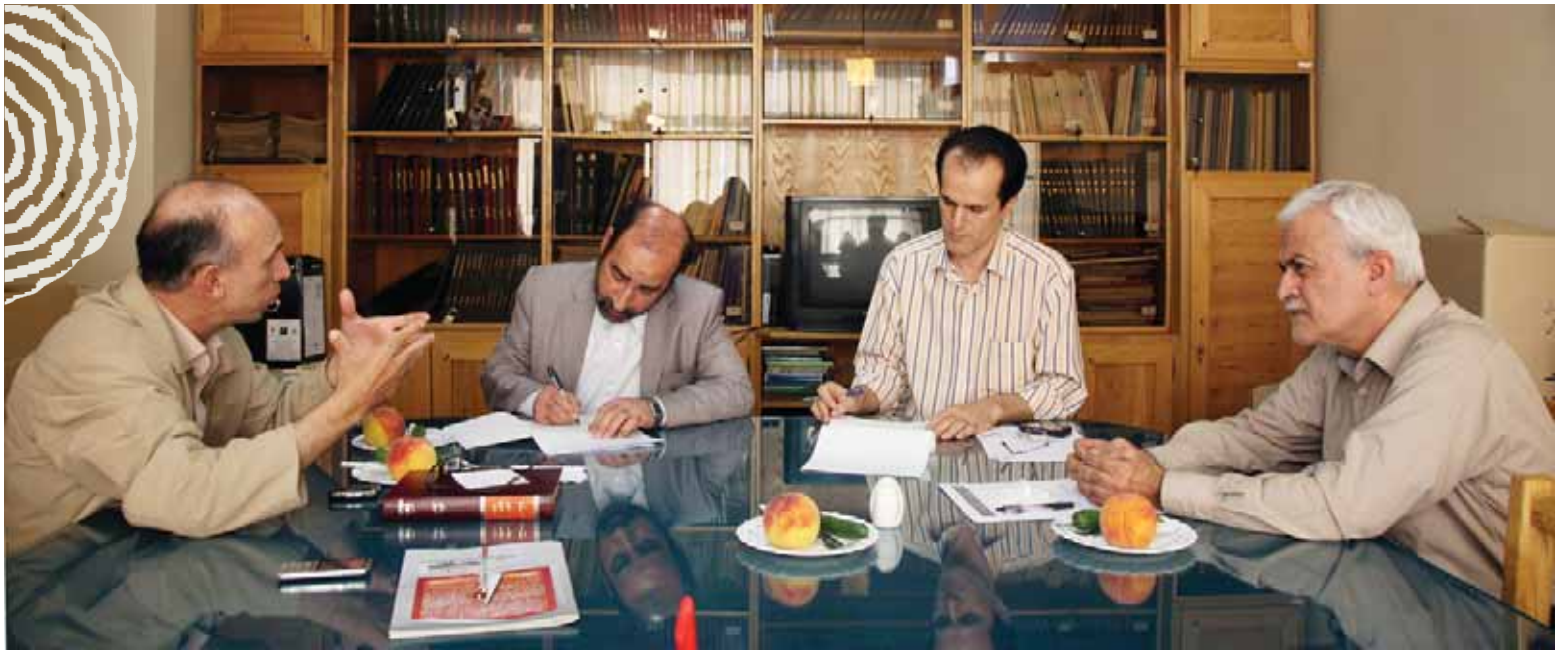
دوستم به من گفت: «هر مدرسه‌ای آیین‌نامه‌ای دارد که طبق آن رفتار می‌کند. شما از آیین‌نامه‌ی مدرسه‌ی پسر و نحوه‌ی موجه کردن غیبت چه می‌دانی؟ می‌دانی که ساعت هفت تا هشت صبح، شلوغ‌ترین ساعت کاری ناظم و معاون مدرسه است؟ فقط در همین یک ساعت، حدود ۲۰۰ تا ۳۰۰ دانش‌آموز وارد دبستان می‌شوند. اول صبح است، بچه‌ها تازه از خواب بیدار شده‌اند، بعضی صبحانه خورده و بعضی نخورده‌اند و هنوز چشمانشان کاملاً باز نشده است؛ مخصوصاً آن‌ها که با سرویس می‌آیند و در ماشین هم می‌خوابند. بعضی از کلاس اولی‌ها و دومی‌ها تا وارد حیاط مدرسه می‌شوند، باید ناظم، معاون، مربی تربیتی و حتی سرایدار را ببینند تا با اطمینان از پدر یا مادرشان جدا شوند و پا به مدرسه بگذارند. یک نفر باید مراقب آب‌خوری‌ها و دست‌شویی‌ها باشد که مبادا برای بچه‌ها اتفاقی بیفتد. تأخیر ورودها باید ثبت شود. پنجمی‌ها و ششمی‌ها به مراقبت نیاز دارند تا مزاحم کوچک‌ترها نشوند. گروه تدارکات صبح‌گاه به در دسترس بودن ناظم یا مربی تربیتی نیاز دارند تا با آن‌ها صبح‌گاه را تنظیم کنند و به همین ترتیب، در همین یک ساعت، یک‌بارہ حضور ۳۰۰ دانش‌آموز در سن ابتدایی باید کنترل و نظارت شود.

حال شما تصور کن اگر فقط روزی چند نفر از این ۳۰۰ نفر، درست در همین ساعت هفت تا هشت صبح، به رسیدگی ویژه نیاز داشته باشد، چه اتفاقی می‌افتد؟ مدرسه دو تا ناظم و یک معاون و یک مربی تربیتی که بیشتر ندارد! اگر قرار باشد حتی یکی از این افراد صبح‌ها به کار آن چند نفر ویژه رسیدگی کند، سامان دادن حیاط مدرسه و ۲۰۰ و چند دانش‌آموز دیگر دچار مشکل می‌شود.

در حالی که بعد از ساعت هشت صبح که این ۳۰۰ نفر تقسیم می‌شوند و هر ۳۰ تا ۴۰ نفرشان با یک معلم در کلاس کنترل می‌شوند، شما وقت داری به مدرسه مراجعه کنی و غیبت پسر را موجه کنی یا حتی اگر پیشنهادی، شکایتی و درد دلی داری، با مدیر و معاون مطرح کنی. شما چون کارمند هستی و عجله داری که سر ساعت به محل کارت برسی، انتظار داری در همان ساعت شلوغی، آنان از وظیفه‌ی اصلی خود که رسیدگی به فرزند تو و امثال توست دست بکشند و به حرف شما یک نفر یا چند نفر رسیدگی کنند؟ آیا این انتظار بجاست؟

سرایدار مدرسه هم باید مراقب باشد که مبادا بچه‌ها به هر دلیلی، بدون اطلاع از مدرسه خارج شوند، آن وقت صحیح است که اولیا در کار او اخلاص ایجاد کنند؟ فکر نمی‌کنی فقط و فقط ساعت حضورت در مدرسه برای موجه کردن غیبت پسر، نابجا بوده است و فقط اگر نیم ساعت دیگر به مدرسه می‌رفتی، با چنین برخوردی روبه‌رو نمی‌شدی و در روند مدرسه هم اخلاص ایجاد نمی‌کردی؟»

دوستم به این‌جای صحبت‌هایش که رسید، دیگر سکوت کرد. منتظر ماند تا کلامی از من نشنود. راستش حرف زیاد داشتم که بزنم اما احساس کردم فعلاً باید کمی صبر و بیشتر فکر کنم. بنابراین سکوت را ترجیح دادم اما می‌خواهم قضاوت را به شما واگذار کنم؛ نظر شما چیست؟



چشم خود بر خود گشا

بررسی هویت ملی و دینی با حضور کارشناسان آموزش و پرورش

اصغر ندیری
● عکس: رضا بهرامی

بزرگوار

اشاره

یکی از موضوعاتی که دانستن مختصاتی از آن برای آموزگاران دوره‌ی ابتدایی مهم است بحث هویت، هویت ملی و شناخت شناسنامه‌ی فرهنگی، ارزشی و وجودی خود است. این موضوع با مؤلفه‌هایی از قبیل زبان، سرزمین، قومیت، دین و دولت به گونه‌های مختلف در کتاب‌های درسی دوره‌ی ابتدایی مطرح شده و لازم است معلمان با این موارد به خوبی آشنا شوند و به شکلی روشن آن را به دانش‌آموزان توضیح دهند. بنابراین، دفتر مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی با دعوت از کارشناسان در میزگردی این مهم را به بحث و نقد گذاشته است تا ذهن مخاطبان با ویژگی‌های این اصطلاح بیشتر آشنا شود.

دکتر محمدرضا سنگری، سردبیر مجله‌ی رشد زبان و ادب فارسی و استاد دانشگاه، مسعود جوادیان، کارشناس ارشد تاریخ؛ جعفر ربانی، نویسنده و مؤلف کتاب «هویت ملی» و اصغر ندیری، سردبیر مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی از کارشناسان حاضر در این نشست بودند. آن‌چه در ادامه می‌خوانید، مشروح این میزگرد است.

سپس باید با بیان مصداق‌های هویتی (شخصی و ملی) به دانش‌آموز اطلاعات بدهیم. شخص باید نسبت به خودش آگاهی داشته باشد. کسی که از خودش آگاه نیست، در واقع هویت ندارد. آن‌ها که خود را می‌شناسند، انسان‌های موفق‌تری هستند.

آن‌چه مورد نظر ماست البته «هویت ملی» است که می‌توان آن را هویت ایرانی نیز نامید. یعنی اگر فرد به ایرانی بودن خود تعلق خاطر داشته باشد می‌توان گفت که هویت ایرانی دارد اما این گفتن بدون در نظر گرفتن مصادیق جغرافیا، زبان (که فارسی و

حوزه‌ی تعلیم و تربیت کشور فعالیت دارد، در ابتدا گفت: «اول باید هویت را معنا کرد. هویت در لغت به معنای چیستی و کیستی است. برای دانش‌آموزان در همین حد معرفی کافی است.

آداب و رسوم و کنش‌های ما برخاسته از هویت ماست. ما یک هویت دینی داریم که با آن خودمان را می‌شناسانیم. معتقد به قرآن هستیم و به اسلام باور داریم. بنابراین، دین‌مداری می‌شود هویت دینی و عنصری برای هویت‌بخشی به ما

سردبیر مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی با خیرمقدم به مهمانان جلسه بحث را با مقدمه‌ای این‌چنین شروع کرد: «هدف از این جلسه این است که ببینیم هویت یا هویت ملی و مؤلفه‌های آن چیست و آیا می‌شود در دوره‌ی ابتدایی آن را مطرح کرد. نشانه‌های این بحث در کتاب‌های درسی چیست و چگونه باید به آن پرداخت؟ همان‌طور که می‌دانید تعاریف بسیاری از هویت شده اما تعریف مورد نظر ما کدام است؟»

جعفر ربانی، مؤلف کتاب «هویت ملی» و فردی که سال‌هاست در



دکتر محمد رضا سنگری

زبان ملی است)، تاریخ مشترک و آداب و رسوم مشترک مانند نوروز و حتی ابعاد دینی هویت مانند برگزاری مراسم عاشورای حسینی معنای چندانی نمی‌یابد.»

دکتر محمد رضا سنگری به هویت به عنوان «معرفی خود» اشاره کرد و گفت: «شما هرگاه خود را معرفی می‌کنید، در حقیقت هویتتان را معرفی کرده‌اید. هویت یا فردی است یا جمعی. هویت فردی گاه به معنای خویشتن (self) بیان می‌شود و هویت جمعی (others) در معنای دیگران. در هویت فردی ممکن است من نامم را مطرح کنم؛ یعنی خودم را از دیگران جدا می‌کنم. هنگام صحبت از هویت، سخن از مشترکات و تفاوت‌هاست. با این تعریف ما تصویری از خود در ذهن دیگران می‌سازیم. من ایرانی با بیان ویژگی‌هایی مشترک با ایرانی‌ها و وجه مشترک هویت جمعی خود را بیان می‌کنم. این نمایشگر تفاوت‌های ما با دیگر ملت‌هاست. این مشترکات تاریخی، جغرافیایی یا زبانی است. در مورد زبان باید بگویم ما فارسی حرف می‌زنیم ولی وقتی به زادگاهمان می‌رویم، هویت قومی خود را نشان می‌دهیم و به گویش محلی تکلم می‌کنیم. پس زبان و حتی سکونت در شهر یا روستا از عناصر هویت‌بخشی است.

فرهنگ نیز عنصر هویتی است. آداب و رسوم و کنش‌های ما برخاسته از هویت ماست. ما یک هویت دینی داریم که با آن خودمان را می‌شناسانیم. معتقد به قرآن هستیم و به اسلام باور داریم. بنابراین، دین‌مداری می‌شود هویت دینی و عنصری برای هویت‌بخشی به ما.»

این استاد دانشگاه و مؤلف کتاب درسی درباره‌ی لزوم شناخت نسل امروز از هویت خود می‌گوید: «فرزندان ما باید هویت خود را بشناسند؛ زیرا زمانی می‌توانند به آن افتخار کنند که از آن شناختی درست به دست آورند.»

او درباره‌ی وظیفه‌ی مؤلفان کتاب‌های درسی گفت: «وظیفه‌ی برنامه‌ریزان درسی این است که به فراخور مخاطب، هویت را به گونه‌ای مطرح و

تبیین کنند که مایه‌ی افتخار دانش‌آموزان باشد. مثلاً در تاریخ، گذشته را طوری بیان نکنیم که دانش‌آموز احساس کند چیزی برای تکیه کردن و افتخار ندارد. قوام نکرومه، اولین رئیس‌جمهور غنا، در سال ۱۹۶۰ میلادی در کتاب خود به نام «آفریقا باید متحد شود» می‌گوید: «وقتی دیگران (استعمارگران) آمدند، سعی کردند همه‌ی گذشته‌ی ما را از بین ببرند و جای آن چیز دیگری گذاشتند. گفتند مثلاً فرانسوی یا هلندی بودن هویت است و به آن افتخار کنید.

باید زمینه‌ای فراهم کنیم تا دانش‌آموزان به هویت خود و عناصر آن مانند تاریخ گذشته احترام بگذارند و به آن افتخار کنند.»

پیچیدگی مؤلفه‌های هویت

مسعود جوادیان در ادامه‌ی میزگرد وارد بحث شد و نکته‌ای را یادآوری کرد: «مؤلفه‌های هویت ثابت نیستند بلکه سیارند. برای مثال، اگر در دوره‌ی پیش از اسلام از یک ایرانی سؤال می‌کردید تو کیستی، پاسخ او متفاوت با کسی بود که دو قرن بعد در ایران زندگی می‌کرد. ایرانی دوره‌ی ساسانی، ایرانی دوره‌ی اشکانی و ایرانی پس از اسلام هویت‌های متفاوتی داشته‌اند. خوب است بدانیم هرچه زمان بگذرد،

مؤلفه‌های هویت بیشتر و پیچیده‌تر می‌شود.» جوادیان در پاسخ به این پرسش که آیا مؤلفه‌های هویت را خودمان برای خود تعریف می‌کنیم یا دیگران به آن قائل‌اند، گفت: «به‌نظر می‌رسد هر دو باشد. حتی مشاهیر فرهنگی، هنری، ورزشی و سیاسی نیز بخشی از عناصر هویتی ما هستند.»

دکتر سنگری در تکمیل سخنان مسعود جوادیان افزود: «این نکته که اشاره شد نکته‌ی مهمی است. یعنی در مبحث مربوط به هویت یکی از مسائل مطرح شده این است که آیا هویت ایستاست یا پویا؟ حقیقت این است که هویت امری پویاست یعنی در طی زمان تغییر می‌کند و با ورود پدیده‌های جدید به زندگی انسان جلوه‌های تازه‌ای از هویت مطرح می‌شوند. نکته‌ی مهم اینکه دیگران هم برای ما هویت معلوم می‌کنند؛ یعنی عناصر سازنده‌ی هویت کثرت می‌یابد. مثلاً ممکن است عناصر ورزشی یا هنری باشند. اگر ما در یک جمع هنری بیرون از ایران قرار بگیریم، آن‌ها از ما یک هویت هنری خواهند ساخت و اگر در یک جمع ورزشی باشیم هویت ورزشی ما به تناسب رشته‌های متنوع ورزشی معرفی می‌شود.

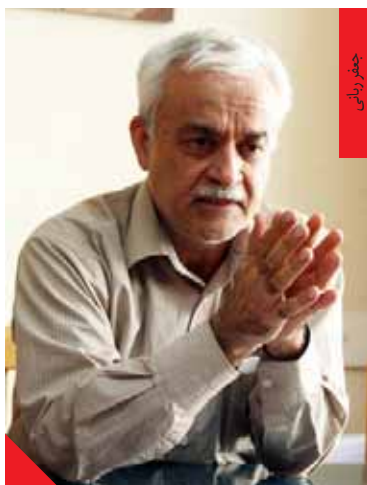
مقام معظم رهبری فرموده‌اند: این انقلاب بی‌نام خمینی در هیچ‌جای جهان شناخته شده

نیست. حقیقت هم همین است که در بسیاری از جاهای دنیا ما را با هویت سیاسی مان می‌شناسند. گاهی ممکن است ما را با نمادهایمان بشناسند. مثلاً با نماد سرود یا پرچم جمهوری اسلامی ایران. حتی ممکن است ایرانیان را با غذاهای آن‌ها بشناسند. پس عناصر متعددی تأثیرگذارند.» تا این قسمت، کارشناسان کلیات درخور توجهی در مورد هویت مطرح کردند. حال باید سؤال کرد که آموزگاران و مخاطبان مجله چگونه می‌توانند موجب هویت بخشیدن و تحکیم آن در دانش‌آموزان شوند؟

جعفر ربانی این‌گونه توضیح می‌دهد: «به‌طور اجمالی، آموزگاران از دو طریق می‌توانند بر هویت ملی تأکید کنند. برنامه‌ی درسی ما در ایران و کشورهای دیگر متمرکز است. وزارت آموزش و پرورش برنامه‌ی درسی کل دانش‌آموزان را در دوازده سال از ابتدایی تا دبیرستان تهیه می‌کند که در همه‌جا یکسان آموزش داده می‌شود. معمولاً در درس‌های ادبیات و تاریخ بر ایرانی بودن و هویت‌های دینی و ملی بیشتر تأکید می‌شود. از این‌رو، یکی از راه‌های تحکیم هویت ملی همین برنامه‌های درسی است. کتاب‌های درسی که دانش‌آموزان از اول ابتدایی تا آخر دبیرستان می‌خوانند و در آذربایجان و سیستان و بلوچستان یکسان است و بجهت‌ها مفاهیم مشترکی را می‌آموزند. راه دیگر انتقال هویت، جنبه‌های فردی خود معلم‌هاست. کارشناس گرامی دکتر سنگری درباره‌ی آموزش تاریخ در مدارس اشاراتی داشتند که من هم بر آن‌ها تأکید می‌کنم؛ معلم اگر خود هویت فردی یا جمعی نداشته باشد که نمی‌تواند آن را به دانش‌آموزان انتقال دهد و برعکس چه بسا آموزگاران داریم که بنا به دلایلی از جامعه‌ی خود آن هویت را نگرفته‌اند و نمی‌توانند آن را به دانش‌آموزان منتقل کنند. بنابراین یک جنبه‌ی رسمی آموزش هویت دادن به دانش‌آموزان است و جنبه‌ی غیررسمی آن بستگی به معلم دارد.

استحکام هویت ایرانی

تحکیم پایه‌های هویت ایرانی در گروه‌شناسایی و باور آن مهم است. دکتر سنگری می‌گوید: «برای اینکه هویت ایرانی تحکیم یابد، باوراندن درست آن به دانش‌آموزان مهم است. در این زمینه باید چقدر کار کنیم؟ اول معلمان هویت ایرانی را بشناسند و از ارزش‌های گذشته و امروز



جعفر ربانی

ایران آگاهی یابند. اگر معلم احساس هویت نکند و به ایرانی بودن خود نبالد، نمی‌تواند این حس را انتقال دهد. نکته‌ی دوم اینکه دانش‌آموزان هویت ایرانی خود را بشناسند؛ یعنی عناصر هویت‌بخش ایرانی به‌درستی به دانش‌آموزان معرفی شود. این باید در فضای برنامه‌های درسی، کتاب‌های درسی و در تمام دوره‌های تحصیلی انجام شود. چون مبحث گریز از هویت و نفی آن نسل امروز را تهدید می‌کند.

یک خبرنگار ژاپنی گزارشی از ایران تهیه کرده بود و در آن از مردم پرسیده بود شما دوست دارید چه بکنید و کجا بروید؟ جوانی گفته بود: «من دوست دارم به اروپا، کانادا یا آمریکا بروم و درس بخوانم» یا کسانی که میل به جهانگردی داشتند، ترجیح داده بودند به‌جای دیدن آثار تاریخی و گردش در ایران به خارج بروند! آن خبرنگار هم در انتهای مصاحبه این‌طور آورده بود که: «ایران دارای ملتی است که از هویت خویش می‌گریزند.» و این بسیار خطرناک است. امروز همه‌ی دنیا از این جهت تهدید می‌شود. در چین یکی از مسئولان آموزش و پرورش گفته است: «نگرانی بزرگ ما این است که نسل امروز اندیشه‌ی رفتن از سرزمین خود به جاهای دیگر را دارد و هویت خود را در آنجا جست‌وجو می‌کنند.»

البته ما در پی طرح مسائل گذشته برای توقف در گذشته نیستیم و آلا امروز این سؤال جدی مطرح خواهد شد که ما امروز چه داریم که به آن افتخار کنیم؟ اعتقاد این است که باید زمینه‌های بسازیم و در تمامی کتاب‌های درسی این سؤال جدی را طرح کنیم و این مطلب، عنوان یک درس باشد. چرا باید به ایران و ایرانی

بودن افتخار کنیم؟ این باید در متن کتاب‌های درسی باشد و حتی اجازه دهیم هر فردی در هر جای ایران نه فقط به ایرانی بودنش بلکه به تعلق داشتنش به جزئی از فرهنگ ایرانی افتخار کند.

هر کس باید بتواند فرصت پرداختن به فرهنگ بومی و منطقه‌ای خودش را پیدا کند. این تلاش را در کتاب‌های فارسی منعکس کردیم. درس آزاد گذاشتیم که دانش‌آموزان بتوانند در هر استان، منطقه‌ی خود را مطرح کنند. یافتن ارزش‌ها و پرداختن به هویت را نباید صرفاً به افراد القا کرد بلکه باید کاری کنیم که خود فرد به این مسئله برسد. نباید برنامه‌ی درسی القایی باشد بلکه برای دانش‌آموز زمینه و فضایی باید فراهم شود که ارزش ایرانی بودن خود را دریابد و به آن افتخار کند.»

سردبیر مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی پس از توضیحات دکتر سنگری از جوادیان می‌پرسد: «حال که حرف از هویت در برنامه‌های درسی به میان آمد، به‌عنوان نویسنده و پژوهشگر تاریخ بفرمایید بحث ایرانی بودن از چه زمانی در ایران مطرح شد؟»

مسعود جوادیان می‌گوید: «در ارتباط با ایرانی بودن در دوره‌ی هخامنشی ماجرای ۱۰/۰۰۰ سرباز یونانی جالب توجه است. اردشیر دوم می‌خواهد علیه برادرش کودتا کند. سپاهی را که اکثراً یونانی هستند روانه می‌کند تا برادرش را ساقط کنند و سپس ایران را تصرف کند. یونانی‌ها می‌آیند و با سپاه شاه رو در رو می‌شوند. آنجا جمله‌ای را از یکی از فرماندهان سپاه ایران نقل می‌کنند، به این مضمون: «ای نامردترین مردمان و نادان‌ترین آنان که ننگ نام کورش می‌باشید، آیا این یونانیان شوم را بر ایران کشاندید تا صحراهای ایران را تاراج کنند و آرزوی این دارید برادر و سرور خود را نابود کنید...؟»

نمونه‌ی دیگر در اوستا (کتاب آسمانی دینی باستانی ایرانیان) آمده که دعا می‌کند: «خداوندا سرزمین ما را نگهدار. آن سرزمین‌هایی که کوه‌های بلند دارد، رودهای جاری دارد، محصولات خوب می‌دهد، غله‌های پرپاری دارد...» و این نشان می‌دهد که این سرزمین باید معنایی داشته که این چنین ذهن نویسنده را درگیر کرده است. از قول خشایارشا نقل شده است که اهورا مرا، خاندانم را و این کشور را از بلا بیاید.



که مردم بدانند الان کجا هستند؟ دیگر آن سردرگمی پیشین نبود. مردم نسبت به مسائل جامعه حساس شدند و همین باعث شد کاستی‌ها و کژی‌ها را ببینند و در مقابل آن‌ها بایستند. وقتی این حرکت انقلابی اتفاق افتاد و مردم را به هم پیوند زد و وحدت در بین مردم ایجاد شد، هویتی تازه به این جامعه بخشید. امید در جامعه دويد، باور به جامعه بخشید، جامعه‌ای که خود را باور نداشت. باور، احساس توانایی و جهت‌گیری واحد در جامعه یعنی وحدت در نظر، در حرکت، در رهبری و وحدت در آرمان هویت جدیدی به ما بخشید.»

تغییر در عناصر هویتی

دکتر سنگری در ادامه‌ی بحث هویت در کشورمان پس از انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی به تغییر احتمالی عناصر هویتی اشاره کرد و افزود: «ممکن است عناصر هویتی در طی زمان هم تغییر کند. واقعیت این است که نسبت به ۵۰ سال پیش عناصر هویتی ما تا حدی تغییر کرده است. الان مسائل دیگری به ما هویت بخشیده است. انقلاب اسلامی این تأثیر را داشت که کثرت، پراکندگی و گسستگی را به وحدت تبدیل کرد. بنابراین یک خط و رشته‌ی مشترک میان ما به وجود آورد و ما را به هم نزدیک کرد. دفاع مقدس نیز از چند جهت هویت‌بخش بود. برای ایران، حداقل این چند قرن گذشته هرگاه جنگی اتفاق افتاده پاره‌ای از کشور ما جدا شده است اما در این هشت سال ده‌ها کشور در مقابل ما بودند. من جنوبی هستم و حدوداً از تیرماه ۱۳۵۹ درگیر جنگ بودیم چون دشمن دائماً به مرز حمله می‌کرد و من در مکالمات بی‌سیم‌ها عربی، روسی، فرانسوی و انگلیسی می‌شنیدم. الان اگر کسی به موزه‌ی دفاع مقدس مراجعه کند، غنائمی از پنج کشور جهان را می‌تواند ببیند. چنین اتفاقی به هیچ‌وجه در هیچ‌جای تاریخ ایران نیفتاده است. آن‌چه ما را در این جنگ پیروز کرد همان وحدت و همدلی مردمی و رهبری و وحدت فکری در جامعه بود. دفاع مقدس هویتی جدید به ما بخشید که افتخارآمیز است. بنابراین هم انقلاب اسلامی و هم دفاع مقدس را دو عنصر بسیار بزرگ در تحکیم و تثبیت هویت ایرانی می‌دانیم و

به آن افتخار می‌کنیم.»

آموزگاران و میهن‌دوستی

جوادیان برای تفهیم علاقه‌مندی به میهن از سوی آموزگاران به دانش‌آموزان شاخصه‌هایی را در نظر دارد. او می‌گوید: «آموزگاران باید به ایران و ایرانی بودن علاقه‌مند و در این زمینه دانش کافی داشته باشند تا بتوانند بر دانش‌آموزان اثرگذار باشند. مقدم بر آن، فکر می‌کنم خانواده‌ها اهمیت بیشتری داشته باشند. در دوره‌ی ابتدایی طفل در واقع ارتباط بیشتری با خانواده دارد و زمان بیشتری را با آن‌ها می‌گذراند. بنابراین مهم است که پدر و مادر در این مورد چطور فکر کنند.»

هویت دینی و ایرانی

جعفر ربانی، مؤلف کتاب «هویت ملی» عقیده دارد که نباید میان هویت دینی و هویت ملی یا ایرانی تضاد ایجاد کرد. وی می‌گوید: «از آموزگاران می‌خواهم که با این موضوع احساسی برخورد نکنند. در آثار بزرگان این سرزمین داریم که میان مسلمان بودن و ایرانی بودن تضادی وجود ندارد. حتی در شاهنامه، به‌ویژه اواخر آن، که به جنگ ایران و عرب می‌پردازد، متعرض اسلام نمی‌شود. پیشنهاد می‌کنم مخاطبان مجله کتاب «خدمات متقابل ایران و اسلام» شهید مطهری را بخوانند و ببینند ایران و اسلام چقدر بر یکدیگر اثر گذاشته‌اند.»

محمدرضا سنگری: «می‌خواهم از یک نیاز سخن بگویم. ما باید مفاد برنامه‌ی درسی و هویت ملی را به‌دقت تدوین کنیم. مطرح کنیم که در علوم چگونه باید به هویت ملی بپردازیم و در علوم اجتماعی به مسائل هویتی تکیه کنیم. حتی در ریاضی و درس دینی و حتی در دوره‌های دبیرستانی و دروسی مانند ریاضی و فیزیک چگونه می‌توان به مباحث ایرانی پرداخت. این پرداخت با تعصب و تعلق هم باشد. چون تعصب و تعلق و جانب‌داری آگاهانه بد نیست. باید از ایران طرفداری و دفاع کنیم. یعنی تعصب داشته باشیم که کسی متعرض ارزش‌های ما نشود. ما از تمدن‌های بزرگ جهان هستیم و زیبایی‌های تمدنی خودمان را می‌توانیم معرفی کنیم.»

طبیعی است که منظورش فقط فارس نمی‌تواند باشد بلکه کل قلمرو مورد نظر است. پس ما به این نتیجه می‌رسیم که ایران و ایرانی بودن فقط به معنای آنچه از آن یاد می‌کنیم، نیست. در کل می‌دانیم که ایران به معنای سرزمین و وطن ما قدمت زیادی دارد.

ربانی نیز می‌گوید: «اینکه ایرانی بودن و هویت ایرانی از چه زمانی وارد بحث‌ها و موضوعات ما شده است، تحقیقی کرده‌ام و دنبال این موضوع بوده‌ام. اما امروزه وقتی می‌گوییم ایران، همین حدود امروزی مورد نظر است در حالی که روزی افغانستان هم جزء ایران بود. آن کشور هنوز هم فرهنگ ایرانی دارد اما از نظر سیاسی چیز دیگری است.»

هویت ما پس از انقلاب اسلامی ایران

با توجه به اهمیت وقوع انقلاب اسلامی و در پی آن دفاع مقدس، ندیری از دکتر سنگری درباره‌ی اثرگذاری این دو عنصر مهم بر هویت ایرانی می‌پرسد. این استاد دانشگاه می‌گوید: «وقوع انقلاب اسلامی زمینه‌ساز پیوستگی مردم ایران شد. مردمی که پیش از آن گسسته بودند و فضای یأس‌آمیزی حاکم بود که آثار آن را می‌توانیم در ادبیات خود ببینیم. اگر کسی فضای ادبیات قبل از انقلاب را بررسی کند، واژگانی مانند بن‌بست، زمستان، تاریک و عبث را بسیار می‌بیند. اخوان با اینکه «امید» تخلص می‌کند، فضای ناامیدی در شعرش فراوان دیده می‌شود. او در یکی از شعرهایش می‌گوید: سلامت را نمی‌خواهند پاسخ گفت... در فضای ادبیات منتور ما مثل رمان‌ها باز همین مسئله دیده می‌شود. پس از وقوع انقلاب اسلامی چند موضوع رقم زده شد. در قلمرو فرهنگ این جامعه مردم دریافتند کجا هستند. اولین نقطه‌ی عزیمت کشور این است

دوست داشتم چگونه رفتار می‌کردم!

● لیلی رحیم‌زاده
دکترای برنامه‌ریزی آموزشی

قسمت چهارم

اشاره

سخن از پژوهش دانش‌آموزی به‌ویژه در دوره‌های تحصیلی پایین‌تر هنگامی دارای اثربخشی است که بتواند واجد شرایط و ویژگی‌های خاصی باشد که از جمله‌ی آن‌ها سادگی و ارتباط آن با زندگی روزمره‌ی دانش‌آموزان است. در چنین حالتی دانش‌آموزان متوجه کاربرد آموخته‌های آموزشی خود در زندگی می‌شوند و این قربانت، به توسعه‌ی مهارت‌های پژوهشی و توانمندی بیشتر دانش‌آموزان، در طی زمان، حتی مواقعی که در مدرسه نیستند نیز منجر می‌شود. در این شماره، به نمونه‌ی ساده‌ی دیگری از پژوهش دانش‌آموزی اشاره شده است.

دختران، پسران!

اختلاف عقیده‌ی آموزگاران در مورد تفاوت‌های کار در کلاس دخترانه یا پسرانه همیشه وجود داشته است. عده‌ای اعتقاد دارند که دختران موجوداتی دوست‌داشتنی‌تر هستند، با محبت‌اند و بیشتر از پسران تلاش می‌کنند تا مورد تأیید آموزگار خود قرار بگیرند و از همین روی قوانین را رعایت می‌کنند و در انجام وظایف محوله احساس مسئولیت‌پذیری بیشتری دارند. در مقابل، آموزگاران دیگری به روحیه‌ی مردانه‌ی دانش‌آموز پسر اشاره می‌کنند و معتقدند همین روحیه موجب می‌شود آن‌ها با سکوت بیشتر اما مقاومت،

چندین سال تجربه در مدرسه‌ای دخترانه یا پسرانه فراهم آمده است. این گروه معتقدند اساساً چنین تفاوت‌هایی به احساس، نوع فکر و نوع رفتار معلم و نیز مدرسه‌ای که در آن مشغول به کارند بسیار وابسته است. برای مثال، هنگامی که آموزگار بعد از چند سال کار در یک مدرسه‌ی دخترانه به مدرسه‌ی پسرانه می‌رود، تفاوت رفتار این دو گروه موجب می‌شود که او در قیاس آن‌ها برآید و به‌طور مداوم لحظات خوش یکی را با دیگری در دو کفهی ترازو قرار دهد.

با این همه، یک چیز در مورد دانش‌آموزان ثابت و همیشگی است. به نمونه‌ی زیر به نقل

از پس مشکلات برآیند و بسیاری از مسائل کوچک را نادیده بگیرند. در این دسته از نظرها پراثرتری بودن پسران نقطه‌ی مثبتی محسوب می‌شود که در اثر آن، کلاس همیشه در حال انجام کاری است و هرگز به خمودگی و خستگی نمی‌رسد. برخی نیز اعتقاد دارند پسران در درک برخی دروس مانند ریاضی، باهوش‌تر از دختران عمل می‌کنند و این برای معلم به‌عنوان تسهیل‌گر شرایط یک امتیاز محسوب می‌شود.

در این میان، عده‌ای نیز اعتقاد دارند که تفاوت‌هایی از این دست تنها به‌خاطر عادت‌هایی است که برای یک معلم در طی



از یکی از آموزگاران توجه کنید و ببینید آیا متوجه این ویژگی مشترک در دانش‌آموزان دختر و پسر می‌شوید و با آن موافق هستید.

«چند سالی از حضور در مدرسه‌ی دخترانه و تدریس برای دخترهای دوره‌ی ابتدایی می‌گذشت. تقریباً همه‌ی پایه‌ها را تجربه کرده بودم. سال آخر در پایه‌ی پنجم بودم و احساس می‌کردم که بچه‌ها تفاوت زیادی با دانش‌آموزان کلاس دوم و سوم دارند. اما هنوز چند هفته‌ای از شروع سال نگذشته بود که متوجه شدم هر چند بچه‌ها بزرگ‌تر شده‌اند، برخی رفتارها به هر دلیلی هنوز در آن‌ها وجود دارد. روزی نبود که با شکایت‌های دانش‌آموزانم روبه‌رو نباشم.

خانم، ... مدادم را نمی‌دهد، خانم، ... مرا اذیت می‌کند، خانم، ... نمی‌گذارد من بنشینم. خلاصه مجبور بودم گاه و بی‌گاه، وسط درس یا انجام هر کار جدی دیگر در کلاس، به شکایت‌های آن‌ها رسیدگی کنم. اگر این کار را نمی‌کردم، محال بود دانش‌آموز شاکی بتواند بر ادامه‌ی درس متمرکز شود. این شرایط چندان برایم جالب نبود و احساس خستگی می‌کردم. آن روزها بیشتر با یکی از همکارانم صحبت می‌کردم که در مدرسه‌ی دیگری مشغول به کار بود. روزی در مورد احساسم در رویارویی با شکایت‌های دانش‌آموزان صحبت می‌کردیم که او از تجربه‌ی خودش در دبستان پسرانه گفت و به من اطمینان داد که با جابه‌جایی به یک مدرسه‌ی پسرانه می‌توانم برای همیشه با این رفتار دانش‌آموزان خداحافظی کنم. من هم که روحیه‌ی تنوع‌طلبی داشتم، فکر کردم تصمیم درستی است که تجربه‌ی تدریس در مدارس پسرانه را هم به فهرست تجاربم بیفزایم. به همین دلیل، پایان سال درخواست جابه‌جایی دادم و به یک مدرسه‌ی نمونه منتقل شدم.

تازگی مدرسه، همکاران و دانش‌آموزان موجب می‌شد که کمتر احساس کنم از

آن چه سال‌ها بدن خود کرده بودم دور افتاده‌ام. مشتاق بودم که کلاس را آغاز کنم و بتوانم زمان بیشتری را به انجام تدریس و نه رسیدگی به شکایت دانش‌آموزان اختصاص دهم. این واقعیتی انکارناپذیر است که کودکان به دلیل تفاوت جنسی دارای تفاوت‌های رفتاری و ارتباطی با یکدیگر هستند اما این را هم نمی‌توان انکار کرد که به هر حال آن‌ها انسان‌هایی هستند که باید رفتارها را بیاموزند و به هدایت و راهبری نیازمندند. با گذشت چند هفته از شروع سال و آشنایی بیشتر دانش‌آموزان با فصل تازه‌ای از شکایت‌ها آشنا شدم. اغلب دانش‌آموزانم پیش از اینکه شکایتی را به من منتقل کنند، خودشان وارد عمل می‌شدند و روزی نبود که دانش‌آموز کتک‌خورده، گاهی گریان و گاهی هم البته شاکی نداشته باشم. این تازه اول ماجرا بود، چون پیامد این درگیری‌ها، دخالت خانواده‌ی دانش‌آموزان نیز بود که حالا برای بررسی بیشتر به مدرسه می‌آمدند و ناخودآگاه مدرسه را درگیر مسائلی می‌کردند که به موضوع ارتباط دانش‌آموزان و همان شکایت‌های آنان مربوط می‌شد. در این فکر بودم که آیا پایان سال، درخواست انتقالی به مدرسه‌ی گذشته‌ام را که دیگر به شرایط عادت کرده بودم بدهم یا اینکه تلاش کنم با شرایط جدید انس بگیرم؟»

چنانچه در متن بالا نیز اشاره شد، دانش‌آموزان همواره در چالش ارتباط با همسالان و هم‌کلاسی‌های خود و گاه نیز، دانش‌آموزان سال‌های بالاتر قرار دارند. بر این اساس معلمان ممکن است شرایط گوناگونی را برای برخورد با اختلافات دانش‌آموزان در نظر بگیرند. گاهی این شرایط به فنون تدریس مربوط می‌شود و گاه وارد دنیای مدیریت کلاس درس می‌شویم. برای مثال، ممکن است معلم قانونی را در کلاس وضع کند که مطابق آن دانش‌آموزان باید برای اعلام شکایت خود از فرد دیگری، به زمان

و نوع ابراز شکایت خود توجه داشته باشند و مواردی را رعایت کنند و یا ممکن است معلم از دانش‌آموزان خود بخواهد تا به شیوه‌ی خاصی شکایت خود را بیان کنند. در هر حال، ایجاد شرایطی منصفانه و نیز لحاظ نمودن و توجه داشتن به احساسات همه‌ی دانش‌آموزان از هنرمندی‌ها و وظایف مهمی است که می‌توان از آموزگار انتظار داشت.

اما آیا راه‌های دیگری وجود دارد که بتواند به توانمندی دانش‌آموز کمک کند و مهارت او را برای رویارویی مناسب با موقعیت‌هایی که موجب ناراحتی‌اش می‌شود تقویت نماید؟ آیا چنین شرایطی با استفاده از پژوهش و توجه به مهارت‌های پژوهشی ممکن است؟ در ادامه این موضوع در قالب یک پیشنهاد پژوهش ساده‌ی دانش‌آموزی ارائه شده است.

همه‌ی شکایت‌های من

راهبردهای متفاوت و متعددی در برخورد با مشکلاتی که دانش‌آموزان با مسائل ارتباطی خود با دیگر همسالان خود دارند وجود دارد که به فراخور توانایی، اطلاعات و نوع تصمیم معلمان متفاوت است. اما در این بین یکی از راه‌ها به ایجاد توانایی لازم در خود دانش‌آموز مربوط می‌شود. در این دیدگاه، میزان دخالت معلم، به ارائه‌ی راهنمایی و هدایت او برای دستیابی به راه‌حل مناسب محدود می‌شود. بر این اساس استفاده از مهارت‌های پژوهشی و تکیه بر آن می‌تواند مؤثر باشد.

برای این منظور، معلم از دانش‌آموزان می‌خواهد تا در طول یک هفته به ارتباط خود با همسالان و هم‌کلاسی‌ها توجه کند. او باید در این مطالعه، بر یک برگه‌ی کاغذ (هر روز به تفکیک) برخوردها و مشکلات ارتباطی خود را ثبت کند. برای این کار فرم زیر طراحی شده است و در اختیار آنان قرار می‌گیرد. در ضمن ارائه‌ی این برگه، از دانش‌آموزان دعوت می‌شود تا در صورت لزوم، موارد برگه را تکمیل و مواردی را کم یا زیاد کنند.



چه اتفاقی افتاد؟	من چه رفتاری داشتم؟	دوست داشتم چگونه رفتار می کردم؟

من حمله می کنم	من دفاع می کنم	من هیچ کاری انجام نمی دهم
مثال: با تندی جوابش را می دهم مثل خودش رفتار می کنم	مثال: می خواهم دست از کارهایش بردارم با آرامش جوابش را می دهم	مثال: سکوت می کنم از او دور می شوم

دانش آموز نباشد، خوب است شرایطی فراهم شود که در یک یا چند جلسه به صورت کارگاهی، دانش آموزان در کنار والدین خود با همراهی معلم به فراگیری راهنمایی های لازم از سوی یک کارشناس مشاوره و یا روان شناسی مشغول شوند و در این جلسه یا جلسات به بررسی جداول خود بپردازند. در چنین شرایطی لازم است بدون ارائه رفتارهای سرزنش آمیز و با تکیه بر سطح یادگیری دانش آموزان، رهنمودهای عملی ارائه و دانش آموزان تشویق شوند تا در نمایش های ساختگی در کارگاه آموزشی، شرکت کنند. در ادامه، جهت پی گیری و تقویت اهداف مورد نظر از این اقدام از دانش آموزان درخواست شود تا برای یک هفته دیگر به مطالعه رفتار خود مشغول شوند و فرم مربوطه را مجدداً تکمیل نمایند. این فعالیت، با هدف شناخت خود، ایجاد ارتباط مناسب با همسالان و رفع مشکلات احتمالی در این زمینه و اصلاح رفتار انجام می گیرد و در این میان از مهارت هایی مانند مشاهده، تفکر، مقایسه و اندازه گیری، تجزیه و تحلیل، نتیجه گیری و ارائه گزارش بهره گرفته می شود.

با این نگاه و به منظور تقویت مهارت های پژوهشی دانش آموزان از طریق انجام پژوهش های ساده دانش آموزی، تجربیات فراوانی وجود دارد که می تواند هر لحظه از کلاس درس را شامل شود. به همین منظور منتظر دریافت نظرها و تجربیات فراوانی هستیم که شما در این زمینه در کلاستان دریافت می کنید.

بزرگ ترها صورت گیرد. برای راهنمایی بیشتر، جدول بالا که می تواند موجب دسته بندی ساده رفتارها شود، در اختیار دانش آموزان قرار می گیرد. لازم است هر دانش آموز بتواند تعیین کند که بیشتر رفتارهای او از چه نوع است. آیا بیشتر حمله می کند؟ حالت دفاعی دارد و یا آن که سکوت و فرار را ترجیح می دهد؟ در این شرایط، دانش آموز با استفاده از مهارت اندازه گیری و مقایسه به پاسخ این سؤالات دست می یابد.

در روان شناسی شناخت رفتارهای فرد توسط خود از مهم ترین عوامل در ایجاد عادات رفتاری مناسب محسوب می شود. بنابراین تا به این مرحله معلم موفق می شود دانش آموز را با خود و رفتارهایی که در برخورد مشکلات ارتباطی نشان می دهد روبه رو سازد. این مشاهده موجب تقویت رفتارهای مطلوب و تلاش برای کناره گیری از رفتارهای نامطلوب خواهد شد.

همچنین، توجه دادن دانش آموز به رفتارهایی که مورد علاقه یا خواست اوست در ستون سوم، راهی را پیش روی او باز می کند تا بتواند با روشننگری بیشتری به سمت رفتار مطلوب حرکت کند. در واقع نوشته های این ستون، بر ناخودآگاه فرد تأثیر می گذارد تا در شرایطی که در آینده با آن مواجه می شود فرد بتواند به شکلی که از خود انتظار دارد رفتار کند.

اما به منظور پرهیز از بیراهه های احتمالی و تصمیماتی که ممکن است چندان به صلاح

دانش آموزان در طول یک هفته ای که زمان دارند، به تکمیل جدول اقدام می کنند. در ستون اول به اتفاقی که بین خود و دوستانشان افتاده است اشاره می کنند. سپس به رفتار خود توجه می کنند و واکنش خود را می نویسند و در ادامه در ستون سوم می گویند که ترجیح می دهند چه رفتار دیگری می داشتند. لازم است معلم به دانش آموزان خود یادآوری کند که در صورت موافقت و تأیید رفتار فعلی خود می توانند در ستون سوم تنها به تأیید رفتار فعلی خود و علت آن اشاره کنند.

این فعالیت موجب تقویت حساسیت هر دانش آموز به رفتار و واکنش های خود شده و به صورت مستقیم رشد مهارت مشاهده می شود. همچنین، او ناگزیر از به کارگیری مهارت تجزیه و تحلیل در رفتار خود و دیگران و نیز مقایسه ای این دو می باشد. بدیهی است ستون سوم از جدول، موجب می شود تا دانش آموز بتواند درخصوص یک واقعه با تمرکز بر رفتار خود تفکر کند و به نتیجه ای تازه ای دست یابد.

بعد از گذشت یک هفته و با تکمیل جدول ها، نوبت به بررسی آن ها می رسد. در این مرحله از دانش آموزان می خواهیم تا به ستون دوم در تمام اتفاقات توجه کنند و به این سؤال پاسخ دهند: بیشترین نوع واکنش من در برابر مشکلاتی که با همسالانم دارم چگونه است؟ بدیهی است که پاسخ به چنین سؤالی از دانش آموزان سنین بالاتر انتظار می رود و در سنین پایین تر لازم است در جلساتی با همراهی والدین، این کار با کمک و همراهی

شنیدن کی بود مانند دیدن؟

● سوسن آزاد درخت
الیگودرز، دبستان شاهد دختران

سخنان آموزگار پایه‌ی ششم در لزوم استفاده از فناوری‌های نوین آموزشی



تابستان سال ۱۳۹۱ به‌عنوان آموزگار پایه‌ی ششم معرفی شدم و در کلاس‌های ضمن خدمت ویژه‌ی این پایه شرکت کردم. کلاس‌ها زمانی برپا شد که نه کتابی چاپ شده بود و نه کتاب کمک‌درسی در اختیار ما بود. منابع ما فقط جزوات مدرسان و «پی‌دی‌اف» برخی کتاب‌ها بود که روی وبگاه آمده بود. شواهد نشان از سالی پرکار و سخت برای ما داشت. مسئله جایی بحث‌انگیزتر می‌شد که موضوع هوشمندسازی نیز هم‌زمان لازم‌الاجرا شده بود. اضافه شدن درس‌های «تفکر و پژوهش و فناوری هم» نگرانی آموزگاران را بیشتر کرده بود؛ به‌ویژه درس فناوری که به مهارت رایانه نیاز داشت.

این خبر که تدریس اصول اولیه‌ی آموزش رایانه به‌عهده‌ی خود آموزگاران است، نگرانی‌ها را بیشتر کرد؛ زیرا مدارس ما هنوز به این امکانات تجهیز نشده بودند و از تنها رایانه‌ی مدرسه برای انجام امور اداری استفاده می‌شد. از طرفی، آموزش رایانه در سال‌های گذشته مختص دبیران بود و در دبستان‌ها نیازی به آن احساس نمی‌شد.

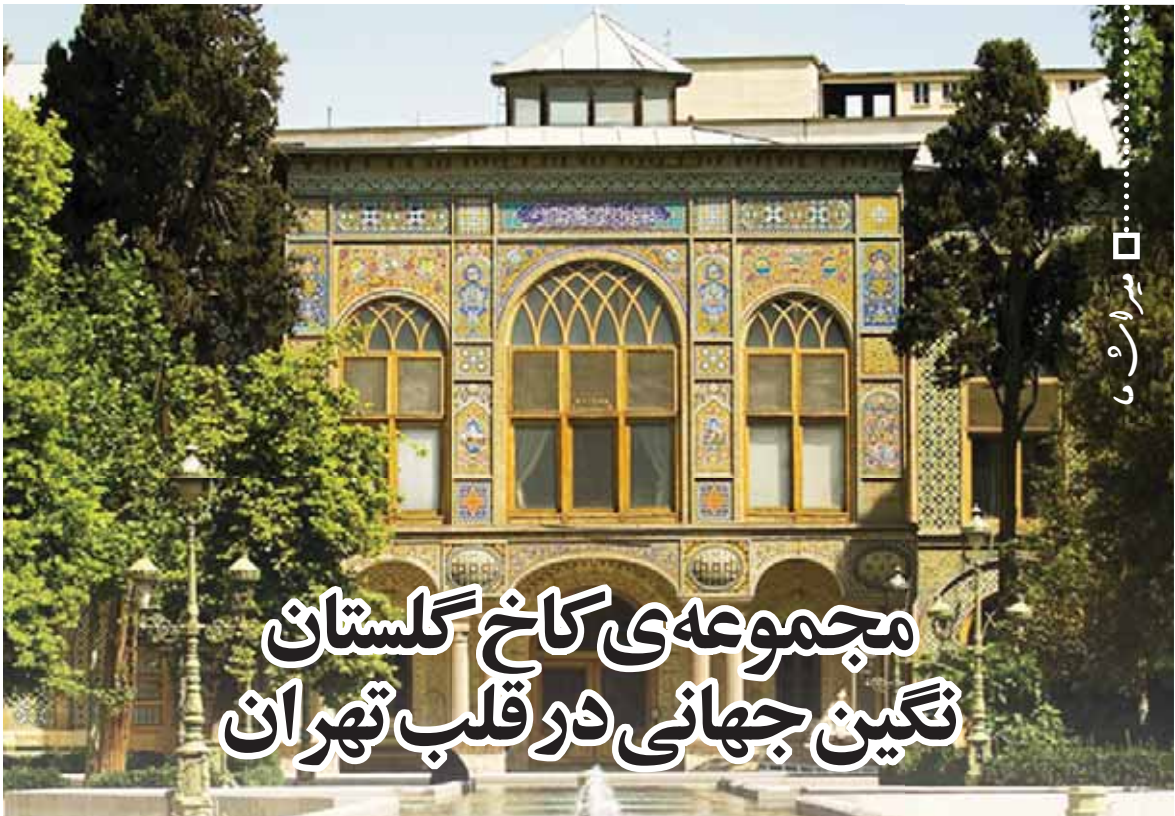
با توجه به مطالب ذکر شده در کلاس‌های ضمن خدمت ضرورت نمایش فیلم در کلاس‌ها و برای هر درس تأکید می‌شد. برای همین و عقب نماندن از دانش‌آموزانی که هر کدام یک سروگردن از آموزگاران خود در کاربرد رایانه پیش بودند با تعدادی از همکاران و با هزینه‌ی شخصی به کلاس آموزش رایانه رفتیم.

اولین محلی که به تابلوی هوشمند و لپ‌تاپ مجهز شد، کلاس من بود. حال می‌دانستم همه‌ی چشم‌ها به من دوخته شده است. به‌تدریج از اینترنت و منابع دیگر چند فیلم آموزشی گرفتم. خودم هم چند پاورپوینت درست کردم و پس از آموزش به دانش‌آموزانم از آن‌ها هم خواستم تا به مرور در رابطه با موضوعات هر درس پاورپوینت درست کنند. آن‌ها را روی لپ‌تاپ بریزند و برای بقیه توضیح دهند. اولین فیلمی که از تابلو پخش شد، درباره‌ی یک کارخانه‌ی کاغذسازی بود که گوینده‌ی آن به زبان خارجی مراحل تهیه‌ی کاغذ را توضیح می‌داد. بچه‌ها آن قدر جذب تماشای این فیلم چند دقیقه‌ای شده بودند که گویی در سینما نشسته‌اند. تا گفتم بچه‌ها یک فیلم آورده‌ام با هم نگاه کنیم، فوری پرده‌ها را کشیدند و لامپ‌های کلاس را خاموش کردند. از هیچ‌کس صدا در نمی‌آمد و مجبور شدم فیلم را چندبار از اول نمایش دهم. وقتی بچه‌ها خوب از دیدن فیلم سیر شدند، از آن‌ها پرسیدم: «چه کسی می‌تواند مراحل ساخت کاغذ را توضیح دهد؟» با اینکه فیلم به زبان خارجی بود، همه دستشان بالا رفت و من خیلی خوشحال شدم. زنگ تفریح که زده شد، کلاس من پر بود از بچه‌هایی که به تابلوی خاموش شده با ولع نگاه می‌کردند. آن روز بچه‌های کلاس من با غرور ماجرای فیلم دیدنشان را برای بقیه تعریف می‌کردند.

نمایش فیلم را از درس علوم گرفته تا آموزش مجازی و برای آزمایش‌هایی که وسایل آن در مدرسه یافت نمی‌شود و تا تفکر و پژوهش، داستان‌های قدیمی به زبان فارسی کهن، ضرب‌المثل‌ها، آهنگ‌های سنتی و ویژه‌ی کلاس هنر و فیلم‌هایی در رابطه با جنگ ایران و عراق و برخی از اخبار تلویزیونی انجام می‌دهم. حالا دیگر بچه‌ها هم عکس‌ها یا فیلم‌های کوتاهی را که در خانه ضبط می‌کنند به کلاس می‌آوردند و روی لپ‌تاپ می‌ریزند و برای دانش‌آموزان توضیح می‌دهند.

یادم می‌آید آخرین فیلمی که در سال تحصیلی ۹۲-۹۱ در کلاس برای دانش‌آموزان نشان دادم در رابطه با درس مطالعات اجتماعی بود که در مورد آغاز جنگ تحمیلی و آزادی خرمشهر بود. من به‌طور اتفاقی در اواسط سال آن را از برنامه‌ی روایت‌فتح ضبط کردم و منتظر بودم تا هم‌زمان با درس آن را برای بچه‌ها نمایش دهم. می‌دانستم که با هیچ زبانی نمی‌توانم سختی‌های جنگ را برای آن‌ها بیان کنم و آن محیط را برایشان به تصویر بکشم.

پس از اتمام فیلم وقتی لامپ‌ها روشن شد، می‌توانستم اشک را در چشمان شاگردانم ببینم و عمق ناراحتی آن‌ها را از دیدن آن همه شهید و فداکاری و ایثار درک کنم. شما قضاوت کنید! چه زبانی گویاتر است؟ دو زنگ حرف‌های خسته‌کننده‌ی من یا دیدن ۱۵ دقیقه فیلم واقعی!



مجموعه‌ی کاخ گلستان نگین جهانی در قلب تهران

دیدار از کاخ موزه‌ی گلستان تهران

● شکوفه احمدی
کارشناس میراث فرهنگی

اشاره

در شماره‌ی دوم مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی سال جاری از ثبت محوطه‌های میراث جهانی ایران و کسب رتبه‌ی شانزدهم جهان در یونسکو سخن به میان آمد. در ادامه، با اشاره به برنامه‌ی آموزش میراث جهانی یونسکو برای دانش‌آموزان از مجموعه‌ای دیگر در کشور به نام کاخ گلستان سخن خواهیم گفت.

مجموعه‌ی کاخ گلستان

در تیرماه سال ۱۳۹۲ در سی‌وهفتمین اجلاس سالانه‌ی کمیته‌ی میراث جهانی سازمان یونسکو که در کامبوج برگزار شد، مجموعه‌ی زیبای کاخ گلستان تهران در فهرست میراث جهانی این سازمان به ثبت رسید و عنوان شانزدهمین اثر ایرانی ثبت شده در این فهرست را به خود اختصاص داد.

کاخ گلستان مجموعه‌ای از بناهاست که در میدان ارگ تهران قرار دارد. نام آن از تالار گلستان واقع در عمارت خروجی گرفته شده است. تاریخچه‌ی این مجموعه عمیقاً به تاریخچه‌ی شهر تهران گره خورده است.

سابقه‌ی تاریخی کاخ گلستان به ارگ تاریخی تهران و زمان شاه تهماسب اول در دوران صفویه بازمی‌گردد و در واقع ساخت آن سرآغازی بر ارگ تاریخی - سلطنتی تهران است. اتفاق‌های مهمی از تاریخ ایران در این مجموعه به وقوع پیوسته است.

هر یک از بخش‌ها و ساختمان‌های مجموعه در دوره‌ی تاریخی متفاوتی بنا گذاشته یا بازسازی

میراث جهانی و حفاظت از آن به دانش‌آموزان ایفا کنند. به‌طور کلی اهداف این برنامه را می‌توان چنین عنوان کرد:

● تشویق کودکان و افراد جوان برای مشارکت در حفاظت از میراث فرهنگی و طبیعی در سطح محلی و جهانی

● توسعه‌ی آگاهی دانش‌آموزان در مورد اهمیت کنوانسیون میراث جهانی ۱۹۷۲ سازمان یونسکو و همچنین آگاهی از به‌هم پیوستگی‌های فرهنگ‌ها در میان دانش‌آموزان در منابع درسی بیشتر کشورهای عضو یونسکو

● ایجاد همکاری و هم‌گرایی جدید میان آموزگاران، کارشناسان میراث فرهنگی، کارشناسان محیط‌زیست، متولیان توسعه و دیگر ذی‌نفعان برای پیش‌برد آموزش میراث جهانی در سطح ملی و بین‌المللی.

این برنامه دانش، مهارت‌ها، شبکه‌ی ارتباطی و تعهد و انگیزه‌ی لازم را برای کودکان و جوانان فراهم می‌آورد تا به کار حفاظت از میراث ارزشمند جهان در سطوح مختلف، از محلی تا جهانی مشغول شوند.

برنامه‌ی آموزش میراث جهانی یونسکو برای دانش‌آموزان

محوطه‌های میراث جهانی واسطه‌های خوبی هستند تا به‌وسیله‌ی آن‌ها کودکان و دانش‌آموزان در مورد تاریخ و دست‌آورد‌های ارزشمند و متنوع جهانی جست‌وجو کنند، تجربیات آموزشی خود را گسترش دهند و همچنین با اهمیت دادن به هویت ملی خویش، خود را یکی از شهروندان دهکده‌ی جهانی بدانند که باید برای نگهداری و حفظ میراث ارزشمند آن برای نسل‌های آینده تلاش و احساس مسئولیت کنند.

برنامه‌ی آموزش میراث جهانی یونسکو برای جوانان و کودکان که در سال ۱۹۹۴ آغاز شد و به‌طور مشترک توسط مرکز میراث جهانی و مدارس وابسته به یونسکو هدایت می‌شود، قصد دارد کودکان را به‌عنوان تصمیم‌گیرندگان فردا تشویق و قادر کند تا در حفظ میراث به‌جای مانده از گذشته مشارکت کنند و در برابر خطرات مداوم فراروی میراث فرهنگی دنیای ما واکنش نشان دهند. همچنین قصد دارد مدارس و معلمان را تشویق کند تا نقش عمده و پیش‌تازانه‌ای در آموزش

شده است و هر یک خصوصیات و ارزش‌های معماری، تاریخی، هنری و صنایع دستی ویژه خود را دارد.

خوش‌بختانه زیبایی و ارزشمندی این مجموعه از چشم کارشناسان کمیته‌ی جهانی یونسکو نیز پنهان نماند و با ثبت آن در فهرست میراث جهانی یونسکو شهرت و توجه بیش از پیش جهانی را برای این مجموعه به ارمغان آورد.

این مجموعه با همه‌ی ویژگی‌ها و متعلقات تاریخی و هنری خود نمونه‌ای زیبا از میراث بشری به‌شمار می‌رود و دیدن آن می‌تواند به‌ویژه کودکان و دانش‌آموزان را با بخشی ارزشمند از میراث فرهنگی تاریخی ایران و جهان آشنا کند. فرصت بازدید از این مجموعه‌ی دیدنی را از دست ندهید.

تاریخچه‌ی مجموعه‌ی کاخ گلستان

شاه تهماسب اول صفوی (۹۸۴-۹۳۰)

۱۰۲۸ هجری قمری نوشته است که هسته‌ی مرکزی تهران همین کاخ بوده و کل شهر شامل چنارستانی است که این قصر سلطنتی را احاطه کرده است. در اواخر عهد صفوی تهران گاهی موقت دربار شاهان صفوی قرار می‌گرفت و حتی شاه سلیمان (۱۱۰۵-۱۰۷۷) کاخی در این شهر برای خود بنا نهاد ولی امروز اثری از بناهای دوره صفوی باقی نمانده است و کهن‌ترین بناهای موجود در مجموعه‌ی گلستان، ایوان تخت مرمر و خلوت کریم‌خانی متعلق به دوران کریم‌خان زند است.

در دوران رضاشاه پهلوی بخش‌های بزرگی از ارگ تهران، از جمله حصار دور آن، سردر باب عالی، ساختمان دفتر استیفا، نگارخانه، تکیه دولت، نارنجستان، باغ گلشن و ساختمان‌های اندرونی تخریب شد. محل سکونت شاه به سعدآباد و سپس در دوران محمدرضا پهلوی به نیاوران منتقل و



تالار آینه

نخستین پادشاهی بود که در سفرهای خود به قصد زیارت مقبره‌ی حضرت عبدالعظیم دستور داد بارویی به‌طول یک فرسخ به دور قصبه‌ی تهران احداث شود. پس از او شاه عباس صفوی در قسمت شمالی این حصار چهارباغ و چنارستانی احداث کرد که بعدها دیوار بلندی گرد آن بنا کردند و عمارات مقرر سلطنتی را در داخل آن ساختند و **ارگ** نامیدند (محدوده‌ی مکانی ارگ تاریخی تهران در شمال خیابان و میدان امام خمینی (سپه)، در سمت غرب خیابان خیام، در شرق خیابان ناصرخسرو و در جنوب خیابان پانزده خرداد و میدان ارگ بوده است).

پیتر و دلواله، جهان‌گرد معروف ایتالیایی عهد صفوی، در سفرنامه‌ی ارزشمند خود در سال

مجموعه‌ی گلستان به محل پذیرایی از میهمانان خارجی تبدیل شد. پس از انقلاب مجموعه‌ی گلستان همچون اغلب عمارات سلطنتی دیگر به‌صورت موزه درآمد تا همگان بتوانند از آن دیدن کنند و از تماشای زیبایی‌های حاصل فکر و دست هنرمندان و صنعتگران ایرانی بهره‌برند.

وسعت کاخ گلستان در حال حاضر ۴/۵ هکتار (یک‌دهم وسعت ارگ اولیه) است و بخش‌های مختلف این مجموعه عبارت‌اند از: ایوان تخت مرمر، خلوت کریم‌خانی، اتاق موزه (تالار سلام) و حوض‌خانه‌ی آن، تالار آینه، تالار عاج، تالار برلیان، سفره‌خانه و تشریفات، ساختمان کتاب‌خانه، **عمارت شمس‌العماره**، عمارت بادگیر و حوض‌خانه‌ی آن، تالار الماس،

کاخ ابیض و چادرخانه.

واحد کودک و نوجوان مجموعه‌ی کاخ موزه‌ی گلستان

با توجه به اهمیت نسل‌های جوان در حفظ و پاس‌داشت از میراث فرهنگی هنری کشور، کاخ گلستان در اسفندماه ۱۳۸۹ طی مذاکراتی که با کارشناسان حوزه‌ی کودک داشت بر آن شد که دفتری تأسیس کند تا بتواند برنامه‌ریزی‌های مناسبی برای تعامل با کودکان و نوجوانان انجام دهد. در نهایت، در فروردین ۱۳۹۰ تأسیس دفتر کودک و نوجوان تصویب شد و این دفتر رسماً شروع به فعالیت کرد.

حوزه‌های مختلف فعالیت‌های دفتر کودک و نوجوان مجموعه‌ی کاخ گلستان عبارت‌اند از:

- اختصاص یکی از سالن‌های موزه‌ی مردم‌شناسی در طبقه‌ی دوم جهت حفظ و نگهداری عروسک‌ها و بازیچه‌های سنتی و ایرانی اعم از خیمه‌شب‌بازی، جی‌جی بی‌جی، پهلوان کچل، عروسک‌هایی با موضوع افسانه‌های ایرانی و عروسک‌های بومی ایرانی

- اجرای نمایش‌های عروسکی با موضوع نمایش‌های سنتی

- اجرای برنامه‌های مختلف آموزشی با موضوعات متنوع میراث فرهنگی، میراث معنوی، صنایع دستی و...

- برگزاری نمایشگاه‌های مختلف در حوزه‌ی کودک و نوجوان اعم از عکس، کتاب و یا آثار تصویرگران

- نمایش فیلم‌های قدیمی کودکان و نوجوانان

- اجرای برنامه‌های ویژه‌ی مناسبت‌ها اعم از روز جهانی کودک و یا مناسبت‌های ملی و مذهبی

- همکاری با سازمان‌های داخلی و بین‌المللی مرتبط با کودکان همچون کانون پرورش فکری، وزارت آموزش و پرورش و یونسف.

- ترویج قصه‌گویی و کتاب‌خوانی
زمان بازدید از کاخ گلستان همه‌ی روزه از ساعت ۹ صبح تا ۱۷:۳۰ بعدازظهر است. امکان بازدیدهای گروهی برای دانش‌آموزان و دانشجویان به‌همراه معلمان، استادان دانشگاه‌ها و سرپرستان آن‌ها از این مجموعه به شکل نیم‌بها فراهم است.

ریاضی و رعایت نظم در سفرهای جاده‌ای

کمک به یادگیری ریاضی فرزند شما در آشپزخانه

• مترجم: نسرين امامی زاده
نویسنده: آماندامورن

اشاره

در این شماره از سلسله مطالب ریاضی در خانواده، از ریاضی به عنوان عنصری برای یادگیری در سفرهای جاده‌ای و رعایت نظم و انضباط استفاده می‌شود. این مطلب را در پی می‌خوانیم.
سفرهای جاده‌ای فرصت بسیار مناسبی برای تمرین مهارت‌های ریاضی کودکان فراهم می‌کند. در طول راه، بازی‌های ریاضی زیادی هست که می‌تواند علاوه بر سرگرم کردن فرزندان، فرصت تمرین انواع مهارت‌های ریاضی را فراهم آورد. با استفاده از یک مداد و چند برگ کاغذ و حتی ماشین حساب، می‌توانید در طول راه با فرزندان ریاضی تمرین کنید.

وجه تمایز هر مسیر چیست؟ آیا شرایط جاده و یا محدودیت‌های سرعت تفاوتی ایجاد می‌کند؟»

ریاضی و زمان سفر

• از فرزندان بخواهید به زمان حرکت توجه کند و اینکه تقریباً چقدر باید برویم و چه زمانی خواهیم رسید. به طور متناوب در طول راه ساعت را بپرسید و بخواهید از لحظه‌ی شروع مدت زمانی را که در راه بوده‌اید، حساب کند.

• به بچه‌های بزرگ‌تر، محاسبه‌ی مسافت سرعت و زمان را یاد دهید.
معادله‌ی جبری: $D=RT$ ، که در آن D معرف فاصله (عدد و کیلومتر) و R معرف سرعت (حد سرعت) و T معرف زمان (ساعت سفر)، اگر دو تا از این‌ها را بدانید (حد مجاز سرعت و فاصله مکانی تا مقصد)، یافتن متغیر دیگر آسان می‌شود. این روش هنگامی که فرزندان از مقدار زمان و مسافت باقی‌مانده می‌پرسد، مفید خواهد بود.

دهگان قرار دارد و کدام در صدگان؟ بزرگ‌ترین رقم از نظر ارزش مکانی کدام است؟»

• از فرزند خود بخواهید با استفاده از جایگزینی ساده‌ی اعداد، پلاک‌ها را به کد تبدیل کند. ساده‌ترین کد، اختصاص دادن هر حرف از حروف الفبا به یک عدد برحسب ترتیب الفباست. (الف = ۱، ب = ۲، پ = ۳ و...)، حالا شماره‌ی پلاک ماشین خود را اضافه کنید و ببینید کدام پلاک ارزش بیشتری دارد.

ریاضی و نقشه

• قبل از آغاز سفر، یک نقشه و خط‌کش بردارید و به کودک خود کمک کنید دریابد چند متر برابر با یک کیلومتر است. مبدأ و مقصد را نشان دهید. ببینید آیا او می‌تواند کوتاه‌ترین مسیر

ریاضی در توقفگاه‌های بین‌راهی

• یک جدول فهرست اعداد یا حروف از ۱ تا ۱۰۰ درست کنید. به تابلوهای فروشگاه و رستوران‌ها که اعداد به صورت حروف روی آن‌ها نوشته شده است، نگاه کنید. مثلاً عبارت‌های «یکی بخر و یکی رایگان ببر» و یا «همبرگر نه هزار تومان»، ببینید چه کسی تعداد بیشتری عدد به صورت حروف پیدا می‌کند و یا جدول را بیشتر پر می‌کند.

• هزینه‌ی کل یک وعده غذا را برآورد و سهم همه را جمع کنید. زمان پرداخت هزینه‌ی کل را با برآوردتان مقایسه کنید و ببینید چقدر نزدیک حساب کردید.
• حساب کنید که با پرداخت هزینه، چقدر پول خرد پس می‌گیرید. قبل از اینکه صندوق‌دار باقی‌مانده‌ی پولتان را پس دهد، بگذارید کودکان آن را محاسبه و تأیید کنند.

نظم و ترتیب اشیا و اتاق، زمینه‌ساز ایجاد مفهوم عدد و آموزش ریاضی کودکان به شمار می‌رود

تمرین ریاضی با پلاک ماشین‌ها

• هر یک از اعضای خانواده

پلاک ماشین را انتخاب و آن را ثبت کند. شماره‌ی پلاک‌ها را مقایسه کنید و ببینید کدام پلاک بالاترین شماره را دارد. بپرسید: «بالاترین شماره چند است؟ جمع آن‌ها چقدر می‌شود؟ کوچک‌ترین شماره کدام است؟ کدام رقم در مکان

را با استفاده از نقشه پیدا کند.

• مسیر پیشنهادی فرزندان را با مسیر انتخابی خودتان مقایسه کنید. بپرسید: «چه‌طور مسافت را مقایسه می‌کنی؟

کمک به فرزندان در انجام تکالیف ریاضی مفید است اما برای تقویت مهارت‌های ریاضی بهتر است کودک را در درک اینکه ریاضی بخشی از زندگی هر روزی اوست، کمک کنید. ریاضی آن‌طور که تصور می‌شود، سخت نیست. ما هر

روز از مهارت‌های ریاضی حتی بدون فکر کردن درباره‌ی آن استفاده می‌کنیم. حال می‌خواهیم این مهارت‌های کاربردی را طوری جهت دهیم که بتواند منجر به یادگیری کودک شود.

«اوه، نه! حالا چطور سر وقت، آن جا باشیم؟»

این تأسف گفتاری فرصتی بسیار عالی برای پرورش مهارت‌های کودکان است. برای پاسخ به این سؤال از مهارت‌های تفریق، جمع، تخمین، و مفهوم زمان استفاده می‌کنیم:

۱. (۷ تا ۱۱ ساله‌ها) زمان را بخش‌بندی و درباره‌ی آن صحبت کنید. بگذارید فرزندتان بداند چه زمان باید سر قرار باشد، طول مسیر را حساب کند و عوامل تأثیرگذار را بگوید. این‌جا شاید زمان را به پنج بخش تقسیم کنید. مثال:

قرار است برای تماشای بازی بدمینتون دوستان ساعت پنج در سالن باشیم. باید علی و سارا را هم برداریم، ۱۰ دقیقه تا خانه‌ی علی و پنج دقیقه هم تا خانه‌ی سارا راه داریم. پس رسیدن به سالن ۱۵ دقیقه طول می‌کشد. حال اگر آن‌ها آماده نباشند، می‌تواند حدود ۱۰ دقیقه‌ی دیگر به راه اضافه شود. پس چه زمانی باید حرکت کنیم؟»

۲. (پنج تا هفت ساله‌ها) کل زمان را در یک بخش بگنجانید. اطلاعات کودکان کوچک‌تر در مورد زمان کم است و در این مورد مهارت کودکان بزرگ‌تر را هم ندارند. همین قدر که به آن‌ها درباره‌ی کل زمان رسیدن به جایی چیزی بگویید، کافی است. مثلاً: «نیم ساعت طول می‌کشد تا دوستان را سوار کنیم و به سالن برسیم. باید سر ساعت پنج آن‌جا باشیم. به نظرت کی باید حرکت کنیم؟»

۳. فرزندتان را در محاسبه‌ی زمان یاری کنید. می‌توانید با هم، زمان مسیر را حساب کنید: (دقیقه $30 = 15 + 15$).

قدم بعدی کمک به کودک برای انجام دادن تفریق است. «خوب، می‌خواهیم ساعت پنج آن‌جا باشیم، ۳۰ دقیقه مانده به پنج چه زمانی است؟»

۴. بگذارید فرزندتان احتمالات را هم پیش‌بینی کند: چراغ‌های قرمز، ترافیک و... وجود این عوامل کنترل‌ناپذیر نیاز به گنجاندن زمان اضافی دارد.

«اتاق تو باید تمیز باشد!»

این عبارت کلامی فرصتی برای تمرین برآورد، شمارش و مهارت مفهوم زمان فراهم می‌کند.

۱. برآورد کنید چند وسیله باید جمع شود. همراه کودک چرخی در اتاق بزنید و به‌طور شمرده بگویید چه چیزهایی باید جمع‌آوری گردد: «چند چیز را باید از اتاق جمع کنی؟ ۲۵، ۵۰ یا ۱۰۰ چیز؟ این رقم به کدام نزدیک‌تر است: ۲۵ یا ۱۰۰؟»

۲. شمارش و مقایسه: بگذارید کودک اقلام جمع شده را بشمارد و با تعداد تخمین‌زده مقایسه کند. سپس با کسر تعداد جمع شده از عدد بزرگ‌تر فاصله‌ی عددی را درک کند. این به اصلاح قدرت تخمین ذهنی او کمک خواهد کرد. می‌توانید نموداری بسازید و بعد از انجام موفق هر کار، روی آن یک نشان بزنید. وقتی نشان‌ها به تعداد خاصی رسید، به کودک جایزه بدهید.

۳. افزودن عامل زمان: از کودک بخواهید: (الف) مدت‌زمان جمع‌آوری وسایل اتاقش را تخمین زند یا: (ب) بگوید، در عرض پنج دقیقه چند چیز را می‌تواند جمع کند. بخواهید برای ثبت زمان تلاش‌های خود، تایمر (زمان‌سنج) تنظیم کند.

۴. تقسیم: می‌توانید یک زمان ۱۵ دقیقه‌ای تنظیم کنید و بگویید: «اگر تا ۱۵ دقیقه‌ی دیگر من ماشین‌های اسباب‌بازی و تو تکه‌های پازل را جمع کنی، آیا اتاق تمیز می‌شود؟»

منبع

1. http://childparenting.about.com/od/schoolearning/a/summerlearning_math_roadtrip.htm
2. <http://childparenting.about.com/od/sechoolearning/a/Math-In-Everyday-Kife-carpools-and-cleaning.htm>



کاربردهای آموزشی روش حل مسئله

● دکتر پریسا ایران نژاد
عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی
● دکتر نیره شاه محمدی

قسمت اول

اشاره

روش حل مسئله یکی از روش‌های یادگیری است که هم در زندگی روزمره و هم در کشف مسائل پیچیده علمی کاربرد دارد. در آموزش و پرورش نیز می‌توان دانش‌آموزان را در موضع حل مسئله قرار داد. یادگیری از این طریق نوعی یادگیری فعال و عمیق است و فرد را برای برخورد با تجارب واقعی زندگی آماده می‌سازد. این شیوه ممکن است روشمند یا اکتشافی باشد. شیوه‌های روشمند مسیر مطمئن و از پیش طراحی شده برای رسیدن به پاسخ در اختیار حل‌کننده مسئله قرار می‌دهند. در روش‌های اکتشافی، برعکس، طرح مدونی در اختیار حل‌کننده مسئله نیست بلکه باید راه‌های مختلف را خود برگزیند، آزمایش کند تا به پاسخی احتمال برسد.

کلیدواژه‌ها: حل مسئله، روش اکتشافی، پاسخ احتمالی

مسئله فرد را برای اتخاذ تصمیمات دشوار در زندگی واقعی آماده می‌سازد. اغلب تحقیقاتی که در زمینه حل مسئله در روان‌شناسی انجام گرفته ناظر به حل مسائل فردی است. مسائل پیچیده اجتماعی از قبیل جنگ، رقابت‌های سیاسی و اقتصادی کمتر مورد تحقیق قرار گرفته‌اند. طبعاً در این گونه امور پیچیده عوامل جدیدی دخالت دارند که از همه مهم‌تر دیدگاه یا تصویری است که فرد از دشمن یا رقیب خود در ذهن دارد. آن‌طور که او رقیب خود را می‌بیند، نحوه‌ای که مسائل را تحلیل می‌کند، راهبردی که برای برخورد انتخاب می‌کند، همه و همه تعیین‌کننده هستند. در چنین شرایطی که طرف مقابل خود فعال و تصمیم‌گیرنده است، کار حل مسئله بسیار دشوارتر می‌شود. بدین جهت اولین قدم در حل مسائل سیاسی اقدامات اطمینان‌ساز است که طبعاً به فرایند حل مسئله کمک شایانی می‌کند.

راهبردهای حل مسئله

حل مسئله از دیدگاه روان‌شناسی شناختی، جست‌وجوی ذهنی در فضای مسئله و انتقال از یک حالت به حالت دیگر است.

قابل تعمیم است. تجربه‌ای است که مکتشف هیچ‌وقت آن را فراموش نمی‌کند، آن را با انگیزه دنبال می‌کند و در موارد دیگر از آن بهره می‌جوید.

بسیاری از نرم‌افزارهای آموزشی که امروزه در بازار عرضه می‌شود مبتنی بر روش حل مسئله است. به‌ویژه فناوری چندرسانه‌ای که از ترکیب گفتار، نوشتار، نمودار، موسیقی، فیلم، عکس، اسلاید و انیمیشن پدید می‌آید و از قدرت تعاملی بسیار بالایی برخوردار است، فرصت انتخاب وسیع و چالش عمیقی را برای یادگیرنده فراهم می‌سازد، به‌نحوی که دانش‌آموز می‌تواند راه‌های متعددی را انتخاب و اطلاعات گوناگون و فراوانی را در اختیار گیرد و پس از جست‌وجو بهترین راه‌حل را کشف کند.

تصمیم‌گیری نیز نوعی حل مسئله است. فرد به هنگام برخورد با مشکل باید تصمیم بگیرد و یک راه را از میان راه‌های متعددی که روبه‌روی اوست انتخاب کند. این تصمیم‌گیری ممکن است در سطوح عالی سیاسی، اقتصادی و نظامی باشد، برخی از این تصمیمات، احتمالاً خطرناک و ممکن است سرنوشت‌ساز باشند. یادگیری از طریق حل

روش حل مسئله یکی از روش‌های یادگیری است که در زندگی روزمره کاربرد فراوان دارد. مردم بسیاری از مشکلات روزانه را با استفاده از این روش حل می‌کنند. مسئله می‌تواند ساده یا پیچیده باشد. برای کشف یک مسئله پیچیده و غامض علمی نیز می‌توان از این روش بهره جست. دانشمندان همواره از فرایند حل مسئله بهره می‌جویند.

در آموزش و پرورش نیز به‌جای مکلف ساختن دانش‌آموز به حفظ مطلب می‌توان او را در جایگاه حل مسائل قرار داد، به‌نحوی که خود را در صحنه واقعی و رویارویی با مشکل ببیند و به حل مسئله پردازد. با کاربرد رایانه در تعلیم و تربیت زمینه‌های بهره‌گیری از روش حل مسئله گسترده شده است. با شبیه‌سازی به‌وسیله رایانه می‌توان دانش‌آموز را در صحنه‌های شبیه به واقعیت قرار داد. وقتی دانش‌آموز با رایانه کار می‌کند خود را دقیقاً در موضع حلال مسئله یا مکتشف می‌یابد که باید راه‌های گوناگونی را برای حل یک مسئله بیازماید. رایانه می‌تواند با ارائه‌ی پس‌خوراند مناسب به دانش‌آموز کمک کند تا حل مسئله را سرانجام کشف کند. مسلم است که یادگیری از طریق کشف، عمیق و

آنچه موجب این انتقال می‌شود «عامل» نام دارد. حل‌کننده مسئله از حالت آغازین شروع می‌کند، از یک حالت به حالت دیگر در جست‌وجوی حالت نهایی حرکت می‌کند تا به هدف خود که حل مسئله باشد، برسد. بنابراین، حل مسئله عملی هدف‌دار است که در آن حل‌کننده برای رسیدن به هدف نهایی هدف‌های پایین‌تری را جست‌وجو و طی می‌کند.

راهبردهایی که حل‌کننده مسئله برای حل مسائل مختلف به کار می‌برد متفاوت‌اند. این راهبردها همگی برای جست‌وجو در فضای مسئله‌اند ولی تنها به یک توصیف کلی از روش حل مسئله می‌پردازند نه آنکه به طور مشخص مسیری را که حل‌کننده مسئله تا رسیدن به هدف نهایی خود باید دنبال کند تشریح کند. به بیان دیگر نظریه‌های حل مسئله تنها با اصول حاکم بر رفتار فرد به هنگام حل مسئله سر و کار دارند. اصولی که نشان می‌دهند حل‌کننده چگونه هدف‌های

پایین‌تری را برای رسیدن به هدف نهایی خود انتخاب می‌کند.

شیوه‌ی حل مسئله ممکن است روشمند یا اکتشافی باشد. چهار عمل اصلی به صورت روشمند انجام می‌گیرد. شیوه‌های روشمند، مسیر مطمئن و از پیش طراحی شده‌ای برای رسیدن به پاسخ در اختیار حل‌کننده مسئله قرار می‌دهند، به طوری که اگر مراحل به درستی طی شود رسیدن به پاسخ قطعی است. این راهبردها عبارت‌اند از:

۱. روش کاهش تفاوت

یکی از روش‌های معمول حل مسئله، به‌ویژه در زمینه‌ها و موارد ناآشنا، روش کاهش تفاوت‌های وضعیت فعلی و وضعیت نهایی یا هدف مسئله است. در این روش، حل‌کننده مسئله تلاش می‌کند هرچه بیشتر مسئله را شبیه حالت نهایی درآورد و لذا اگر گام‌هایی که برای رسیدن به پاسخ برمی‌دارد از ترتیب منظمی برخوردار باشد و به شباهت بیشتری با

حالت نهایی مسئله منجر گردد، رفتار او تقویت می‌شود. البته روش کاهش تفاوت همیشه به موفقیت نمی‌انجامد بلکه شباهت حالات بین راه با هدف‌های فرعی یا حالت‌هایی ممکن است فریبنده نیز باشد و موجب گمراهی حل‌کننده مسئله شود. برای حل پاره‌ای از مسائل نباید در جست‌وجوی حالت یا هدف‌های مشابه بود بلکه برعکس باید جهت رسیدن به هدف نهایی از حالات متفاوت عبور کرد.

۲. روش تحلیل وسیله - هدف

روش پیچیده‌تری که در انتخاب هدف‌های میانی برای رسیدن به هدف نهایی به کار می‌رود، روش «تحلیل وسیله هدف» نام دارد. فرد در این روش فاصله‌ی هدف نهایی تا وضعیت کنونی مسئله را تحلیل و وسایل و راه‌هایی را که می‌توانند موجب کاهش فاصله‌ی مزبور شوند مطالعه و انتخاب می‌کند. این روش مبتنی بر راهکارهای زیر است:



- اگر هدفی در اختیار دارید که هدف نهایی و مطلوب نیست، فاصله‌ی آن و هدف مطلوب باید سنجیده شود.

- عامل‌های تغییر فقط موجب دگرگونی در متغیرهای مربوط به خود می‌شوند و تأثیری بر بقیه‌ی متغیرها ندارند. بنابراین می‌توان عوامل را براساس تغییری که پدید می‌آورند دسته‌بندی و مشخص کرد و از آن‌ها برای کم کردن فاصله‌ی هدف نهایی با هدف‌های میانی استفاده نمود.

- اگر عامل مورد نظر را نمی‌توانیم عیناً به کار بریم، بهتر است شرایط را به نوعی تغییر دهیم که از عامل مزبور بتوان استفاده کرد.

- تغییر برخی از تفاوت‌ها در مقایسه با تفاوت‌های دیگر مشکل‌تر است و لذا می‌توان تفاوت‌های دشوار را به نفع تفاوت‌های ساده‌تر حذف کرد.

۳. روش کار معکوس

یکی از روش‌های مفید برای حل پاره‌ای از مسائل، روش کار معکوس از طرف هدف یا پاسخ به عقب است. از این روش به‌ویژه برای پیدا کردن یا اثبات مسائل ریاضی می‌توان استفاده کرد. کلید اصلی روش کار معکوس تجزیه‌ی هدف اصلی به مجموعه‌ای از هدف‌های فرعی است که حل آن‌ها به رسیدن به هدف اصلی منجر می‌شود. حلال مسئله هر یک از این هدف‌های فرعی را به‌طور مستقل حل می‌کند تا به حل نهایی برسد. این روش زمانی به مشکل برخورد می‌کند که حل یکی از هدف‌های فرعی مانع حل هدف دیگر شود. در این صورت باید ترتیب حل هدف‌های فرعی را به‌نحوی تنظیم کرد که با چنین مشکلی برخورد نشود.

۴. روش استفاده از تمثیل

یکی دیگر از روش‌های مهم حل مسئله استفاده از تمثیل است. در این روش حل‌کننده از راه‌حل یک مسئله کمک می‌گیرد تا به‌عنوان راهنمای عمل مسئله‌ی دیگری

را حل کند. در ریاضیات اغلب از روش حل یک مسئله‌ی ریاضی برای حل مسائل مشابه استفاده می‌شود. در این صورت، هدف فرعی حل‌کننده‌ی مسئله انتقال مراحل حل نمونه‌ی اصلی به مسئله‌ی جدید است و استفاده از تمثیل گرچه می‌تواند بسیار مفید باشد، به دقت نظر نیاز دارد. بعضی افراد نمی‌توانند به راحتی و سرعت به امکان استفاده از تمثیل پی ببرند و راه‌حل یک مسئله را به مسئله‌ی دیگر منتقل سازند بلکه احتیاج به راهنمایی دارند. اشکال دیگر این است که افراد ممکن است بکوشند مسائل را با توجه به شباهت‌های ظاهری آن‌ها حل کنند؛ در حالی که پاره‌ای از مسائل گرچه ظاهراً به یکدیگر شبیه‌اند، در واقع متفاوت‌اند و استفاده از تمثیل در این گونه موارد موجب اشتباه می‌شود.

مراحل روش حل مسئله

آموزگاران برای طرح، تنظیم و ارائه‌ی مسئله به یادگیرندگان و هدایت و رهبری آنان به سوی کشف حل مسئله به فنون و مهارت‌های خاصی نیاز دارند. برای اجرای رویکرد حل مسئله در کلاس درس باید مسائل را با ویژگی‌های خاص یک مسئله‌ی خوب سازگار کرد و برای هدایت یادگیرندگان روش و مراحل مطلوبی را برگزید. **جان دیویی** حل مسئله را شامل پنج مرحله می‌داند:

۱. برخورد با موقعیت نامعین و توجه به یک مشکل؛ به این معنا که حل‌کننده‌ی مسئله با وضعی برخورد کند که در آن نه ارتباط رویدادها روشن باشد و نه خود رویداد قابل توجیه باشد. در این موقعیت، احساس مشکل یا مسئله‌هایی می‌شود و مهم‌ترین مرحله، انجام دادن کار است؛ چون اگر مسئله توجه شاگردان را جلب نکند و برای آنان به اندازه‌ی کافی برانگیزاننده نباشد، موفقیت حاصل نمی‌شود.

۲. تحلیل و تشخیص موقعیت تحلیل و تشخیص موقعیت مسئله‌ای؛ این امر مستلزم

تفکر است و تشخیص، مسئله به‌صورت اساسی مسیر حل آن را روشن می‌کند.

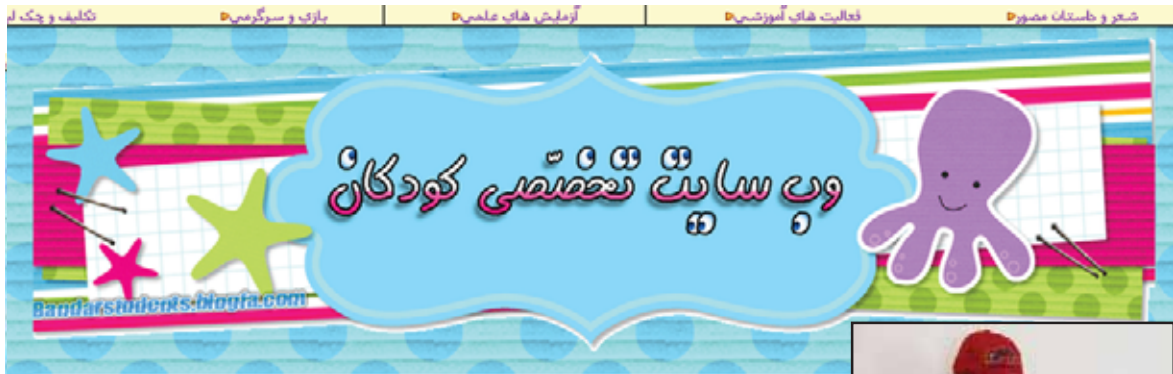
۳. جمع‌آوری اطلاعات با استفاده از تجربیات گذشته‌ی خود و دیگران، دقت در مشاهده و آزمایش و استفاده از قدرت تخیل در رشد علمی تأثیر دارد. همیشه توجه داشته باشیم که در جمع‌آوری اطلاعات هر چه منابع معتبر و کامل‌تر و طبقه‌بندی دقیق‌تر باشد، شاگرد به موفقیت بیشتری خواهد رسید.

۴. فرضیه یا پیشنهاد راه‌حل احتمالی نظری است که محقق می‌دهد و براساس نگرش و شناخت پیشین شاگرد اطلاعات و شواهدی که در اختیار وی قرار دارند، در ذهن او شکل می‌گیرد.

۵. انتخاب، بررسی فرضیه، تجزیه، تحلیل، ترکیب، ارزش‌یابی با توجه به گرایش‌های کلی، تفاوت‌ها و تشابه‌ها به پذیرش یا رد فرضیه منجر می‌شود. در این مرحله نتیجه‌گیری، تعمیم و کاربرد هم صورت می‌گیرد (شریعتمداری، ۱۳۸۴: ۱۲۵).

کاربرد روش حل مسئله

روش حل مسئله در همه‌ی رشته‌های درسی کاربرد دارد و در همه‌ی مقاطع تحصیلی قابل اجراست. از آن‌جا که این روش بر فهم و تفکر مبتنی است، مؤثرترین روش آموزشی و تربیتی به‌شمار می‌رود. فراگیرنده در هر سنی به تناسب ساخت شناختی خود با مسائل و مشکلاتی مواجه است و برای حل این مشکلات نیاز به راه‌حل منطقی دارد. اگر او در مدرسه راه‌حل‌های منطقی را بیاموزد، خود به دنبال حل مسائل خواهد رفت. چون امروز علم و فناوری عمیقاً در زندگی‌ها نفوذ کرده است، برای آگاهی از این امر باید افراد اهمیت و تأثیر علم را در زندگی دریابند، با روش علمی آشنا شوند و منطقی و علمی فکر کنند و افرادی صاحب‌نظر، اندیشمند، مبتکر و خلاق بار آیند تا بتوانند به هدف‌های عالی مانند احساس مسئولیت برای حل مشکلات برسند.



به اشتراک گذاری تجربه‌ها

اشاره

فاطمه رسولی از آموزگاران فعال دبستان تخصصی قرآن آیت‌الله‌سعیدی، بندر دیر بوشهر است که در مسابقه‌ی وبلاگ‌نویسی رشد آموزش ابتدایی اسفندماه ۱۳۹۱ دارای رتبه شده است. او نیز دغدغه‌ی بسیاری برای فعالیت‌های آموزشی و پرورشی دارد و در معرفی صفحه‌ی وب‌نوشتی خود می‌گوید: «این خانه را برای کودکان بندر دیر ساختم تا از این طریق کودکی‌های جبران‌نشده‌ی خودم را به تماشا بنشینیم...». از ویژگی‌های وبلاگ او کاردستی‌ها و دست‌ورزی‌هایی است که می‌تواند مخاطب را به تعامل وادارد. او در ادامه و در این زمینه به چند سؤال ما پاسخ داده است که می‌بینیم.

چرا به وبلاگ‌نویسی آموزشی روی آوردید؟

سال ۱۳۸۶ بود که برای اولین بار با یک وبلاگ آموزشی مرتبط با پایه‌ی تحصیلی خود آشنا شدم. مدیر وبلاگ برخی از تجربه‌های آموزشی خود را در وبلاگ با دیگران به اشتراک گذاشته بود. از این رو تصمیم گرفتم که من هم وبلاگ آموزشی ایجاد کنم و فعالیت‌هایی که در کلاس با شاگردانم انجام می‌دهم را با همکارانم به اشتراک بگذارم.

چند ویژگی وبلاگ خود را معرفی کنید.

وبلاگ «خانه‌ی دانش آموزان بندر» از لحاظ آموزش دروس به صورت تخصصی برای کلاس دومی‌هاست. مطالبی که در این وبلاگ ارائه گردیده است علاوه بر موارد درسی به‌شکلی تخصصی‌تر به آموزش هنر در میان سایر دروس اشاره دارد و همواره سعی شده است که مخاطبان وبلاگ را به‌سمت استفاده‌ی بهینه از ساعات درسی هنر تشویق سازد. این وبلاگ علاوه بر مطالب آموزشی ذکر شده به‌عنوان دفتر خاطراتی برای ثبت لحظات شیرین در کنار شاگردانم نیز بوده است. لبخندهای شیرین بچه‌ها، جشن‌ها، نمایشنامه‌ها، روش‌های فعال تدریس و... را در این وبلاگ ثبت کرده‌ام و خدا را شکر که این‌گونه از مطالب هم تاکنون بیشترین بازدید را داشته‌اند.

معرفی وبلاگ‌های رتبه‌ی نخست (۱ تا ۱۰)

- مغان آراز / علیرضا پناهی moghanaraz.ir
- بابا آب داد / سیدسعد موسوی babaabdad.blogfa.com
- وب‌سایت تخصصی کودکان / فاطمه رسولی bandaastudents.blogfa.com
- بانگ سؤالات ششم / مسعود بیگدلی bigbest23.ir
- شاهد بندرانزلی / مسعود رحمانی anzali-shahed6.blogfa.com
- سکوی ششم / حسن حسنی sheshom.persianblog.ir
- وبلاگ دبستانی / سیامک نوازش 5dabestani.mihanblog.com
- سخت کوشان / سیدجواد ترقی sakhtkoshan-sjt.blogfa.com
- شکوفه‌های چهارم یک / شکوفه تبریزی tabrizi4yek.blogfa.com
- وکام ۲ / رامین مرادی vecam2.blogfa.com

فناوری‌های نوین رسانه‌ای در کلاس‌ها با توجه به تأکید سند تحول بنیادین چه اهمیتی دارد؟

در زمان حاضر هر کودک هفت، هشت ساله‌ای تقریباً با اینترنت آشنایی دارد و قطعاً همین آشنایی‌های جزئی در روند آموزش و پرورش تأثیر گذار خواهد بود و از آثار استفاده از فناوری منطبق بر سند تحول بنیادین به نظر من این است که برنامه‌ی درسی یک کلاس منظم‌تر و ارائه‌ی متون با توجه به فناوری جدید بهینه‌تر و یادگیری مؤثرتر خواهد بود.



به کودک خود کمک کنیم علم بیاموزد

مترجم: مؤسسه‌ی خط ممتد اندیشه
ناشر: انتشارات همشهری، تهران (۰۲۱-۲۲۰۴۵۳۴۰)
نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۱، مصور، رنگی
قیمت: ۲۵۰۰ تومان

کودکان هزاران سؤال دارند! «چرا آسمان آبی است؟ چرا دانه‌ها می‌رویند؟...» آن‌ها در وهله‌ی اول سعی می‌کنند سؤال‌ها را از پدر و مادر و سپس از آموزگار خود بپرسند.

برای تقویت این کنجکاوی‌ها و نشاط در پرسیدن، مشارکت افراد در آموزش علمی کودکان مهم است. برای جواب دادن به این سؤال‌ها و کنجکاوی‌ها نیازی نیست شما دانشمند یا پژوهشگر حرفه‌ای باشید بلکه تمایل و صرف وقت برای مشاهده و آموزش به یکدیگر و یاد دادن برخی توانمندی‌ها مثل استفاده از تلسکوپ بسیار اهمیت دارد. شما به این ترتیب فرزندان و دانش‌آموزان خود را برای زندگی در دنیایی آماده می‌کنید که با دنیای خودتان در گذشته بسیار متفاوت است. بنابراین به اطلاعات پایه در علوم یا کارهایی که کودک می‌تواند در خانه انجام دهد، نیاز دارید. تهیه‌ی فهرستی از منابع مربوط به علوم مانند کتاب‌ها و مجلات و شیوه‌ها نیز از جمله‌ی این نیازهاست.

با مطالعه‌ی کتاب «به کودک خود کمک کنیم علم بیاموزد»، ابتدا خواهید دانست که در هر فعالیت، ایمنی و سلامت در درجه‌ی اول اهمیت قرار دارد. سپس نمونه‌های فعالیت‌های علم در خانه از جمله «یک گردش علمی»، «حشره‌ها»، «ساقه‌های کرفس در نیمه‌شب»، «بلورها»، «شناور شدن یا غرق شدن؟» و فعالیت‌های علمی در بیرون از خانه مانند «باغ وحش»، «موزه»، «آسمان‌نما»، «علم در محل کار» و «مزرعه» را می‌خوانید و با آن‌ها آشنا خواهید شد.

در پایان این کتاب منابع اطلاعاتی لاتین و فارسی و اطلاعاتی درباره‌ی اسباب‌بازی‌های علمی و علم در اینترنت و تلویزیون آمده است که می‌تواند در بالا بردن آگاهی والدین مفید واقع شود.



سی‌وسه روش برای کمک به شمارش اعداد

مؤلف: برایان شارب
مترجمان: زهرا ایجاد، عباس خراشاهی، حمید دارابی
ناشر: دانش‌نگار، تهران (۰۲۱-۶۶۴۰۰۱۳۴)
نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۱
قیمت: ۵۵۰۰ تومان

آموزگاران یا پدران و مادران در فرایند یادگیری کودک باید با فعالیت‌ها و مفاهیم آموزشی و علمی آشنا شوند. برخی نوآموزان در درک مفاهیم مطالبی که می‌بینند یا می‌شنوند و نیز مطالب درس‌ها مشکل دارند. آن‌ها برای تجزیه و تحلیل برداشت‌ها و تصحیح اشتباهات خود هم‌چنین به راهنمایی تمرین و توضیح نیاز دارند. امروزه اغلب این فعالیت‌های کمکی یا تقویتی می‌تواند به‌وسیله‌ی آموزگاران و والدین انجام شود. لیکن آماده‌سازی این هدایت‌گران و ویژگی‌های مجموعه‌ها باید در حدی باشد که:

- ✓ بچه‌ها با انگیزه باشند و از یادگیری لذت ببرند؛
- ✓ وسایل لازم برای انجام دادن فعالیت‌ها قبلاً در اختیار افراد قرار گرفته باشد.
- ✓ در انجام دادن فعالیت، فرد بزرگ‌سالی هدایت کلاس یا جمع را به‌عهده گیرد؛
- ✓ دلایل هر فعالیت مشخص شده باشد.

درباره‌ی درک مفهوم اعداد و به‌کارگیری آن‌ها نیز می‌توان فعالیت‌هایی با فراگیرندگان انجام داد که آن‌ها لذت ببرند. مرحله‌ی شمارش قبل از شناخت مفهوم اعداد قرار دارد و در این فرایند فرض بر آن است که اشیای شمارش شده با اعداد، تناظر یک‌به‌یک دارند. این کتاب فعالیت‌های مختلفی برای شمارش هدف‌دار پیشنهاد می‌کند و برای تمرین شمارش از وسایل مختلف استفاده می‌کند.

کتاب در ۱۳۶ صفحه به شروع شمارش، توسعه‌ی مهارت شمارش، ایجاد الگویی برای کمک به محاسبات، سازمان‌دهی اندیشه برای کمک به محاسبات ریاضی، آموزش زمان و شناخت کسر می‌پردازد. در عین حال، نشان می‌دهد که استفاده از خطوط مدرج در جمع اعداد، ساخت مستطیل یا تفکیک ارقام و شناخت اجزای یک ساعت در شمارش عددها به فراگیرندگان کمک شایانی خواهد کرد.

جدول فیلم‌های DVD رشد آموزش ابتدایی

ردیف	نام فیلم	زمان	کارگردان	نویسنده	تولید
۱	به‌سوی یادگیری فعال آموزش علوم (فراگیرندگان با استفاده از وسایل آموزشی، مفاهیم علوم را می‌آموزند)	۸۰ دقیقه (آموزشی)	دکتر علی اکبر میهن‌خواه	دکتر محمود امانی	۱۳۷۸
۲	داستان تاریخ (آشنایی فراگیرندگان با تاریخ ایران باستان تا انقراض صفویه)	۳۵ دقیقه (پویانمایی)	امیرحسین دهستانی	محمدرضا فخرایی‌زاده	۱۳۷۸
۳	ساخت وسایل ریاضی (آموزش ساخت وسایل ساده برای تفهیم بهتر ریاضی)	۲۷ دقیقه (آموزشی)	جعفر توکلی		۱۳۸۳
۴	کارگاه فیلم آموزشی (کارگاه‌های آموزشی با متخصصان داخلی و بین‌المللی در رابطه با فیلم آموزشی و ساختار آن، چگونگی استفاده در کلاس)	۱۰ دقیقه (استودیویی)			۱۳۸۹
۵	اصطلاحات جغرافی (آشنایی فراگیرندگان با جهت‌های اصلی، عکس هوایی، عوارض زمین، زمین‌های هموار و ناهموار، آب‌ها و مسائل مربوط به آن‌ها)	۱۵ دقیقه (پویانمایی و زنده)	بهرروز صمدمطلق	بهرروز صمدمطلق	۱۳۷۷
۶	دوزبانگی (کودکان مناطق دوزبانه اگر یکباره و بدون مقدمه وارد مدرسه شوند، احتمال آسیب‌های آموزشی، روان‌شناختی و حتی اجتماعی برای آن‌ها تاحدی قابل پیش‌بینی است. این فیلم مستند به جایگاه کودکان دوزبانه در ارتباط با زبان معیار کشور می‌پردازد)	۱۸ دقیقه (مستند)	وحید گلستان		۱۳۹۰
۷	هیس (دو بوزینه در هوای سرد هیزم جمع می‌کنند و می‌کوشند با کرم شبتاب آتش درست کنند)	۵ دقیقه (پویانمایی)	فرزاد شیرنسب‌زاده	فرزاد شیرنسب‌زاده	۱۳۸۶
۸	ترانه‌ی خاله ستاره (آموزش کودکان در قالب پویانمایی موزیکال)	۵ دقیقه (پویانمایی)	هدا صدرالحسنی	هدا صدرالحسنی	۱۳۸۷
		۲۰۰ دقیقه			



همراهان ما

همراهان ما صفحه‌ای است که به انعکاس اسامی مخاطبان و نتیجه‌ی بررسی آثار ارسالی آن‌ها می‌پردازد. مواردی که در این جامی آید، هرچند با ارزش است اما با نظر کارشناسان مجله، یا مناسب استفاده در مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی نبوده است یا بنا به مناسبت روز، از زمان استفاده‌ی آن‌ها گذشته است. مطالب همکاران گرامی هرچه کاربردی‌تر یا تجربی‌تر باشد، به اهداف مجله نزدیک‌تر است.

اعظم گلی زواره، آموزگار پایه‌ی ششم، زواره. با متنی ترجمه‌ای از «موضوع نظام آموزشی ژاپن».

فرهاد کریمی، کارشناس امور تربیتی، کرمانشاه. با یادداشت «هر که محبوب است، خوب است».

رقبه حسینی، آموزگار دبستان قرآنی فیضیه، گرگان. با مطلب «به نام اولین معلم انسان‌ها».

محمد نبوی، آموزگار مجتمع آموزشی و پرورشی نیما یوشیج، با ترجمه‌ی «مزایا و معایب تلفن‌های همراه در مدارس»

منصوره مهدیه، آموزگار دبستان معاد زازران، فلاورجان، با مطلب «آموزش جعبه‌ی دستمال کاغذی».

منصوره ابوالفتحی، آموزگار منطقه‌ی اشنرینان. «ماروبله‌ی ریاضی و علوم و جغرافی» نظر کارشناسان مجله را جلب نکرد.

عبدالمجید سربی، سرگروه آموزش ابتدایی استان زنجان، با مقاله‌ی «ضرورت پژوهش نوزدی به‌جای پیک‌های نوزدی».

فرزانه زرین چقایی، آموزگار دبستان توحید دو، ناحیه‌ی یک خرم‌آباد. فعالیت‌هایی درباره‌ی «مسابقه‌ی همسایگان ما»، «گنجینه‌ی واژگان» و «الگوریتم عددی» را فرستاده است.

افضل مرزبان مریوانی، از رشت. مقاله درباره‌ی «کودکان بیش‌فعال».

زهره نعمتی، آموزگار دبستان دخترانه‌ی حاج فاطمی، ناحیه‌ی یک قم با تجربه‌ی «املا روی گل رس».

فرشته خان احمدی، منطقه‌ی ۱۲ تهران، با مقاله‌ی «دروغ‌گویی، علل و اثرات آن».

سهیلا حامدی، آموزگار دبستان صدیقه کبری «س»، بندر امام خمینی «ره»، با مقاله‌ی «جدول درسی پایه‌ی ششم» و «وسيله‌ی کمک آموزشی جهت تقریب زدن».

شهین صادقی، آموزگار دبستان ستاره‌ی نبوت، آبادان. با داستان «زیارت» و «قرض».

مریم دهقان شادکامی، منطقه‌ی پنج تهران. «ویژگی‌های مناسب متغیرهای آموزشی برای افزایش انگیزه».

مهدی حجازی، آموزگار، خادم‌آباد شهریار. «نگاهی به ارزش‌یابی

آموزشی در ابتدایی».

فرخنده وقفی پور، آموزگار دبستان دخترانه‌ی شاهد دو، زاهدان. با مقاله‌ی «علوم تلفیقی با ریاضی» و «بازی سایه‌ها».

طوبی دلارامی ثانی، مدیر دبستان دخترانه‌ی کشتیرانی هشت، چابهار. «هفت نکته‌ی کلیدی برای ترغیب کودکان به آموختن».

حسن‌رضا ترابی، بیرجند، چند پیشنهاد و طرح کوچک ارائه کردند که از ایشان تشکر می‌کنیم.

صنم نظری، مدیر دبستان دخترانه‌ی میلاد مهاجرین، دزفول. عکسی از فعالیت «گرامی داشت روز جهانی کودک» ارسال کرده‌اند که البته کیفیت چندانی ندارد.

حامد احمدی، از بانه. مطالبی درباره‌ی «مشکلات املائی» و «روش‌های آموزش انشا» و «طراحی سؤالات امتحانی».

معصومه شاکور، آموزگار، اندیمشک. عکسی از «فعالیت‌های آغازین و مناسبت‌های ماه».

سیدتقی حسینی، دبستان شاهد، بابلسر. با «تجربه‌ی آموزشی». **هایده دژآهنگ**، مریوان. با مقاله‌ی «مهارت‌های اجتماعی شدن کودکان».

اقدس عباسی ممقانی، آموزگار، منطقه‌ی ۱۷ تهران. با طرح «بازی ضرب».

سارا قربانی، آموزگار، شیراز، اقدام‌پژوهی با عنوان «اتاق فکر عالی، قصه‌های خیالی».

عبدالواحد باهینت، آموزگار دبستان شهید چمران، خواف. با چند «تجربه‌ی آموزشی» و یک پژوهش که طولانی است و درباره‌ی کلاس چند پایه‌ی شاد است.

عصمت یآوری، آموزگار دبستان شهید کلاهدوز زازران، فلاورجان، با عکس‌هایی از تجربه‌ها و موضوعات درسی.

سمانه جوادی مقدم، آموزگار دبستان فرزانه. گرمسار. «خطره‌ی تقویت روحیه‌ی دانش‌آموز».

مژگان کلهری، احسان نجفی از؟ با ارسال چند عکس از منجیل و گنج‌نامه‌ی همدان.

غلامحسین ظفری، ناحیه‌ی یک اهواز، درباره‌ی «گروه و بحث



با مجله‌های رشد آشنا شوید

مجله‌های رشد توسط دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، وابسته به وزارت آموزش و پرورش تهیه و منتشر می‌شود.

مجله‌های دانش‌آموزی

(به صورت ماه‌نامه و هشت شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شود):

رشد کودک (برای دانش‌آموزان آمادگی و پایه اول دوره آموزش ابتدایی)

رشد نوجوان (برای دانش‌آموزان پایه‌های دوم و سوم دوره آموزش ابتدایی)

رشد دانش‌آموز (برای دانش‌آموزان پایه‌های چهارم، پنجم و ششم دوره آموزش ابتدایی)

رشد نوجوان (برای دانش‌آموزان دوره آموزش متوسطه اول)

رشد جوان (برای دانش‌آموزان دوره آموزش متوسطه دوم)

مجله‌های بزرگسال عمومی

(به صورت ماه‌نامه و هشت شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شود):

♦ رشد آموزش ابتدایی ♦ رشد آموزش متوسطه ♦ رشد تکنولوژی آموزشی

♦ رشد مدرسه فردا ♦ رشد مدیریت مدرسه ♦ رشد معلم

مجله‌های بزرگسال و دانش‌آموزی تخصصی

(به صورت فصل‌نامه و چهار شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شود):

- ♦ رشد برهان آموزش متوسطه اول (مجله ریاضی برای دانش‌آموزان دوره متوسطه اول)
- ♦ رشد برهان آموزش متوسطه دوم (مجله ریاضی برای دانش‌آموزان دوره متوسطه دوم)
- ♦ رشد آموزش قرآن ♦ رشد آموزش معارف اسلامی ♦ رشد آموزش زبان و ادب فارسی ♦ رشد آموزش هنر ♦ رشد آموزش مشاور مدرسه ♦ رشد آموزش تربیت بدنی ♦ رشد آموزش علوم اجتماعی ♦ رشد آموزش تاریخ ♦ رشد آموزش جغرافیا ♦ رشد آموزش زبان ♦ رشد آموزش ریاضی ♦ رشد آموزش فیزیک ♦ رشد آموزش شیمی ♦ رشد آموزش زیست‌شناسی ♦ رشد آموزش زمین‌شناسی ♦ رشد آموزش فنی و حرفه‌ای و کار و دانش ♦ رشد آموزش پیش دبستانی

مجله‌های رشد عمومی و تخصصی، برای معلمان، مدیران، مربیان، مشاوران و کارکنان اجرایی مدارس، دانش‌جویان مراکز تربیت معلم و رشته‌های دبیری دانشگاه‌ها و کارشناسان تعلیم و تربیت تهیه و منتشر می‌شود.

♦ نشانی: تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش، پلاک ۲۶۶، دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی.

♦ تلفن و نمابر: ۰۲۱ - ۸۸۳۰۱۴۷۸

گروهی» و «دوره‌ی نوجوانی».

صابره یکتا، آموزگار، خواف خراسان رضوی. پژوهش درباره‌ی «بخشیدن اعتماد به نفس به دانش‌آموز دارای عقب‌ماندگی ذهنی». که طولانی و خارج از قالب مورد استفاده‌ی مجله است.

صغری کردجمشیدی، آموزگار دبستان شهید تکبیری ایلام. با تجربه‌ی «ساخت دستگاه به‌هم‌زن مواد محلول و مخلوط».

مریم لطفی، پایه‌ی پیش دبستانی، مشهد. «آداب غذا خوردن». **صفدر نادری**، مدیر مجتمع ترنم ولایت یاسین، منطقه‌ی سربند. «جهت‌دهی دوره‌ی ابتدایی».

مسعود مدنی، معاون آموزگار شهید دستغیب مجتمع ترنم ولایت یاسین، منطقه‌ی سربند. «تکات کلیدی برای معلمان چند پایه» و «همراهی خانه با مدرسه».

مرتضی نعمتی، کارشناس آموزش ابتدایی، منطقه‌ی سربند. با مقاله‌ی «روش‌های نوین تدریس ادبیات فارسی ابتدایی». **محمدحسین صفایی**، سرگروه آموزشی ناحیه‌ی یک ساری، با «لذت معلمی در کلاس درس».

ناهید دردکشان، آموزگار دبستان تربیت، ناحیه‌ی پنج اصفهان. با ترجمه‌ی «آموزش مسائل بحث‌انگیز به دانش‌آموزان ابتدایی».

زهرا غلامی، مدرس مرکز تربیت معلم شهید مفتاح شهرری. با مقاله‌ی «آزمایشگاه و ارتباط آن با یادگیری».

خانم... معهود، آموزگار دبستان کلاهدوز، منطقه‌ی هفت تهران، با مقاله‌ی «مشق سنگین شب».

فعالیت‌های فوق برنامه و روش تحقیق دانش‌آموزی

مهدی علی‌آبادی، آموزگار دبستان رودکی، ناحیه‌ی یک

شیراز.

از وی مقاله‌ی کوتاهی درباره‌ی فعالیت‌های پژوهشی و هم‌سویی آن‌ها با انگیزش دانش‌آموزان با توجه به مطالب درسی دریافت کردیم. قرار بود این مقاله در مجله به چاپ برسد اما چون مستندات فعالیت‌ها را برای ما نفرستادند ما نیز نتوانستیم مقاله را چاپ کنیم.

خانم اجازه، سهم شما

● شهلا الله مرادی

آموزگار دبستان احرار، سقز

چند سال پیش در روستای دورافتاده‌ی «حیدر دیده‌بان» از توابع شهرستان دیواندره که فاصله‌ی آن تا شهرستان سقز سه ساعت بود مشغول تدریس شدم. روستایی که بعدها مدرسه‌ی آن با کمک مردم، بچه‌ها و عشق و علاقه‌ی وافر خودم به گنجینه‌ای پر از خاطرات تبدیل شد. یادم می‌آید در زمستان همان سال برف زیادی بارید و جاده‌ی روستا به شهر حدود پانزده روز بسته شد. در یکی از همان روزها یکی از شاگردانم به نام مریم دیر به مدرسه آمد؛ لباس‌هایش خیس بود و یک کیسه‌ی پلاستیکی در دست داشت. من با عصبانیت به او گفتم: «بی‌انضباط شدی؟». چشمانش پر از اشک شد؛ کیسه‌ی پلاستیکی را روی میز گذاشت و گفت: «خانم اجازه، این برای شماست». کیسه را باز کردم؛ نصف خیار و یک نارنگی بود. گفتم: «این چیه؟» گفت: «دیروز پدرم با پای پیاده از شهر برایمان میوه آورده بود که سهم من یک خیار و یک نارنگی شد. نصفش را خوردم و بقیه را برای شما آوردم». چه می‌توانستم بگویم غیر از اینکه دست‌های سرمازده‌اش را گرفتم و بر آن‌ها بوسه زدم و گفتم: «دخترم، مرا ببخش!» بله مریم من، کیسه را جا گذاشته بود و تا برگشته بود آن را بیاورد، دیر شده بود و من بدون پرسیدن علت، دل کوچکش را شکستم اما همان‌جا تصمیمی گرفتم و با خود عهدی بستم. آری، مریم‌هایی که به من درس زندگی و ایثار داده‌اند، فراموش نخواهم کرد. به خود می‌بالم که با وجود محروم بودن از امکانات در کنار این گل‌ها، علف‌های هرز دلم خشک شد و جای آن‌ها را غنچه‌های شکفته و نشکفته‌ی عشق و انسانیت گرفتم.



الله‌مرادی عکس دانش‌آموزان خود در روستای هرمیدول از شهرستان سقز نزدیک مرز عراق را نیز فرستاده است. در تصویر فاتح معارفی، مدیرآموزگار محل نیز دیده می‌شود.



حماسه سیاسی و حماسه اقتصادی

برگ اشتراک مجله‌های رشد

نحوه اشتراک:

شما می‌توانید پس از واریز مبلغ اشتراک به شماره حساب ۳۹۶۶۲۰۰۰ بانک تجارت، شعبه سهره راه آزمایش کد ۳۹۵، در وجه شرکت افست از دو روش زیر، مشترک مجله شوید:

۱. مراجعه به وبگاه مجلات رشد به نشانی: www.roshdmag.ir و تکمیل برگه اشتراک به همراه ثبت مشخصات فیش واریزی.
۲. ارسال اصل فیش بانکی به همراه برگ تکمیل شده اشتراک با پست سفارشی (کپی فیش را نزد خود نگهدارید).

◆ نام مجلات درخواستی:

.....

◆ نام و نام خانوادگی:

.....

◆ تاریخ تولد:

.....

◆ تلفن:

.....

◆ نشانی کامل پستی:

.....

استان:

.....

شهرستان:

.....

شماره پستی:

.....

شماره فیش بانکی:

.....

◆ اگر قبلاً مشترک مجله بوده‌اید، شماره اشتراک خود را بنویسید:

.....

امضا:

● نشانی: تهران، صندوق پستی امور مشترکین: ۱۶۵۹۵/۱۱۱

● وبگاه مجلات رشد: www.roshdmag.ir

● اشتراک مجله: ۰۲۱-۷۷۳۳۶۶۵۶/۷۷۳۳۵۱۱۰/۷۷۳۳۹۷۱۳-۱۴

◆ هزینه اشتراک یکساله مجلات عمومی (هشت شماره): ۳۰۰/۰۰۰ ریال

◆ هزینه اشتراک یکساله مجلات تخصصی (چهار شماره): ۲۰۰/۰۰۰ ریال